ویژه سال
آموزش
دانشجویان
۱۱



# انسجام اسلامی

## آسیب‌ها و راهکارها

حیدرعلی میرزا

انسجام اسلامی، آسیب ها و راهکارها

مشخصات کتاب

سرشناسه: میمنه، حیدرعلی، 1344-

عنوان و نام پدیدآور: انسجام اسلامی، آسیب ها و راهکارها/ حیدرعلی میمنه؛ ]تهیه کننده[ مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، 1388.

مشخصات ظاهری: 98 ص. _ _ (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ 1550)

شابک: 978-600-5563-52-8

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: وحدت اسلامی

موضوع: همبستگی

موضوع: همبستگی - - ایران

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: 1388 8الف97م / BP 233/5

رده بندی دیویی: 482/297 س

شماره کتابشناسی ملی: 1942214

ص:1

اشاره

ص:2

انسجام اسلامی، آسیب ها و راهکارها

کد: 1550

نویسنده: حیدرعلی میمنه

ویراستار: محبوبه ابرنجی

تهیه¬کننده: مرکز پژوهش¬های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / زمستان 1388

شمارگان: 1400

بها: 15000 ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش¬های اسلامی صدا و سیما

تلفن: 2919670 _ 0251 دورنگار : 2915510

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: 22014738 نمابر: 22164997

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: 978-600-5563-52-8 / 978 -600-5563-52-8 :ISBN

ص:3

فهرست مطالب

دیباچه1

پیش گفتار4

فصل اول: کلیات7

1. طرح موضوع7

2. هدف پژوهش8

3. پرسش های اصلی8

4. پرسش های فرعی8

5. فرضیه های پژوهش9

6. مفهوم شناسی10

الف) آسیب شناسی10

ب) انسجام اسلامی10

ج) مسلمان10

د) شیعه11

ه_) رسانه 11

7. کاربرد رسانه ای11

فصل دوم: ریشه ها و پی آمدهای اختلاف در سطح علما و اندیشمندان13

1. بیان اختلاف14

2. ریشه های اختلاف16

الف) تحول و تطوّر زبان شناسانه16

ص:4

یک _ اشتراک لفظی17

دو_ ابهام در تعریف واژه17

سه _ به کار رفتن زبان تمثیل19

ب) وجود آیات متشابه19

ج) اختلاف در مبانی فکری21

د) اختلاف در جایگاه عقل22

3. راه حل24

الف) پذیرش مرجعیت واحد24

ب) دعوت به عقل محوری در فهم کتاب و سنت27

ج) ایجاد تحول در نوع نگاه28

د) تشکیل نهادهای علمی برای گفت وگو28

یک _ جمع آوری باورها، مراسم و احادیث مشترک همه مذاهب و انتشار آن به زبان های مختلف29

دو_ تبیین دقیق و مستند موارد اختلاف میان مذاهب اسلامی بر اساس دیدگاه های هر مذهب30

سه _ نشان دادن تناقض های کوچک و غیرحساس موجود در یک مذهب31

چهار_ ایجاد وحدت رویه برای وحدت31

پنج _ تربیت کارشناس ویژه33

فصل سوم: ریشه ها و پی آمدهای اختلاف در سطح ارباب سیاست35

1. بیان اختلاف35

2. ریشه های اختلاف37

الف) عوامل اعتقادی و دینی38

ب) خلأ های اقتصادی و فرهنگی40

3. راه حل41

الف) آگاهی بخشی به مسلمانان41

ب) جلوگیری از دخالت اهل قدرت در نزاع های علمی42

فصل چهارم: ریشه ها و پی آمدهای اختلاف در سطح شهروندان عادی46

1. بیان اختلاف46

2. ریشه های اختلاف48

الف) اختلاف های دیپلماتیک کشورهای اسلامی48

ص:5
ب) کوتاهی های برخی مبلّغان مسلمان48
ج) فقر فرهنگی و مالی49
3. راه حل49
دسته اول _ اختلاف های ناشی از اهانت به مقدسات50
1. بیان اختلاف50
2. ریشه های اختلاف50
الف) ناتوانی در دفاع از مذهب50
ب) مقابله به مثل51
3. راه حل52
الف) بیان پی آمدهای منفی لعن برای جامعه اسلامی52
ب) نگرش تاریخی به لعن54
ج) تفاوت لعن و فحاشی58
یک _ بیان حرام بودن یک عمل58
دو_ بیان ناخشنودی از یک عمل59
دسته دوم _ اختلاف های ناشی از بداخلاقی60
1. بیان اختلاف60
2. ریشه اختلاف61
3. راه حل61

الف) رواج امر به معروف و نهی از منکر61

ب) آموزش اخلاق اعتراض65

دسته سوم _ اختلاف های ناشی از مدارا و بردباری نکردن70

1. بیان اختلاف70

2. ریشه های اختلاف72

الف) احساس قیمومیت فکری72

ب) مشکلات ساختاری و تفاوت های فرهنگی74

ج) ضعف استدلال75

3. راه حل76

الف) ارسال پیام های محبت76

ب) در نظر گرفتن مصالح کلی78

ج) تقیه79

ص:6

د) عمل به منطوق اقوال81

ه_) داوری نکردن بر اساس باورهای عوام83

و) محور قرار دادن خوش گمانی84

دسته چهارم _ اختلاف های ناشی از تفرقه افکنی بیگانگان84

1. بیان اختلاف84

2. ریشه اختلاف85

3. راه حل86

الف) آمادگی نظامی86

ب) شناخت نقشه های اختلاف آفرین داخلی و مقابله با آنها87

یک _ بزرگ نمایی اختلاف87

دو_ دوستی منافقانه88

سه _ ایجاد انحراف فرهنگی90

چهار _ تبدیل تفاوت به اختلاف93

فصل پنجم: وظیفه رسانه ها برای تقویت انسجام اسلامی96

1. یادآوری پی آمدهای اختلاف96

الف) از دست رفتن عزت و شوکت مسلمانان97

ب) هدر رفتن امکانات و توانایی های مسلمانان98

ج) ناتوانی درتصمیم گیری مناسب100

2. برنامه ریزی وحدت محور101

الف) ملی ماندن رسانه ملی101

ب) افزایش امید به امکان تحقق وحدت اسلامی 101

ج) تقویت هویت اسلامی104

یک _ برگزاری مراسم مشترک105

دو_ تشکیل دادگاه اسلامی106

د) تأسیس رسانه های مشترک107

ه_) ترویج و تقویت اخلاق انسانی107

و) ترویج اندیشه بردباری و مدارا107

ز) جلوگیری از تشکیل مذهب های جدید108

ح) ترویج گردشگری109

ص:7

ط) رفع اختلاف های بی اساس110

کتاب نامه112

ص:8

ص:9

# دیباچه

ریشه اختلافاتی را که در سطح اندیشمندان و عالمان دینی، سیاست مداران و شهروندان عادی دنیای اسلام ظهور می یابد، باید در تطورات زبان شناسانه، وجود آیات متشابه، اختلاف در مبانی فکری و بی توجهی به جایگاه عقل و از همه مهم تر، توطئه ها و ترفندهای دشمنان بیرونی جست وجو کرد. این تفرقه ها و تشتت ها با پذیرش مرجعیت واحد، دعوت به عقل محوری در فهم کتاب و سنت، تغییر در نگرش ها و تشکیل نهادهای عامی برای گفت وگو تا حدود زیادی حل و فصل خواهد شد. در این راستا باید برای آگاهی بخشی به مسلمانان و جلوگیری از دخالت اهل قدرت در نزاع های علمی همت گماشت. در همین زمینه، شناخت نقشه های اختلاف آفرین دشمنان و عوامل داخلی آنها بسیار اهمیت دارد.

ناگفته پیداست که از دیرزمان، دشمنان اسلام به بزرگ نمایی اختلافات جامعه های اسلامی دامن می زنند و می کوشند شکاف های اعتقادی را روز به روز برجسته تر سازند. از این رو، هوشیاری در مقابل نقشه های مرموزانه آنها بسیار ضروری می نماید. باید توجه داشت که

هیچ گاه تفاوت در مذاهب لزوماً به معنای اختلاف و ایجاد درگیری نیست، بلکه می تواند به شکوفایی هرچه بیشتر بحث های اعتقادی بینجامد. در این مسیر، رسانه ها برای ایجاد انسجام و وحدت اسلامی، نقش بسیار اثرگذاری دارند. رسانه ها باید با یادآوری پی آمدهای منفی گسترش اختلافات و تبیین خطر به هدر رفتن امکانات و کاهش توان مندی های مسلمانان، قاطبه مسلمانان را به سوی برنامه های وحدت محور فرابخوانند و از تقویت هویت اسلامی و آثار و نتایج وحدت و هم بستگی بیش از گذشته سخن بگویند.

پژوهشگر ارجمند، جناب حیدرعلی میمنه در این پژوهش کوشیده است با آسیب شناسی انسجام اسلامی، راهکارهای ایجاد وحدت و هم بستگی را ره توشه برنامه ریزان و برنامه سازان رسانه ملی سازد. با سپاس از تلاش های محققانه ایشان، امید است مورد بهره گیری بهینه قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

گروه جامعه شناسی

اداره کل پژوهش

ص:11

## پیش گفتار

کسی که معتقد باشد خدای یکتا، فردی به نام محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله را در مقام آخرین پیامبر برانگیخته است و کتابی به نام قرآن را بر او نازل کرده، مسلمان است. همه مسلمانان، دست کم در این عقیده با یکدیگر مشترکند. انتظار می رود افرادی با چنین وجوه مشترک، جمعیتی منسجم و متحد باشند، ولی برخلاف انتظار، با گروهی متفرق روبه رو هستیم که مذهب های گوناگون با عقاید متفاوت دارند. در این میان، هرکس مذهب خود را نزدیک ترین مذهب به آیین پیامبر می داند و از آن دفاع می کند.

در روند منطقی، برای آنکه فردی بتواند از مذهبش دفاع کند، باید ابتدا از دین، در برابر بی دینی دفاع کند؛ چون اگر اندیشه بی دینی در جامعه ای حاکم شود، دفاع از مذهب، تلاشی بی حاصل است. بنابراین، پیروان همه ادیان باید در مقابل هجوم اندیشه های ضد دینی یا اندیشه هایی که خواستار کنار رفتن دین از صحنه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند، با یکدیگر متحد شوند. بدیهی است تفرقه گروه دین داران، آنان را بسیار آسیب پذیر می کند.

در مرحله بعد، برای دفاع از مذهب باید از اصل دین دفاع کرد. مدافعان هر مذهب باید متوجه باشند غفلت در دفاع از اصل دین، به بهانه دفاع از مذهب، بر شاخه نشستن و بن را بریدن است؛ چون همواره عوامل یا جریان هایی، در پی سست کردن و در هم ریختن بنیان دین هستند و به هیچ کدام از مذاهب آن علاقه ای ندارند. بنابراین، لازم است در این مرحله، پیروان همه مذاهب، اولویت را به دفاع از دینشان بدهند و در گام بعد، به دفاع از مذهب خویش بپردازند.

در نگاه اول این گونه به نظر می رسد که اختلاف پیروان مذاهب اسلامی با افراد مادی گرا، لاییک یا پیروان ادیان دیگر، بسیار بیشتر از اختلاف حامیان هر کدام از مذاهب اسلامی با یکدیگر است. این در حالی است که شواهد تاریخی نشان می دهد میزان سرمایه هایی که مسلمانان برای دفع و مقابله با یکدیگر صرف می کنند، به مراتب، بیشتر از هزینه ها و تلاش های آنان برای دفع بی دینی و دفاع از اسلام در مقابل ادیان دیگر بوده است.

بسیاری از اندیشمندان مسلمان به این مسئله و خطرهایی که از این ناحیه، اصل پایه و اساس اسلام را تهدید می کند، توجه داشته اند. از این رو، برای حل آن زحمت های فراوانی کشیده و فضای موجود میان مسلمانان را تا حدودی آرام کرده اند. با این حال، هرگز نتیجه ای مستمر و فراگیر به دست نیاورده اند. عامل این اختلاف های مذهبی که جوامع اسلامی همچنان از آن رنج می برند، چیست؟ آیا برای رهایی از این رنج، راهی وجود دارد؟ این جستار می کوشد موانع اختلاف مسلمانان را روشن کند و برای آنها راه حلی نشان دهد.

ص:14

ص:15

## فصل اول: کلیات

### 1. طرح موضوع

پیروان همه ادیان پس از مدتی، هماهنگی نخستینی را که بنیان گذاران آن ادیان بنا نهاده اند از دست داده اند و به شاخه ها و مذاهب مختلف تقسیم شده اند. فاصله اندک میان این مذاهب با گذشت زمان و به دلایل گوناگون، بیشتر و عمیق تر شده و گاهی به جنگ های مذهبی انجامیده است. مسلمانان نیز بر همین مسیر رفته اند.

اختلاف میان مذاهب اسلامی یا در تفسیرهای مختلف عالمان دینی از یک منبع ریشه دارد یا به تفاوت منابع و شیوه مراجعه به آنها بازمی گردد. گاهی اختلاف ها گرچه در ظاهر، دینی است، ولی عمیقاً در اختلاف های سیاسی حاکمان جوامع اسلامی ریشه دارد. اختلاف های این دو گروه همراه با احساسات و خشونت بیشتر در میان پیروان عادی مذاهب نیز جلوه گر می شود. این اختلاف ها، سرمایه ها و فرصت های زرینی را از دست مسلمانان ربوده است و آنان از این رهگذر خسارت های فراوانی دیده اند. حل همه اختلاف ها اگر مطلوب هم باشد، ممکن نیست.

اختلاف ها را بایستی دقیق ریشه یابی کرد. برخی را که حل شدنی است، حل کرد و پاره ای از اختلاف ها را که امکان حل شدن ندارند، باید به گونه ای مدیریت کرد که حداقل خسارت را برای جوامع اسلامی داشته باشند. هر گامی در این مسیر، گامی به سوی استفاده بهینه از داشته ها و منابع کشورهای اسلامی و حفظ آنها از چپاول بیگانگان از یک سو و بازگرداندن شوکت و عظمت گذشته آنان از سوی دیگر است. آگاهی عموم مسلمانان از علل اختلاف ها و دانستن میزان خسارت هایی که از این راه به ایشان رسیده، ضروری ترین مرحله در جهت ایجاد همدلی و انسجام اسلامی است. ازاین رو، انجام پژوهش هایی از این دست در جوامع اسلامی، ضروری است. بدیهی است هرچه این آگاهی ها دقیق تر و سریع تر به مردم منتقل شود، سود آن بیشتر خواهد بود. به همین دلیل، آگاهی عمیق اهل رسانه از این موضوع ضروری تر است.

### 2. هدف پژوهش

شناخت عوامل جدایی و تنش میان مسلمانان و ارائه پیشنهادهایی برای کاهش یا رفع این مشکل.

### 3. پرسش های اصلی

_ اختلاف های میان مذاهب اسلامی چند نوع است؟

_ ریشه اختلاف ها چیست؟

_ راه حل اختلاف ها کدام است؟

_ نقش رسانه ها در ایجاد یا رفع و کاهش اختلاف ها چیست؟

### 4. پرسش های فرعی

_ اختلاف در مبنای فکری، ابزارهای تفکر و تحولات زبانی چگونه پدید می آید؟

_ قرآن کریم به عنوان یک اصل مشترک چگونه می تواند وحدت آفرین باشد؟

_ حاکمان کشورهای اسلامی چگونه می توانند عامل تشدید یا کاهش اختلاف مسلمانان باشند؟

_ تأثیر متقابل ناآگاهی شهروندان کشورهای اسلامی از یکدیگر و بروز اختلاف در میان مسلمانان چیست؟

_ علل و پی آمدهای اهانت به مقدسات مذاهب دیگر چیست؟

_ اهانت به مقدسات مذاهب دیگر پدیده ای زمان مند یا دایمی است؟

_ میان وحدت با پای بندی به اصول اخلاقی چه رابطه ای وجود دارد؟

_ آیا دعوت به وحدت به معنی دفاع نکردن از اصول مذهب است؟

_ بیگانگان چگونه و با چه انگیزه هایی آتش اختلاف میان مسلمانان را شعله ور می کنند؟

_ رسانه ها (به ویژه رسانه ملی) چگونه می توانند برنامه های وحدت محور داشته باشند؟

### 5. فرضیه های پژوهش

الف) میان مسلمانان اختلاف وجود دارد.

ب) برخی از این اختلاف ها قابل حل و دسته ای دیگر حل نشدنی هستند یا حل شدن آنها بسیار مشکل است.

ج) اختلاف میان مسلمانان عوامل گوناگون دارد.

## 6. مفهوم شناسی

### الف) آسیب شناسی

جامعه انسانی، همانند جسم و روح انسان ممکن است بر اثر عوامل مختلفی گرفتار بیماری شود. نخستین گام برای درمان آفت های اجتماعی نیز شناسایی و درمان به موقع آفت است. یکی از بیماری های خطرناک و نابودکننده جوامع، پدید آمدن کاستی و شکست در عوامل پیونددهنده اعضای آن با یکدیگر است. جامعه ای که گرفتار چنین مشکلی شده باشد، از بیماری تفرقه رنج می برد. مقصود از آسیب شناسی، نشان دادن عوامل و ریشه های این آفت است تا در گام بعدی بتوان برای آن درمان یا راه حل تعریف کرد.

### ب) انسجام اسلامی

مقصود از وحدت یا انسجام اسلامی، وجود هماهنگی های لازم میان مسلمانان به منظور دست یافتن به اهداف مشخص شده از سوی خدا و رسول است وگرنه همه آموزه های اسلام که در قرآن کریم و سنت اصیل نبوی بیان شده است، از هماهنگی و انسجام عالی و کارآمد برخوردارند. بنابراین، انسجام اسلامی در این پژوهش به معنی هماهنگی و انسجام مسلمانان خواهد بود.

### ج) مسلمان

مسلمان کسی است که شهادتین را بر زبان جاری کند؛ یعنی به یگانگی الله تعالی اعتراف کند و حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله را آخرین فرستاده او بداند و منکر دستورهای ضروری دین مانند نماز و روزه و امثال آن

نباشد. هیچ عامل دیگری مثل رنگ، نژاد و سرزمین در تعریف مسلمانی جایگاهی ندارد.

### د) شیعه

مسلمانانی که معتقدند پیامبر اکرم اسلام برای پس از خود دوازده جانشین برگزیده و به مردم معرفی کرده است که نخستینِ آنها امام علی علیه السلام و آخرین ایشان امام مهدی[ است.

### ه_) رسانه

مقصود از رسانه آن دسته از ابزارهای اطلاع رسانی است که بتوانند افراد نسبتاً زیادی را مخاطب خود قرار دهند. روزنامه ها، مجله ها و به ویژه رسانه های دیداری و شنیداری و شبکه های اینترنتی از آن جمله اند.

### 7. کاربرد رسانه ای

اثرپذیری گسترده و همه جانبه مخاطبان از رسانه های جمعی واقعیتی کاملاً آشکار است. به همین دلیل، کارکرد رسانه ها در چگونگی باورها، شیوه گفتار و رفتار مردم، جدّی و قابل توجه است. رسانه ها درباره ایجاد انسجام اسلامی می توانند با یادآوری نقش وحدت در پیشرفت های علمی و اجتماعی جوامع اسلامی در قرون گذشته، مردم را به وحدت تشویق کنند و با تبیین سرمایه هایی که به دلیل تفرقه از دست آنان بیرون رفته یا خواهد رفت، ایشان را نسبت به لغزشگاه های پیش رو هشدار دهند.

رسانه ملی می تواند با فراهم آوردن فرصت های مناسب و عادلانه برای گروه ها و اقوام مختلف، تشویق آنان به مشارکت در حفظ منافع ملی و آگاه ساختن مسلمانان از عقاید و شیوه اخلاق و رفتار و زندگی یکدیگر به گسترش انسجام اسلامی یاری رساند. رسانه ها با تهیه

برنامه های محققانه و وحدت محور که سبب تقویت هویت ملی، ترویج بردباری و حس دوستی و همکاری در میان مردم می شود، این توانایی را دارند که امید و نشاط مردم را به امکان پذیر بودن وحدت و تلاش برای تحقق آن پررنگ و پررونق کنند.

ص:21

## فصل دوم: ریشه ها و پی آمدهای اختلاف در سطح علما و اندیشمندان

### اشاره

بی تردید، میان مسلمانان تفرقه و اختلاف وجود دارد. برخی اختلاف ها عمیق و جدّی هستند و نمی توان انتظار داشت به زودی حل شوند، درحالی که برخی دیگر سطحی تر هستند و رفع و کاهش آنها را می توان از اهداف میان مدت فعالیت های وحدت محور قرار داد. از دیدگاه دیگر، اختلاف های مسلمانان را به سه دسته کلی می توان تقسیم کرد: اختلاف در سطح عالمان و اندیشمندان؛ اختلاف در سطح ارباب سیاست و اختلاف در سطح شهروندان عادی.

اگر عالمان دنیاطلب و کسانی را که برای به دست آوردن منافع مادی، توجیه گر اعمال ستمگران هستند، از جرگه علمای اسلامی بیرون کنیم، بقیه عالمان دینی در همه مذاهب اسلامی، مدعی کوشش برای دریافت مفهوم واقعی سخن خداوند و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند. البته هر کدام از آنها برای رسیدن به این هدف، روش و منبع خاص خود را دارند؛ روش ها و منابعی که ممکن است نزد علمای مذاهب دیگر مورد قبول

نباشد. بدیهی است تفاوت در منبع و روش، به اختلاف در نتیجه می انجامد. این اختلاف ها به تدریج به سطوح پایین تر جامعه نیز سرایت می کند.

در این فصل، ابتدا جایگاه و ریشه های اختلاف های موجود در سطح عالمان و سپس راهکارهای رفع یا کاهش آنها بیان می شود.

### 1. بیان اختلاف

هرگاه گروهی ادعاها، باورها و عقایدی داشته باشد، درحالی که گروه دیگر آنها را قبول نداشته یا معتقد به چیزهایی مخالف با گروه نخست باشد، میان آنها اختلاف رخ می دهد. با ملاحظه این اختلاف ها چهار فرض متصور است:

1. اعتقادهای هر دو گروه درست است.

2. ادعاهای هر دو باطل است.

3. یکی از این دو گروه دارای عقیده صحیح و دیگری دارای عقیده فاسد است.

4. باورها و ادعاهای هر دو گروه، مخلوطی از باورهای درست و غلط است.

در صورت نخست، مشکل این دو گروه، نشناختن زبان یکدیگر است که با حضور «عزیزی صد زبان»، مشکل عنب و انگور حل می شود. (1) در سه مورد دیگر، برای حل اختلاف بایستی معیار یا

---

1- . اشاره به داستانی است که مولانا در دفتر دوم مثنوی آورده است بدین مضمون: چند نفر که زبان یکدیگر را نمی فهمیدند، با اینکه همگی یک چیز می خواستند، با هم ستیز می کردند. اگر کسی که زبان همه آنها را می فهمید آنجا بود، این اختلاف حل می شد. صاحب سرّی عزیزی صد زبان گر بُدی آنجا بدادی صلحشان

معیارهایی ارائه شود که مورد توافق هر دو طرف باشد تا بر اساس آن، میانشان داوری شود. اگر صاحبان عقاید مختلف به طور جدّی و تا پایان با این معیارهای پذیرفته شده همراه باشند، به نزدیک شدن افق های فکری و عملی این گروه ها می توان امیدوار بود.

اکنون پرسش این است: آیا مسلمانان معیاری مشترک و پذیرفته شده دارند که محور وحدت آنها قرار گیرد؟ آیا قرآن کریم و سنت نبوی می تواند چنین نقش محوری را ایفا کند؟

تجربه های تاریخی نشان داده اند که مسلمانان در استفاده از کتاب و سنت، به عنوان معیار وحدت، توفیق زیادی به دست نیاورده اند. قرآن نزد عموم مسلمانان، مقدس و احکام آن پذیرفتنی است، ولی به دلیل آنکه تفسیرهای متفاوتی از آیات دارند، نتوانسته اند از این کتاب مقدس برای وحدت امت اسلامی بهره گیرند. تا زمانی که هر گروه برداشت و تفسیر خود را صحیح بداند و بر آن اصرار کند، اختلاف همچنان باقی خواهد ماند.

بر اساس اسناد تاریخی، گروهی از مسلمانان که در نهایت، «خوارج» نامیده شدند، در ماجرای نبرد صفین، با تمسک به آیه «لاحکم الا لله»، پذیرش حکمیت از سوی امام علی علیه السلام را مخالف قرآن دانستند و سرانجام، بر همین اساس، قبول حکمیت را کفر شمردند. امام وقتی ابن عباس را برای گفت وگو نزد آنان فرستاد، به وی سفارش کرد:

به قرآن بر آنها حجت میاور که قرآن تاب معنی های گونه گونه دارد. تو چیزی از آیه ای می گویی و خصم تو چیزی از آیه دیگر... ولی به سنت با آنان گفت وگو کن که ایشان را راهی نبود، جز پذیرفتن آن. (1)

این سخن بدین معنی است که گروه خوارج، جایگاه استفاده از قرآن و ظرافت های بهره گیری از آن را نمی شناختند. با این حال، سنت نبوی دارای دلالت آشکاری تری است. ازاین رو، در مباحث علمی کاربرد آسان تری دارد. البته بیشتر روایات از نظر سند قطعیت ندارند. بنابراین، با توجه به تنگناها، باید تلاش کرد از سند قطعی قرآن و دلالت ظنّی روایات، همراه با هم استفاده کرد.

### 2. ریشه های اختلاف

#### الف) تحول و تطوّر زبان شناسانه

##### اشاره

زبان یکی از ابزارهای مهم انتقال مفاهیم از شخصی به شخص دیگر است. همچنین زبان همانند همه ابعاد دیگر زندگی بشر، در حال دگرگونی و تحول است. برخی کلمات می میرند و واژه های جدید متولد می شوند. گاهی واژه ها در طول زمان تغییر معنی می دهند. هرچه میان ما و مبدأ سخنی، فاصله زمانی بیشتری وجود داشته باشد، این تحول ها پیچیده تر، غریب تر و در نتیجه، فهم آن مشکل تر می شود. در بسیاری از موارد، ما برای فهم سخن دیگران، از نمونه ها و شواهد بیرونی و محیطی استفاده می کنیم. گاهی این شواهد در سفر تاریخ با خود سخن همراه نمی شوند یا در اینکه کدام قرینه متعلق به این سخن است، اختلاف پیدا می شود. در این صورت، فهم آن سخن ناممکن می شود یا در فهم آن اختلاف رخ می دهد.

---

1- . عبدالحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، نامه 77.

این دگرگونی ها از ویژگی های زبان انسان هاست و در مورد فهم قرآن و سنت نیز چنین است. برخی از این تحول ها عبارتند از:

### یک _ اشتراک لفظی

یکی از ویژگی های زبان در علوم انسانی آن است که برخی واژه ها دارای چند معنی هستند. اگر در متن یا بیرون از آن، قراینی وجود نداشته باشد که یک معنی را به طور قاطع بر دیگری ترجیح دهد، مراجعه کنندگان به این متن از آن فهم های مختلف خواهند یافت. اگر این فهم ها به داشتن یک اعتقاد یا انجام و ترک یک عمل مربوط شود، اختلاف عقیدتی و رفتاری متولد خواهد شد. درحالی که هر دو، اعتقاد و عمل خود را به یک متن ارجاع می دهند.

### دو_ ابهام در تعریف واژه

گاهی مفهوم برخی کلمات به کار رفته در کتاب و سنت تعریف نشده اند. به همین دلیل، حد و مرز و حوزه پوشش دهنده آنها مورد اختلاف است. برای مثال، مفهوم واژه «ایمان» برخلاف کاربرد وسیعی که دارد، برای همه فرقه های اسلامی مفهوم یکسانی ندارد. از این رو، ممکن است گروهی، با تعریفی که از آن دارد، گروه دیگر را مؤمن نداند و حتی به کشتن آنها فتوا دهند. آن گونه که خوارج، مرتکبان گناه کبیره را خارج از ایمان می شمردند و به قتل آنها حکم می کردند. (1) امروزه نیز برخی علمای وهابی کار مسلمانان در زیارت قبور را در حد کفر و شرک می دانند و کشتن آنان را جایز می شمارند.

---

1- . هاشم معروف الحسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه: محمدصادق عارف الحسنی، ص 60.

گاهی ابهام بدین گونه است که کاربرد فلان عبارت برای مقطع زمانی خاصی است یا همه زمان ها را دربرمی گیرد. برای مثال، در ماجرای حدیبیه، همه کسانی که در آن سفر همراه پیامبر بودند، با آن حضرت بیعت کردند که در مقابل دشمن تا آخر مقاومت کنند. پس از این بیعت، خدای تعالی این گونه از بیعت کنندگان اظهار رضایت کرد:

لَقَدْ رَضِی اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ اِذْ یبَایِعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ فَعَلِمَ مَا فِی قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّکِینَهَ عَلَیهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحاً قَرِیباً. (فتح: 18)

به راستی، خدا هنگامی که مؤمنان، زیر آن درخت با تو بیعت می کردند، از آنان خشنود شد و آنچه در دل هایشان بود، بازشناخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد و پیروزی نزدیکی به آنها پاداش داد.

اکنون اختلاف است که آیا این ابراز رضایت الهی در همان مورد خاص بوده است یا بیعت کنندگان تا آخر عمرشان و با هر عملی مورد رضایت خداوند هستند؟

اهل سنت به دایمی بودن این رضایت معتقدند (1) و در این زمینه، به روایتی استناد می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ کدام از بیعت کنندگان به دوزخ نمی روند.» (2) در مقابل، عموم مفسران شیعه معتقدند اظهار رضایت خدای تعالی، فقط در همان مورد و شامل کسانی است که تا آخر عمرشان از فرامان رسول الله صلی الله علیه و آله اطاعت کرده باشند. علامه طباطبایی می نویسد: «چنان نیست که همه آنهایی که بیعت کردند، داخل آتش نشوند، بلکه فقط مشمولان سکینت چنین هستند». (3)

---

1- . شهرستانی، ملل و نحل، ج 1، ص 145.
2- . الدر المنثور، ج 6، ص 74.
3- . سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، ج 18، ص 424؛ سید ابراهیم بروجردی، تفسیر جامع، ج 6، ص372؛ ملا فتح الله کاشانی، تفسیر منهج الصادقین، ج 8، ص 372.

سه _ به کار رفتن زبان تمثیل

برخی مفاهیم به گونه ای است که فهم آن برای ذهن، مشکل یا محال است. در اینجا گوینده از تمثیل، استعاره و فنون ادبی مشابه استفاده می کند. آیا قرآن کریم این گونه فنون را به کار برده است؟ (1) مواضع و موارد آن کدام است؟ فرقه های مسلمانان بر سر پاسخ هیچ کدام از این پرسش ها توافق ندارند. برخی منکر به کار رفتن عبارات مجازی در قرآن شده اند و گروهی در مصادیق آن اختلاف دارند. این تفاوت نظرها به اختلاف در عقیده نیز منجر شده است. برای مثال، برخی آیات قرآن کریم، از دیدار مؤمنان با خداوند سخن گفته (2) یا از دست خداوند که بالای همه دست هاست، یاد کرده است: «یدُالله فَوْقَ اَیدِیهِمْ.» (فتح: 10)

آیا در این گونه آیه ها، مفهوم واقعی دیدار و دست مقصود است یا معنای مجازی که رحمت ویژه یا قدرت است، منظور است؟ در این زمینه نیز توافقی وجود ندارد. درحالی که امامیه به مجازی بودن این گونه آیه ها معتقدند، برخی از اهل سنت به حقیقی بودن آنها حکم می کنند. محمدجواد مشکور در این مورد می نویسد:

وهابیان به پیروی از ابن تیمیه، به ظاهر آیه ها و اخبار عمل می کنند، قائل به تأویل و توجیه نیستند و به استناد ظاهر پاره ای از احادیث و آیات، برای باری تعالی اثبات جهت می کنند و او را مانند مجسمه دارای اعضا و جوارح می دانند. (3)

ب) وجود آیات متشابه

---

1- . سیوطی در الاتقان بحث مفصلی در این زمینه دارد. نک: ترجمه الاتقان، ج 2، ص 149.
2- . رعد: 2.
3- . محمدجواد مشکور، فرهنگ فِرَق اسلامی، ص 459. برای اطلاعات بیشتر از فرقه هایی که قائل به وجود اعضا و جوارح برای خدای تعالی هستند، نک: ملل و نحل، ج 1، ص 95.

قرآن کریم تصریح می کند برخی آیاتش متشابه است. آیات متشابه آیه هایی است که آدمی در درک مفهوم واقعی آن دچار اشتباه می شود. در این مورد:

یک _ در این مسئله که کدام آیات متشابه هستند، میان مسلمانان اختلاف نظر وجود دارد.

دو_ اگر در این مسئله توافقی باشد، در فهم مقصود آیه توافق نیست. سه _ در این موضوع نیز توافقی وجود ندارد که آیا کس یا کسانی هستند که معنای دقیق آیات متشابه را بدانند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیکَ الْکِتَابَ مِنْهُ آیاتٌ مُحْکَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتَابِ وَأُخَرَ مُتَشَابِهاتٌ فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیغٌ فَیتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَهِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِیلِهِ وَمَا یعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِندِ رَبِّنَا وَمَا یذَّکَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ. (آل عمران: 7)

اوست کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره ای از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است. آنها اساس کتابند و [پاره ای] دیگر متشابهاتند [که تأویل پذیرند]. با این حال، کسانی که در دل هایشان انحراف است، برای فتنه جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود،] از متشابه آن پیروی می کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی داند. [آنان که] می گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست» و جز خردمندان کسی متذکر نمی شود.

قاریان مسلمان در قرائت «وما یعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یقُولُونَ آمَنَّا بِهِ.» اختلاف دارند. اگر بر «الله» توقف کنند، در این صورت، معنای

آیه آن خواهد بود که مفهوم واقعی آیات متشابه را تنها «خدا» می داند. اگر بر «العلم» توقف کنند، آیه این گونه معنی می شود که راسخان در علم نیز تفسیر واقعی این آیات را می دانند. به فرض، اگر بر قرائت دوم، اتفاق نظری صورت گیرد، اختلاف در مصادیق راسخان در علم همچنان باقی می ماند. این اختلاف ها در نهایت به تشکیل فرقه هایی در میان مسلمانان می انجامد. علامه طباطبایی در مورد اختلاف کلامی و فقهی مسلمانان و ارتباط آن با تأویل ناصواب آیات متشابه می نویسد:

... و شما خواننده محترم اگر از بدعت ها و مذاهب و اهوای باطل و فاسدی که فرقه هایی از مسلمانان را منحرف نموده، آمارگیری کنی و مذاهبی که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در اسلام _ چه درباره معارف اصولی اسلام باشد و چه درباره فروع احکام _ پدید آمده مورد دقت قرار دهی، خواهی دید که بیشتر این انحراف ها به خاطر پیروی از آیات متشابه قرآن و تأویل هایی بوده که از پیش خود و بدون مدرک برای این گونه آیات کرده اند. (1)

### ج) اختلاف در مبانی فکری

شیعه بر اساس ادلّه کلامی خود معتقد است پیامبر اسلام دارای مقام عصمت کامل است و هرگز به هیچ گناه یا اشتباهی آلوده و گرفتار نشده است. شیعه شبیه چنین جایگاهی را برای سیزده نفر دیگر از خاندان پیامبر نیز قائل است و حتی پیامبران پیشین را نیز از خطا و گناه مصون می داند. (2) اهل سنت برای عصمت، حوزه بسیار کوچک تری قائل هستند و عصمت انبیا از جمله پیامبر گرامی اسلام را فقط در دریافت و ابلاغ

---

1- . ترجمه المیزان، ج 3، ص 29.
2- . شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ص 284.

وحی می دانند. این موضع کلامی سبب می شود شیعیان، ظاهر آیاتی را که ممکن است به عصمت آنان خدشه ای وارد کند، تأویل می کنند، ولی اهل سنت برای خود چنین محدودیتی قائل نیستند. برای مثال، شیعه در آیه «عَبَسَ وَ تَوَلّی»، مرجع ضمیر را کسی غیر از پیامبر می داند و اهل تسنن اشکالی نمی بیند ضمیر به خود پیامبر بازگردد. (1)

### د) اختلاف در جایگاه عقل

تردیدی وجود ندارد که عقل یکی از مهم ترین ابزارهای شناخت برای انسان هاست. از گذشته دور تاکنون، در شرق و غرب عالم بر سر این مسئله که حد و مرز پرتوافکنی عقل کجاست و در چه جاهایی پای رفتن ندارد، توافقی حاصل نشده است. در جهان اسلام نیز بخش قابل توجهی از اختلاف های عارفان، فیلسوفان، فقیهان و در گذشته، اشاعره و معتزله به اختلاف در جایگاه عقل بازمی گردد. درحالی که فلاسفه اسلامی اساس شناخت را عقل می دانستند، عارفان آن را پای چوبین و بی تمکین می شمردند.

هم اشاعره و هم معتزله که اختلاف هایشان سبب تفرقه و تنش های بسیاری در جهان اسلام شد، قرآن را به عنوان کلام خدا و متن مقدس دین خود قبول داشتند و به آیات آن استناد می کردند. با این حال، معتزله معیار فهم این متن مقدس را عقل آدمی می دانستند، بدین گونه که اگر در قرآن مطلبی وجود داشت که در ظاهر با اصول عقلی قابل جمع نبود، متن را تأویل و به گونه ای معنی می کردند که با عقل سازش داشته باشد. درحالی که برای اشاعره، خود متن محوریت داشت و به جای متن، عقل

---

1- . نک: سیدمحمدحسین فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، ج 24، ص 61.

را تأویل می کردند و در هر صورت، عقل را به فهم نکردن متن متهم می کردند. (1)

این دو نگاه متفاوت به جایگاه عقل سبب ایجاد اختلاف در تفسیر متون دینی شد و به پیدایش فرقه ها و مکتب های فکری و اعتقادی گوناگونی انجامید. دخالت حاکمان سیاسی به سود یا زیان یکی از این دو گروه، وقایع اسفناکی را در پی داشت که در تاریخ فِرَق ثبت شده است. (2)

در فرهنگ شیعی نیز شبیه همین اختلاف، دو گروه اصولیون و اخباریون را پدید آورد. اخباریون معتقد بودند متون دینی از آیه و روایت دربردارنده همه نیازهای بشر است و می تواند در همه دوران ها به همه پرسش های آنان پاسخ دهد. اگر هم برای برخی پرسش ها و مشکل ها، راه حلی از متون مقدس نیافتیم، به دلیل ناتوانی و ضعف عقل است. اینان در تأیید اعتقاد خود به برخی روایات استناد می کردند، از جمله در کافی، بابی است با عنوان «باب الرد الی کتاب والسنه و انه لیس شیء من الخلال و جمیع ما یحتاج الناس الیه الا و قد جاء فیه کتاب او سنه» و در آن چند روایت با همین مضمون نقل شده است. از امام باقر علیه السلام روایت است:

خداوند تعالی هیچ چیز را که امت به آن نیاز داشته است، فروگذار نکرده، مگر آنکه آن را در قرآن و سنت آورده است. (3)

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود:

---

1- . شیعه در برابر معتزله و اشاعره، صص 154 و 177.
2- . شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ص 178.
3- . محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج 1، ص 59.

خداوند در قرآن هیچ چیز از نیازهای مردم را فروگذار نکرده است، به گونه ای که کسی نمی تواند بگوید کاش فلان چیز هم در قرآن بود. (1)

از سوی دیگر، اصولیون، عقل را منبعی مستقل در فهم متون دینی می دانستند و اگر در شرع، حکم مسئله ای نبود، بیان حکم را به عقل وامی گذاشتند. (2) این نزاع تا مدت ها ادامه یافت، ولی سرانجام منطق اصولیون بر منطق اخباری ها چیره شد. هم اکنون در میان اهل سنت، شیوه اشاعره متداول است و نگاه شیعی تا حدودی به دیدگاه معتزله نزدیک است. اگر این اختلاف روش در مراجعه به متون دینی حل نشود، اختلاف های ناشی از آنها همچنان باقی خواهد ماند.

### 3. راه حل

#### الف) پذیرش مرجعیت واحد

سخنان بنیان گذار دین در زمان حیاتش و متونی که حاوی آن سخنان باشد، در دوران پس از مرگ بنیان گذار، برای پیروان یک دین، مقدس و بی چون و چرا محسوب می شود و معارف و اصول اعتقادی خود را از آن می گیرند. در اسلام، همه مسلمانان در این اعتقاد مشترکند که پس از قرآن، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله محور همه اعتقادها و اعمال مسلمانان است. تا وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله زنده بود، اگر اختلافی پیدا می شد، سخن پیامبر اختلاف را فیصله می داد. آیا پس از پیامبر نیز کسانی هستند که از نظر اعتبار، سخنشان همانند سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله فیصله بخش باشد؟

---

1- . محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج 1، ص 59.
2- . در مباحث این بخش، از جزوه های کلاسی استاد مصطفی ملکیان بهره فراوان برده شده است.

پاسخ عموم اهل سنت به این پرسش، منفی است. آنان برای هیچ کس پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین جایگاهی قائل نیستند. شیعه معتقد است بعد از پیامبر، کسانی هستند که به دلیل ویژگی های خاص روحی، معنوی و علمی، به فهم کلام خدا و سخن پیامبر بیش از دیگران آگاهی دارند و مردم موظفند معارف خود را از آنها دریافت کنند و آنان اهل بیت پیامبر هستند. (1)

شیعه معتقد است پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و به فرمان او، مردم موظف بودند در سه قلمرو سیاسی، علمی و معنوی، مرجعیت و ریاست ائمه اهل بیت را بپذیرند. در دوران کنونی، برخی از بزرگان شیعه بر این مسئله تأکید می کنند که هرچند بعد از رحلت پیامبر، بسیاری از مسلمانان از پذیرش مرجعیت آنان در امور سیاسی و حکومتی شانه تهی کردند، ولی امروزه به دلیل حاضر نبودن ائمه، بحث بر سر مرجعیت سیاسی، خود به خود، منتفی است و مسلمانان باید بر اساس قبول مرجعیت علمی و معنوی اهل بیت با یکدیگر متحد شوند.

آیت الله بروجردی از حامیان این نظریه اظهار می داشت:

ما مسلمانان و اهل سنت در دو اصل درباره اهل بیت اختلاف داریم. یکی، خلافت علی و فرزندانش بعد از پیامبر و دیگری، مرجعیت علمی اهل بیت. در حال حاضر، مسئله نخست مورد نیاز مسلمانان نیست؛ چون خلافتی وجود ندارد که بر سرآن دعوا کنیم. خلافت، مسئله ای تاریخی و مربوط به گذشته است. آنچه امروز مورد نیاز است، آن است که مسلمانان از چه مأخذی احکام را بگیرند. (2)

---

1- . البته شیعه و سنّی بر مرجعیت و حجیت سیره و سخن پیامبر پس از رحلت نیز اتفاق دارند، ولی به دلیل اختلاف در شیوه و طریقه دریافت و فهم سنت دچار تفرقه هستند.
2- . نقل از: آیت الله واعظ زاده خراسانی، www.taghrib.ir

تلاش های وحدت محور آیت الله بروجردی و همکاران او گرچه به صدور فتوای شیخ الازهر مبنی بر رسمیت داشتن مذهب اهل بیت به عنوان یکی از مذاهب اسلامی انجامید، ولی هرگز عمق و گسترش کافی نیافت و در محافل بیرون از الازهر با استقبال چندانی روبه رو نشد و این اختلاف ها همچنان باقی ماند. همچنین پیشنهاد علامه اقبال برای وحدت رهبری در کشورهای اسلامی (1) حاصلی به بار نیاورد. البته اساسی ترین راه حل این گونه اختلاف ها همان پذیرش محوریت واحد از سوی مسلمانان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز وقتی وارد مدینه شد، برای پایان دادن به درگیری های داخل مدینه، خود را مرجع واحد و داور نهایی قرار داد و بر مراجعه به رهبری واحد تأکید فرمود. حضرت زهرا علیها السلام نیز با اشاره به ضرورت پذیرش امامت اهل بیت به عنوان محور وحدت فرمود: «امامت ما برای حفظ نظام جامعه و جلوگیری از تفرقه مسلمانان قرار داده شده است». (2)

همین امر یعنی ضرورت وجود و پذیرش محور واحد از سوی مسلمانان به منظور جلوگیری از اختلاف را امام صادق علیه السلام نیز تأیید کرده است. آورده اند که یکی از اهالی شام (3) با هشام که از یاران امام صادق علیه السلام بود، در حضور ایشان وارد بحث شد. در این میان، هشام از مرد شامی پرسید: آیا خداوند کسی را فرستاد تا مردم را به واجبات الهی آگاه کند؟ شامی گفت: بله، رسول خدا. هشام پرسید: پس از رسول خدا چه؟ شامی

---

1- . www.taghrib.ir.
2- . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 29، ص 223.
3- . اهالی شام به دلیل تسلط طولانی بنی امیه بر آنجا از معارف اهل بیت آگاهی نداشتند و با آنان و پیروانشان دشمنی می کردند.

گفت: کتاب و سنت. هشام پرسید: آیا کتاب و سنت امروزه برای رفع اختلاف میان ما (مسلمانان) سودمند است؟ شامی پاسخ داد: بله. هشام گفت: اگر چنین است، چطور تو از شام آمده ای و با ما اختلاف داری؟ مرد شامی از پاسخ فرو ماند. امام صادق علیه السلام خطاب به او فرمود: چرا ادامه نمی دهی؟ شامی گفت: اگر بگویم اختلاف نداریم که داریم. اگر بگویم کتاب و سنت رفع اختلاف می کند، حرف باطلی زده ام؛ چون این دو ذو وجوه هستند (و هر کس آن را به نفع خود تفسیر می کند.) اگر بگویم هر دو درست می گوییم، دیگر کتاب و سنت به دردمان نمی خورد. بعد هشام برای آن مرد توضیح داد که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، ائمه و امروز امام صادق علیه السلام می توانند محور وحدت و رفع اختلاف ها باشند و باید به آنها مراجعه کرد. (1)

### ب) دعوت به عقل محوری در فهم کتاب و سنت

پذیرش رهبر فکری واحد از سوی مسلمانان امری دشوار است. در نتیجه، نمی توان انتظار داشت این گونه اختلاف ها به طور کامل حل شود. یکی از راه های هموارسازی این مشکل ها آن است که شیعه، اندیشه عقل گرایانه و اجتهادمحور خود را به برخی از جوامع اهل سنت که گرایش های کمتری به حدیث گرایی دارند _ مانند مصری ها _ عرضه کند و در مقابل سلفی های افراطی، یاورانی برای عقل گرایی دینی بیابد. بدین گونه اختلاف های شیعه و سنی کمتر می شود، افراطی های هر دو سو منزوی خواهند شد و در تکفیر و فتوای قتل، طرف داران زیادی نخواهند یافت. بنابراین، از یک سو، مسئولان سیاسی کشور باید موانع قانونی این

---

1- . کافی، ج 1، ص173.

تماس ها را رفع کنند و از سوی دیگر، عالمان دینی باید با فراهم کردن زمینه های فکری و تدوین و آموزش معیارهای عقل پسند برای فهم کتاب و سنت، به ویژه قشر جوان و تحصیل کرده را در کشورهای اسلامی به یکدیگر نزدیک سازند.

### ج) ایجاد تحول در نوع نگاه

یکی از عوامل اختلاف در فهم کتاب و سنت آن است که پیروان هر مذهب این پیش فرض را با قاطعیت پذیرفته اند که آنچه من معتقدم، کاملاً بر اساس کتاب و سنت است و آنچه دیگران می گویند، ارتباطی با کتاب و سنت ندارد. وقتی کسی با این پیشینه ذهنی سراغ قرآن و سنت نبوی برود، در مراجعه به این دو منبع، نه به دنبال یافتن حقیقت سخن شارع، بلکه در پی آن است که چیزی در تأیید باورهای خود و تکذیب اعتقادهای مخالفان بیابد و به گمان خود نیز می یابد. این ذهنیت، آنان را به تفسیر و فهم خاصی از این متون سوق می دهد که دیگران آن را نمی پذیرند. دست اندرکاران مهندسی فرهنگ جوامع اسلامی باید تدبیری بیندیشند که مسلمانان ضرورت دست یابی به مقصود واقعی سخن خدا و رسول را جای گزین این دیدگاه کوچک و قالبی خود کنند.

### د) تشکیل نهادهای علمی برای گفت وگو

#### اشاره

استاد مطهری در یکی از نوشته هایش با بیان اینکه مسلمانان به دلیل داشتن اشتراک هایی مانند اعتقاد به خدای یکتا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قرآن، قبله، نماز، روزه و حج می توانند با یکدیگر متحد باشند، علت وجود تفرقه میان آنان را سوءتفاهم ها، توهم ها و تصورهای اشتباه ناشی از آگاهی نداشتن مسلمانان از یکدیگر می داند. سپس پیشنهاد می کند برای

رفع این مشکل، گروهی عالم و دل سوز سوءتفاهم های متقابل میان شیعه و اهل سنت را بررسی کنند و راهکارهای عملی کاستن و برون رفتن از آنها را بیابند. (1) شهید آیت الله حکیم نیز در کنفرانس بین المللی وحدت، ایجاد فضایی آزاد برای طرح و بررسی اتهام های فرقه های اسلامی علیه یکدیگر را درخواست کرد. (2)

این امر آنگاه محقق خواهد شد که گروهی عالم از مذاهب مختلف، به دور از تعصب های مذهبی و مصلحت سنجی های سیاسی، (3) در مراکزی که به همین منظور تشکیل می شود، گرد هم آیند، اختلاف ها و سوءتفاهم های میان مذاهب را بیابند و راهکارهای کاهش آنها را نشان دهند. این گونه مراکز علمی و پژوهشی به چند شیوه می توانند به ایجاد وحدت میان مسلمانان کمک کنند:

یک _ جمع آوری باورها، مراسم و احادیث مشترک همه مذاهب و انتشار آن به زبان های مختلف

برخی از عالمان دین، با همین اندیشه کوشش هایی کرده اند. از جمله آیت الله سید محمدتقی حکیم _ فرستاده ویژه آیت الله بروجردی به مصر _ برای ایجاد وحدت، اصول مقارن را پیشنهاد می کرد. (4) او معتقد بود ریشه اختلاف های فقهی که سبب جدایی مسلمانان از یکدیگر شده، اختلاف

---

1- . مرتضی مطهری، یادداشت های استاد، ج 2، صص 205 و 206.
2- . www.taghrib.ir.
3- . یکی از مشکلات مراکز تقریب و وحدت در همه کشورهای اسلامی آن است که بیشتر شرکت کنندگان در این مباحث از علمای وابسته به حکومت ها هستند و کمتر از عالمان عادی مذاهب در آن مشارکت دارند.
4- . علامه محمدتقی حکیم در سال 1937 به مصر رفت و با شیوخ بزرگ آنجا از جمله شیخ محمد مصطفی المراغی شیخ الازهر و عبدالمجید سلیم مفتی بزرگ آنجا تبادل نظر کرد. او دو سال نیز در الازهر تدریس داشت و بدین گونه اندیشه تقریب را رواج داد.

در اصول فقه (1) است. ازاین رو، او نظریه اصول مقارن را مطرح کرد. (2) در همین اواخر مجمع تقریب مذاهب نیز در حال تدوین مجموعه روایی با موضوع احادیث مشترک میان شیعه و سنّی است. این پیشنهاد را پیش از این، آیت الله بروجردی و شیخ الازهر مطرح کرده بودند که اکنون در حال عملی شدن است. چه بسا این مجموعه روشن سازد که بخش قابل توجهی از روایت شیعه و سنّی الفاظ و مفاهیم مشترک دارند، هرچند راویان آنها متفاوت باشند. این مجمع همچنین تأسیس انجمن فتوای جهان اسلام را نیز در برنامه های خود قرار داده است. (3)

### دو_ تبیین دقیق و مستند موارد اختلاف میان مذاهب اسلامی بر اساس دیدگاه های هر مذهب

گاهی ترس از اینکه بیان اختلاف ممکن است مایه اختلاف بیشتر شود، سبب پنهان ماندن اختلاف ها و در نتیجه حل نشدن آنها شده است، ولی این ترس، بی مورد است و هنگام گفت وگوی علمی، باید اختلاف ها را بی پرده بیان کرد تا تلاش های وحدت محور، کاملاً جهت دار شوند. گفت وگو سبب روشن شدن نقاط مبهم است. آنچه دور به نظر می رسد، با گفت وگو نزدیک می شود و حتی ممکن است دو طرف به تفسیری مشترک برسند.

---

1- . مثلاً میان علمای شافعی، حنفی و امامیه اختلاف است، که اگر بعد از چند جمله پشت سر هم یک استثنا (الا) آمد، استثنا شامل همه جملات است یا تنها به آخرین جمله برمی گردد. قرآن می فرماید: و الذین یرمون المحسنات... کسانی که زنان پاک دامن را به فحشا متهم می کنند و چهار شاهد نمی آورند، هشتاد شلاق بزنید و هرگز شهادت آنها را قبول نکنید که فاسقند مگر آنکه توبه کنند. مگر استثنا اگر به کل عبارت بازگردد، شلاق ساقط می شود. اگر به جمله آخر بازگردد تنها از او رفع فسق می شود. اگر این اختلاف اصولی حل شود، اختلاف فتوا نیز حل خواهد شد.

2- . www.taghrib.ir.

3- . www.taghrib.ir.

سه _ نشان دادن تناقض های کوچک و غیرحساس موجود در یک مذهب

یکی از عوامل تعصب و جزمیت گرایی و در نتیجه، دور شدن مذهبی از مذاهب دیگر، ناآگاهی پیروان یک مذهب از برخی کاستی های موجود در باورهای مذهب خودشان است. برای مثال، برخی نقل های تاریخی ممکن است نادرست باشد یا برخی برداشت های فقهی درست نباشد. وقتی کاستی های یک مذهب، عالمانه و با بی طرفی نشان داده شود، پیروان را متقاعد می کند که به سخن دیگران نیز توجه کنند و بدین گونه زمینه تفاهم و وحدت بیشتر فراهم می شود. البته این شیوه ممکن است در کوتاه مدت با مقاومت و مخالفت هایی روبه رو شود، ولی در طولانی مدت، فضای آرام تری را میان مذاهب به وجود خواهد آورد و زمینه را برای طرح اختلاف های ریشه ای تر فراهم می سازد.

چهار_ ایجاد وحدت رویه برای وحدت

اختلاف و جدایی از ویژگی هایی است که به تعبیر مرحوم کاشف الغطا، در درون مسلمانان ریشه دوانده است. (1) سست کردن این ریشه، نیازمند عملیاتی هماهنگ و مستمر است. اگر در جامعه ای، گروهی برای وحدت تلاش کنند و گروهی دیگر با سخنان و اعمال خود آتش تفرقه را شعله ور سازند، تلاش گروه نخست خنثا خواهد شد و نمی توان انتظار داشت دیگران به دعوت وحدت خواه آن جامعه توجه کنند. بنابراین، مراکز علمی و پژوهشی _ به دلیل اعتمادی که مردم به آنان دارند _ می توانند با به دست گرفتن مدیریت فکری و فرهنگی تلاش های وحدت محور، صداهای وحدت سوز را کم فروغ کنند. از سوی دیگر، بحث و گفت وگو درباره اختلاف های فکری و اعتقادی مسلمانان را از میان

---

1- . www.taghrib.ir

مردم عادی و افراد ناآگاه که حاصلی جز نزاع بیشتر ندارد، به میان عالمان و دانشمندان مذاهب بکشانند و دخالت احساس را در این مباحث به پایین ترین اندازه برسانند.

شاید به همین دلیل بود که پیشوایان شیعه برخی پیروانشان را از مجادله و بحث با عوام اهل سنت منع می کردند. امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی نزد پدرم آمد وگفت: من اهل بحث و مشاجره ام. اگر کسی به مذهب تشیع تمایلی نشان دهد، با او بحث می کنم. فرمود: با کسی تخاصم مکن. اگر خدا بخواهد، دل ها را متمایل می کند». (1)

محمد بن حلبی نیز می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: فردی وضو می گیرد، بعد ناخن یا مویش را کوتاه می کند. لازم است دوباره وضو بگیرد؟ فرمود: نه، دست یا سرش را با آب تمیز بشوید. عرض کردم: اهل سنت معتقدند باید دوباره وضو بگیرد. فرمود: اگر آنها با شما مخاصمه کردند، شما مخاصمه نکنید و بگویید سنت این طور است. (2) گاهی برخی از دوستان و شیعیان ائمه اهل بیت علیهم السلام، به دلیل شدت علاقه، این منع را نادیده می گرفتند که با برخورد تنبیهی آن بزرگواران روبه رو می شدند.

عبدالله بن سنان می گوید: می خواستم نزد امام صادق علیه السلام بروم. مؤمن الطاق (3) گفت: از امام اجازه ورود مرا نیز بگیر. وقتی نزد حضرت رفتم، موضوع را مطرح کردم. فرمود: اجازه نمی دهم. گفتم: آقا او از دوستان شماست. به نفع شما با دیگران بحث می کند و در بحث هم

---

1- . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 245.
2- . کافی، ج 3، ص 37.
3- . ابوجعفر احول محمد بن النعمان معروف به مؤمن الطاق (طاق یکی از قلعه های طبرستان بوده و او به آنجا منسوب است) از موالی کوفه بود و در همین شهر مغازه صرافی داشت. او از اصحاب امام صادق علیه السلام و از علما و متکلمین برجسته شیعه در اواسط قرن دوم به شمار می رود. مؤمن الطاق با ابوحنیفه و رؤسای معتزله و خوارج مناظرات بسیاری داشته است. (فرهنگ دهخدا، ذیل مؤمن الطاق)

هیچ کس رقیب او نیست. فرمود: این طور نیست، بلکه یک بچه دبستانی می تواند محکومش کند. عرض کردم: او در بحث خیلی قوی است. با همه صاحبان ادیان بحث می کند و از عهده همه برمی آید. چطور ممکن است یک بچه دبستانی محکومش کند؟ فرمود: آن بچه از او می پرسد آیا تو با اجازه امامت با دیگران بحث و جدال می کنی؟ چون نمی تواند دروغ بگوید، می گوید: نه. و آن بچه می گوید در این صورت، امام خود را نافرمانی کرده ای. بدین گونه محکومش می کند. ای ابن سنان، برای همین است که اجازه ورود به او نمی دهم و سپس فرمود: «فاِنّ الکلامَ و الخصوماتِ تُفسِدُ النیّهَ و تمحق الدین؛ بحث و کشمکش، نیت را فاسد و دین را نابود می کند». (1)

بنابراین، بحث با مخالفان اعتقادی شرایط خاص خود را می طلبد و آنجا که این گونه بحث ها سبب تیز شدن نیزه نزاع مذاهب می شود، باید از بحث دوری گزید.

فراهم کردن تسهیلات لازم جهت تماس شهروندان کشورهای مسلمان با یکدیگر از طریق رسانه ها و صنعت گردشگری نیز از راه های آگاه کردن مسلمانان از یکدیگر است.

### پنج _ تربیت کارشناس ویژه

یادآوری این نکته ضروری است که اختلاف ها و مشکل های فکری و اعتقادی مذاهب اسلامی، گاهی درونی و گاهی بیرونی است. گاهی میان پیروان یک مذهب اختلاف نظر و عقیده وجود دارد که کارشناسان آن مذهب باید آنها را شناسایی و حل کنند. گاهی اختلاف یک مذهب اسلامی با مذهب یا مذاهب دیگر است که شناسایی و حل این

---

1- . شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 16، ص 203.

اختلاف ها، کارشناس خاص خود را می طلبد، نه کارشناس رفع اختلاف درون مذهبی؛ زیرا کارشناسان درون مذهبی، بیشتر به مبانی مذهب خود اشراف دارند، ولی تصویری کامل از مبانی فکری مذاهب دیگر ندارند و به همین دلیل، داوری های مطلوبی ارائه نمی دهند. ازاین رو، لازم است در کشورهای اسلامی، رشته ای دانشگاهی با عنوان «مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی» تأسیس شود و کارشناسان خاص گفت وگو میان مذاهب را تربیت کنند. آیت الله شهید صدر می کوشید در آثارش مسئله تقریب را تخصصی کند. ایشان کتاب فلسفتنا و اقتصادنا، البنک الربوی فی الاسلام و برخی دیگر از کتاب هایش را با همین رویکرد نوشته است.

ص:43

## فصل سوم: ریشه ها و پی آمدهای اختلاف در سطح ارباب سیاست

### اشاره

اختلاف مسلمانان گاهی به دلیل عملکرد دولت های استعماری و بیگانه است که به منظور کسب و حفظ منافع، در میان مسلمانان اختلاف می افکنند یا به اختلاف ها دامن می زنند. گاهی نیز رفتار دولت مردان کشورهای مسلمانان، دانسته یا ندانسته، موجب اختلاف و جدایی مسلمانان می شود.

### 1. بیان اختلاف

بر اساس داده های تاریخی در جهان اسلام _ جز در موارد خاص _ بیشتر، کسانی زمام امور سیاسی را در دست داشته اند که به اسلام پای بندی و اعتقاد جدّی نداشتند و فقط برای حفظ منافع خود، ظاهرسازی می کردند. در میان آنان نیز کسانی که قدری زیرک تر و آینده نگرتر بودند، می کوشیدند با ترسیم برنامه های فکری و فرهنگی و با به کارگیری حیثیت دینی افراد مقدّس، در دل مردم جایی باز کنند. این برنامه ها گاهی به گونه ای تدوین و اجرا می شد که گروه زیادی از مردم،

صادقانه، ولی ناآگاهانه، آنان را در مقام حاکمان اسلامی می پذیرفتند و مطالب القا شده آنان را حکم دین می پنداشتند. از سوی دیگر، آگاهان و مدافعان حقیقی دین که شاهد عوام فریبی این حاکمان و در نتیجه، گمراهی مردم بودند، بر اساس مسئولیت الهی خود لب به اعتراض می گشودند. بدین گونه، مزدوران حکومت ها و فریب خوردگان آنان از یک طرف و دل سوزان دین و جامعه از سوی دیگر روبه روی هم قرار می گرفتند و جامعه دچار اختلاف می شد.

تقابل حاکمان بنی امیه و خاندان پیامبر در نبرد صفین و کربلا، از نمونه های تاریخی این روند است. بنی امیه با فریب کاری، بسیاری از مردم را متقاعد کرده بود که آنان نماینده واقعی اسلام هستند و مردم را بدین عنوان که مخالفان بنی امیه، گروهی شورشی و ضد دین هستند، به جنگ آنان می فرستادند. توسل چنین حاکمانی به زور، پیروزی ظاهری و کوتاه مدتی را نصیب آنان گرداند، ولی اعتراض های نهفته، همچون آتش زیر خاکستر، زمانی دیگر شعله ور شد.

وجود حاکمان ناشایست در جوامع اسلامی، به گونه های دیگری نیز سبب اختلاف در میان مسلمانان می شود. برای نمونه، در پی آن هستند که به صورت کنترل شده ای، پیروان مذاهب اسلامی را با یکدیگر درگیر کنند تا مردم متوجه کاستی ها و فساد دستگاه حکومتی آنان نشوند. سرانجام، پس از مدتی که با تلاش عالمان آگاه و روشن ضمیر جامعه، ماهیت واقعی چنین حاکمانی برای بیشتر مردم آشکار شد، آنان پایگاه و مشروعیت مردمی خود را از دست می دهند و برای بقای خود مجبور می شوند به بیگانگان تکیه و اعتماد کنند.

بدون شک، وحدت جامعه اسلامی، مخل منافع بیگانگان است و آنان به کمک این حاکمان وابسته و نامشروع، ریشه های وحدت مسلمانان را هدف قرار می دهند. برای نمونه، کشورهای اسلامی تا چند سال پیش بر سر نامشروع بودن کشوری به نام اسرائیل توافق داشتند، ولی برخی حاکمان مسلمانان برای جلب حمایت بیگانگان، ابتدا مخفیانه و اکنون آشکارا با اسرائیل وارد مذاکره شده و کوشیده اند وحدت کلمه مسلمانان را در مخالفت با غاصبان سرزمین های اسلامی بشکنند. البته این گمان که بیگانگان، حامیان خوب و قابل اعتمادی برای آنان هستند، گمانی باطل است؛ چون اگر روزی منافعشان اقتضا کند، مزدوران دیروز، قربانیان امروز بیگانگان خواهند بود.

در تاریخ صدر اسلام آورده اند که عباده بن صامت همراه با عبدالله بن ابی ّ_ سرکرده منافقان مدینه _ نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودند و بر سر چگونگی رابطه با یهود، با یکدیگر بحث و منازعه می کردند. عباده می گفت: من دوستان مهمی از میان یهودیان داشتم، ولی همه را به دلیل دوستی با رسول خدا صلی الله علیه و آله رها کردم. عبدلله بن ابی می گفت: وضع همیشه به یک منوال نیست. روزگار هر روز به گونه ای می چرخد. من نمی توانم پشتیبانی یهود را از خود قطع کنم. به دنبال این گفت وگو، آیه بر پیامبر نازل شد که یهود و نصارا دوستان شما نیستند و به آنها اعتماد نکنید. (1)

## 2. ریشه های اختلاف

### اشاره

بررسی اینکه چرا بسیاری از جوامع اسلامی در گذشته و حال گرفتار حاکمان ستمگر یا وابسته به بیگانگان بوده و از این رهگذر گرفتار

---

1- . تفسیر منهج الصادقین، ج 3، ص 245، ذیل آیه 51 سوره مائده.

اختلاف شده اند، بحثی مفصل و مستقل می طلبد. در این مجال، به اختصار به دو مورد اشاره می شود:

### الف) عوامل اعتقادی و دینی

در دوران حکومت عثمان بن عفان، بنی امیه صاحب قدرت مهمی در دستگاه حکومتی شده بودند. بیشتر بنی امیه، مسلمان بودن را اعتقاد نمی شمردند، بلکه به عنوان ابزاری برای حفظ قدرت به کار می بردند و برای کاهش حساسیت مردم مسلمان در برابر تخلفات اخلاقی و دینی و مالی که مرتکب می شدند، اعمال خود را در پشت دین پنهان می کردند. برای مثال، بخشش های ناروای مالی به کسان خود را صله رحم معرفی می کردند یا به مردم القا می کردند که آنان با مشیت خداوند به قدرت رسیده اند و مخالفت با قدرت آنها، اعتراض به مشیت الهی است. ابن اثیر می نویسد:

محاصره کنندگان عثمان به او گفتند: تو ضعیف شده ای و اداره امور مملکت را در اختیار نداری. دست از خلافت بدار آن گونه که خداوند نیز تو را از خلافت بازداشته است. او پاسخ داد: آن لباسی را که (لباس خلافت) خداوند بر من پوشانده است، از خود دور نمی کنم. محاصره کنندگان، عثمان را تهدید کردند، که اگر استعفا ندهی، تو را کنار می زنیم یا می کشیم یا همه ما کشته می شویم. او در پاسخ گفت: اگر قرار باشد از خلافتی که خداوند آن را به من داده است، کنار بروم، کشته شدن را دوست تر دارم. (1)

این روند در سال های بعد با توجیه های دینی، شتابی افزون تر گرفت و با کمک واعظان و مبلّغان درباری در ذهن و ضمیر مردم

---

1- . عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکرم الشیبانی ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 288.

این گونه جای گرفت که حاکم همان اولی الامری است که در قرآن به اطاعت از او فرمان داده شده و هرگونه اقدام علیه او مخالفت با دستور قرآن است. جاعلان حدیث نیز به کمک این اندیشه آمدند و از پیامبر اسلام نقل کردند که فرمود:

پس از من، پیشوایانی باشند که به هدایت من راه نجویند و راه و روش مرا آیین خود نسازند، به زودی مردانی به پا خیزند که دل هاشان دل های شیطان ها باشد که در قالب انسانند. راوی گوید عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، اگر من این وضع را دیدم، چه کار کنم؟ فرمود: مطیع و منقاد آن حاکم باش. اگر پشتت را کوبید و مالت را گرفت، باز گوش به فرمان او باش و اطاعتش کن. (1)

بر اساس این گونه داده های روایی، بسیاری از علمای اهل سنت به منع قیام علیه حاکم سیاسی _ هرچند ستمگر باشد _ فتوا داده اند. از آن جمله احمد بن حنبل می نویسد:

حرف شنوی از پیشوایان و امیران مسلمان، نیکوکار یا فاجر، لازم است و همچنین از کسی که مردم به حکومت او رضا داده اند و همچنین کسی که با زور شمشیر به حکومت رسیده باشد و او را امیر مؤمنان بخوانند. مطلب و مقصود درباره حاکمان و امیران، چه صالح و چه فاجر، تا قیامت چنین امضا شده است... پیشوا، چه صالح و چه فاجر، نماز جمعه را به اقتدای او یا اقتدای کسی که منصوب اوست، اقامه کردن جایز است و اگر کسی اعاده کند، بدعت گذار و مخالف سنت است. (2)

---

1- . صحیح مسلم، ج 3، ص 14760.
2- . ابوزهره، تاریخ المذاهب الاسلامیه، ج 2، ص322؛ جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج 1، صص173 و 181.

با چنین اندیشه ای است که برخی ازعلمای اهل سنت (البته نه همه آنها)، قیام امام حسین علیه السلام علیه حکومت یزید را به عنوان کاری خلاف دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله محکوم می کنند. قاضی ابوبکر محمد بن عبدلله بن عربی اشبیلی معروف به ابن عربی می نویسد:

... با او( حسین بن علی) نجنگیدند، مگر به سبب حدیثی که از جدّش شنیده بودند که همگان را از فتنه بر حذر می داشت. پیامبر فرمود: به زودی فتنه ای برپا خواهد شد و هرکس بخواهد در میان امت متحد تفرقه اندازد، با شمشیر،گردنش را بزنید. هرکس که باشد، فرقی نمی کند و مردم با او (حسین بن علی) نشوریدند، مگر [به استناد] همین حدیث و امثال آن. (1)

روشن است در بستر چنین اعتقادی، حاکمان ستمگر و دیکتاتور چقدر زمینه پرورش می یابند.

### ب) خلأ های اقتصادی و فرهنگی

برخی شهروندان جوامع اسلامی مجبورند بیشترین وقت و توان خود را صرف تأمین معیشت روزانه کنند. این امر از یک سو، فرصتی را برای نگاه عمیق به عملکرد و نقادی حاکمان سیاسی فراهم نمی آورد. در نتیجه، دست حاکمان را برای دیکتاتوری باز می گذارد. از سوی دیگر، دیکتاتورها زمینه رفع فقر فرهنگی افراد جامعه را فراهم نمی کنند و به مردم اجازه نمی دهند سطح فرهنگی خود را ارتقا دهند و با منابع اصیل دینی و حقوق متقابل حاکم و مردم آشنا شوند. اگر مسلمانان خلأهای اقتصادی و فرهنگی خود را پر کنند و به وضع موجود و مطلوب خود آگاهی یابند، شانس

---

1- . قاضی ابوبکر ابن عربی، العواصم من القواصم، ص173.

دیکتاتورها برای ادامه حیات کمتر خواهد شد. در نتیجه، پی آمدهای تفرقه آفرین وجود آنها نیز کاهش خواهد یافت.

### 3. راه حل

#### الف) آگاهی بخشی به مسلمانان

با توجه به وضعیت سیاسی در بیشتر کشورهای اسلامی، اگر انتظار داشته باشیم حاکمان این کشورها تکیه گاه خود را نه بیگانگان، بلکه مردم بدانند، احتمالاً انتظاری بی حاصل است. شاید فقط بتوان با آگاهی بخشیدن به مردم، کار را بر چنین حاکمانی سخت تر کرد و میدان عمل آنان را تا حدودی تنگ تر ساخت؛ چون اینان بر مرکب جهالت مردم سوار می شوند. به همین دلیل، سید جمال الدین اسدآبادی یکی از جهت گیری های مبارزاتی خود را روشن کردن اذهان مردم درباره نقش تفرقه افکن حاکمان سیاسی در جوامع اسلامی قرار داده بود. او می گفت:

اگر وجود امرای گمراه _ که بر سلطه گری آزمندند _ نبود، مسلمانان شرقی با غربی و شمالی با جنوبی متحد می شدند و همه یک سره ندای واحدی سر می دادند. (1)

علامه سید شرف الدین نیز معتقد بود:

همان طور که سیاست های مخرّب، شیعه و سنّی را از یکدیگر جدا کرد، سیاست های درست باید آنها را پیوند دهد. (2)

---

1- . مجله تقریب نت، بهمن 1383، ش 5.
2- . «فرقتهما السیاسه فلنجمعهما السیاسیه». مقدمه النص و الاجتهاد، ص 14، به نقل از: محمدرضا حکیمی، شرف الدین، ص 200.

علامه سید مرتضی عسکری نیز با یادآوری اینکه بخش مهمی از اختلاف های مسلمانان، نه از دین، بلکه ساخته اهداف سیاسی است، اظهار می دارد:

امام صادق علیه السلام شخصاً با ابوحنیفه می نشست و در عقاید و احکام با وی مناظره می کرد. این کار تا زمان شیخ مفید در بغداد معمول بود. شیخ طوسی، استاد کرسی تدریس در دارالخلافه بود، ولی سلاجقه که به بغداد رفتند، کرسی شیخ را سوزاندند و میان ما جدایی افکندند. سپس اختلاف هایی میان صفویه و خلافت عثمانی پدید آمد و این اختلاف ها در واقع، از سیاست ناشی می شد، نه از دین. (1)

سید شرف الدین نیز در مبارزه هایش به نقش تفرقه افکنانه قدرت های سیاسی توجه کامل داشت و وحدت سیاسی جوامع اسلامی را راه مقابله با تفرقه می دانست. (2) بدین گونه بر عالمان دین و دست اندرکاران امور فرهنگی است که مسلمانان را متوجه این واقعیت کنند که برخی از اختلاف های مذهبی میان آنان، منشأ دینی و اعتقادی ندارد، بلکه در سیاست ها و عملکردهای حاکمان سیاسی ریشه دارد و ایجاد وحدت میان آنان بسی آسان تر خواهد بود.

### ب) جلوگیری از دخالت اهل قدرت در نزاع های علمی

یکی دیگر از اقدام هایی که سبب کاهش اختلاف های ناشی از سیاست های حاکمان ستمگر در میان مسلمانان می شود، جلوگیری از دخالت آنان در نزاع های علمی _ مذهبی است. اساس در

---

1- . علامه عسکری، اندیشه وحدت اسلامی در عصر حاضر، ترجمه: امیری شاد مهری، www.taghrib.ir
2- . غلام رضا جلالی، «جایگاه سید شرف الدین در تقریب مذاهب اسلامی»، مجله حوزه، 121.

نزاع های علمی و مذهبی آن است که هر کدام از طرفین، طرف مقابل را گمراه می داند و او را در مخالفتش با خود، مانع به کرسی نشستن حقیقت می شمارد. چون اهل علم حقیقت جو هستند، با روشن شدن حق، نزاع را رها می کنند و سخن حق طرف مقابل را می پذیرند و در این تسلیم شدن، احساس شکست نمی کنند. اصولاً در نزاع های علمی، شکست قابل تصور هم نیست؛ چون یک طرف بر ادعای حق خود ایستاده و موفق شده است صحت آن را نشان دهد و طرف دیگر متوجه حقیقتی جدید شده و از خطایی که در آن بود، رهایی یافته است. البته این شکست نیست، بلکه پیروزی است. به همین دلیل، اهل علم در نزاع های علمی، از موازین اخلاقی، کمتر عدول می کنند.

در نزاع میان اهل قدرت، آنچه مهم است، نه کشف حق، بلکه در هم شکستن رقیب است؛ چون هر طرف، دیگری را مانع رسیدن خود به قدرت می داند که باید به هر شکل ممکن حذف شود. طرفین درگیر به خود اجازه می دهند با زیر پا نهادن موازین اخلاقی، وارد کردن تهمت و خدشه دار کردن آبروی رقیب، او را از میدان بیرون کنند و حتی در صورت لزوم، با تحریف و وارونه کردن معارف دینی، رقیب خویش را بیرون از دین و کافر معرفی کنند.

در این میان، یکی از خطرهای جدّی در نزاع میان عالمان دینی، ورود اهل قدرت در آن و حمایت از یک گروه در برابر گروه دیگر است. بدیهی است آنان از گروهی حمایت می کنند که بعدها بتوانند از اعتبار دینی آنها به نفع قدرت خود بهره ببرند. وقتی دو تن یا دو

گروه از عالمان دینی، در مسئله ای با یکدیگر اختلاف داشته باشند، حامیانی در میان مردم نیز خواهند داشت. مردم وقتی ببینند دیدگاه مورد قبول آنها که آن را دین و مذهب صحیح می شمارند، از حمایت صاحب قدرتی نیز برخوردار است، او را حامی دین و حقیقت می پندارند و بر بقای حکومتش می کوشند. از سوی دیگر، این حاکمان، عالمان دینی را مدیون و وابسته به قدرت می سازند و استقلال و توان اعتراض را از آنان سلب می کنند.

وظیفه اهل علم آن است که از دخالت دادن ارباب قدرت در نزاع های علمی به شدت بپرهیزند؛ زیرا حمایت ارباب قدرت گرچه ممکن است در کوتاه مدت سبب پیروزی و رواج اندیشه یک گروه گردد، ولی با جای گزین شدن قدرت به جای اندیشه و استدلال، عالمان دینی، خود را از تحقیق و تعمیق علمی بی نیاز می بینند و آن گروه از درون، تهی و سست می شود. از سوی دیگر، این احتمال پدید می آید که گروه سرکوب شده به فعالیت های مخفی و حتی خشونت آمیز روی آورد و اختلاف های علمی که با قدری صبوری و تلاش قابل حل بود، به اختلافی سرشار از احساسات عوامانه، تبدیل شود و به کینه و دشمنی میان مسلمانان بینجامد.

گاهی اختلاف اهل علم به امور مرتبط با نظام اجرایی کشور مربوط است و حاکم در مقام اجرا نمی تواند منتظر حل نزاع علمی عالمان باشد که ممکن است مدت زمان قابل توجهی نیز به طول بینجامد. در این صورت، حاکم یکی از نظرهای علمی را که برای اجرا مناسب تر می داند، برمی گزیند و اجرا می کند. در هر حال، نباید

ص:53

مزاحمتی برای تبادل نظر و بحث و گفت وگوی آزاد علمی ایجاد کند.

ص:54

## فصل چهارم: ریشه ها و پی آمدهای اختلاف در سطح شهروندان عادی

### اشاره

اختلاف های موجود میان مردم عادی جوامع، بیشتر به دلیل نبود آگاهی های دینی و تعصب های ناشی از آن است. این گروه ممکن است به راحتی به ابزار تحقق خواسته های دیگران تبدیل شوند.

### 1. بیان اختلاف

گاهی شناخت کامل از یک شخص یا پدیده، سبب دشمنی با آن می شود و گاهی ناآگاهی. انسان موجودی است که ذاتاً از جهالت نفرت دارد، ولی اگر قوای ذهنی او به شیوه مناسبی مدیریت نشود، نفرت و دشمنی از جهالت، جای خود را به دشمنی با شیء یا شخص مجهول می دهد و این بدان دلیل است که آدمی از ناحیه چیزهایی که نمی شناخته، آسیب دیده است. برای مثال، اگر در محیطی تاریک و ناشناخته قرار گرفته باشید و موجودی به سوی شما بیاید، از آن موجود می ترسید و بنا را بر دوری و دشمنی با آن می گذارید. درحالی که همان قدر که احتمال خطرناک بودن آن موجود می رود، احتمال بی خطر بودن یا حتی سودمند

بودن آن نیز برای شما وجود دارد. این ترس و وحشت به دلیل وجود تاریکی و نادانی است.

فضای حاکم میان پیروان عادی مذاهب مختلف اسلامی، فضایی تاریک است و آنان یا از باورها و عقاید مذاهب دیگر آگاهی ندارند یا اطلاعات آنان در این زمینه، غیرواقعی و ناقص است. بسیاری از مسلمانان بدون توجه به باورها و عقاید گاهی متفاوت و متضاد فرقه های مختلف در هر مذهب، در یک تعمیم ناروا و با خط کش کلیِ شیعه یا سنّی میان خود تمایز قائل می شوند که بسیار غلط انداز است. برای مثال، اگر به یکی از مردم عوام اهل سنت عربستان بگویند فلانی شیعه است، او میان شیعه اسماعیلی، زیدی، غلات و شیعه جعفری تفکیکی قائل نمی شود، درحالی که عقاید اینها یکسان نیست. چه بسا او فقط به دلیل تشابه اسمی، فرد یا گروهی را به باورهایی که بدان معتقد نیستند یا حتی مخالف آن باورها و عقاید هستند، منتسب و با آنها دشمنی کند.

ناآگاهی یا بدفهمی پیروان مذاهب از عقاید یکدیگر، از یک طرف هر روز فاصله میان آنان را عمیق تر می کند. این فاصله ها سبب آگاه نشدن آنان از یکدیگر است و روند دشمنی و نفرت بر روی این دایره بسته همچنان در گردش می ماند و شدیدتر می شود. از طرف دیگر، شناخت ناقص مسلمانان از یکدیگر، این توهم را برای پیروان مذهب به وجود می آورد که گوهر و حقیقت اسلام، یک سره فقط در دست خود آنان است و دیگران جز نام، بهره ای از اسلام ندارند. ازاین رو، گرداگرد عقاید خود، دیوار بلند تدافعی می کشند و حاضر نیستند سخن دیگران را

بشنوند و رفتار آنها را ببینند. بر اساس این توهم، میان خود و دیگران وجه مشترکی نمی یابند تا بر آن مبنا به وحدت بیندیشند.

به یقین، اگر پیروان هر گروه از عقاید، باورها و ادلّه مذهبی دیگران نیز آگاهی یابند، متوجه خواهند شد که حقایقی از دین نزد دیگران وجود دارد و یکی از عوامل مهم تفرقه از میان خواهد رفت. این خلأ اطلاعاتی، بستری مناسب برای شعله ور شدن اختلاف ها و نزاع های مذهبی است و بیگانگان با اندک تحریکی می توانند مسلمانان را به جان یکدیگر بیندازند و منافع نامشروع خود را به دست آورند.

### 2. ریشه های اختلاف

#### الف) اختلاف های دیپلماتیک کشورهای اسلامی

بسیاری از کشورهای اسلامی گاهی به دلیل اختلاف های مذهبی و گاهی به سبب نزاع های مرزی و بسیاری اوقات به دلیل نقشه های شوم استعمارگران، روابط دیپلماتیکی مناسبی با یکدیگر ندارند و این امر، آمد و شد شهروندان مسلمان را مشکل کرده است. پایین بودن میزان آمد و شد و ارتباط، سبب آگاهی اندک مسلمانان از اوضاع و افکار یکدیگر است.

#### ب) کوتاهی های برخی مبلّغان مسلمان

برخی مبلّغان مذاهب اسلامی به دلیل تعصب شدید، با ترساندن مردم از خطر گمراهی، آنان را از تماس با پیروان مذاهب دیگر منع می کنند. گاهی نیز به دلیل آنکه این مبلّغان دارای معلومات بسیار سطحی و تقلیدی هستند، از تماس مخاطبان خود با پیروان مذاهب دیگر که سبب

آشکار شدن کم سوادی آنها می شود، جلوگیری می کنند یا دست کم زمینه های آن را فراهم نمی آورند. برخی از این مبلّغان نیز در این زمینه از حاکمان سیاسی فرمان می برند.

### ج) فقر فرهنگی و مالی

فقر مالی مسلمانان نیز عامل دیگر ناآگاهی آنان از حال یکدیگر است. دغدغه نان روزانه، برای عموم مسلمانان فرصت پرداختن به تقویت آگاهی از زندگی دیگر مسلمانان و گردشگری در کشورهای دیگر باقی نمی گذارد. برخی نیز با وجود تمکن مالی، به دلیل فقر فرهنگی، به گردش در کشورهای اسلامی نمی پردازند.

## 3. راه حل

### اشاره

الف) اختلاف دیپلماتیک میان سران کشورهای اسلامی به عوامل گوناگونی بستگی دارد که به حل کوتاه مدت آن نمی توان چشم داشت. آنچه دست یافتنی تر است، آن است که حاکمان سیاسی کشورهای اسلامی تشویق شوند میان روابط دیپلماتیک و تبادل های اقتصادی و فرهنگی مردم کشورهایشان با کشورهای دیگر تفاوت قائل شوند. در این صورت، مردم دو کشور اسلامی با وجود تیرگی روابط سیاسی می توانند به امور تجاری، تبادل دانش و سفرهای زیارتی و سیاحتی بپردازند. بدیهی است این پدیده به بهبود روابط سیاسی نیز منجر خواهد شد.

ب) مبلّغان کم سواد یا متعصب که مانع آگاهی مخاطبانشان از احوال مسلمانان دیگر می شوند، در صورت خالی بودن میدان، یکه تازی می کنند. توزیع کتاب و مجله های دینی، به ویژه تقویت رسانه های فراگیر مانند

شبکه های اینترنتی و ماهواره ای که در این راستا فعالیت می کنند، فضای فعالیت چنین مبلّغانی را محدود می کند.

ج) حکومت ها می توانند با گسترش شبکه های ریلی برون مرزی و کمک به بخش خصوصی برای تقویت شبکه های جاده ای و امکانات رفاهی امر گردشگری را آسان تر کنند تا قشرهای متوسط جامعه نیز قادر به سفر باشند. تهیه فیلم های مستند و جذاب از زندگی مردم در کشورهای مختلف اسلامی و نمایش آنها در رسانه های جمعی و خانگی نیز می تواند تا حدودی این خلأ را جبران کند.

### دسته اول _ اختلاف های ناشی از اهانت به مقدسات

#### 1. بیان اختلاف

پیروان همه ادیان و مذاهب، مقدساتی را برای خود پذیرفته اند و با این مقدسات پیوند قلبی و عاطفی دارند، به گونه ای که هرگونه اهانت به آنها قلبشان را جریحه دار می کند. آنان ممکن است اهانت به خودشان را نادیده بگیرند، ولی اهانت به مقدساتشان را تحمل نمی کنند.

برخی مسلمانان در مقام دفاع از باورهای مذهبی خود، به مقدسات دیگر مذاهب اهانت می کنند و این امر، آتش اختلاف های مذهبی را شعله ور می سازد.

#### 2. ریشه های اختلاف

##### الف) ناتوانی در دفاع از مذهب

کسانی که توانایی دفاع منطقی و مستدل از عقاید و باورهای خود را داشته باشند، لزومی نمی بینند به دیگران یا مقدساتشان اهانت کنند.

اهانت به دیگران، بیشتر اوقات، نشانه خالی بودن دست اهانت کننده از دلیل استوار است.

### ب) مقابله به مثل

اهانت به مقدسات دیگران، حمله به احساسات آنهاست. این هجوم همانند هجوم های دیگر ممکن است مقابله به مثل در پی داشته باشد. در بیشتر این مقابله به مثل ها، به دلیل حضور پررنگ احساسات، مرزهای اخلاقی نادیده گرفته می شود و ممکن است افراد متخاصم، از جاده عقل و انصاف خارج شوند و چیزهایی بگویند که در حال عادی نمی گفتند. حتی ممکن است کار به خشونت بکشد. به همین دلیل، خداوند در قرآن کریم به مسلمانان توصیه می کند به بت های مشرکان که برای آنها مقدس است، اهانت نکنند؛ زیرا آنان نیز ممکن است از سر نادانی، به مقدسات مسلمانان اهانت کنند.

وَلاَتَسُبُّوا الَّذینَ یدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ فَیسُبُّوا اللّهَ عَدْوًا بِغَیرِ عِلْمٍ کَذلِکَ زَینَّا لِکُلِّ أُمَّهٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَی رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَینَبِّئُهُمْ بِمَا کَانُوا یعْمَلُونَ. (انعام: 108)

و آنهایی را که جز خدا می خوانند، دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم. آنگاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود و ایشان را از آنچه انجام می دادند، آگاه خواهد ساخت.

روایت شده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه با تنی چند از صحابه، برای مشاهده اسب به منطقه ای رفته بودند. در مسیر، گذرشان به قبر ابواحیحه افتاد. ابوبکر با مشاهده قبر وی گفت: خداوند صاحب این قبر را لعنت کند. به خدا قسم، راه خدا را می بست و رسول خدا صلی الله علیه و آله را تکذیب می کرد. فرزند ابواحیحه که در

آن جمع حضور داشت، در واکنش به این سخن گفت: خدا لعنت کند ابوقحافه را، به خدا سوگند نه از میهمانی پذیرایی کرد و نه با دشمنی جنگید. خدا لعنت کند هرکدام از این دو را که نسبت به قبیله اش سستی می کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آرام کردن فضا، به سرعت از آنجا حرکت کرد و فرمود مشرکان را به صورت عموم لعن کنید، ولی اسم نبرید که فرزندانشان ناراحت می شوند. (1)

بنا بر این روایت، رسول خدا صلی الله علیه و آله حتی لعن مشرکان را که سبب تفرقه و دشمنی میان مسلمانان می شد، جایز ندانست و برای جلوگیری از آثار منفی آن، محل را ترک و یارانش را از این کار منع فرمود.

### 3. راه حل

#### الف) بیان پی آمدهای منفی لعن برای جامعه اسلامی

آیا امروزه اهانت پیروان یک مذهب به مقدسات مذاهب دیگر، برای اهانت کننده سودی دارد؟ آیا سبب گرایش دیگران به آن مذهب می شود؟ روشن است که این اعمال نه تنها سودی ندارد، بلکه سبب گریز و نفرت دیگران نیز می شود. آن کس که خواهان رواج اندیشه و مکتب خویش است، حتی در سخت ترین شرایط مقابله با دشمن، نباید احساسات منفی وی را نسبت به خود تحریک کند؛ چراکه هدف اصلی مؤمنان آگاه و راستین در هر حال، حتی هنگام جنگ، هدایت دشمن است، نه نابودی او. دشمن با لعن و ناسزا هدایت نمی شود، بلکه در دشمنی و گمراهی، سرسخت تر نیز خواهد شد. در این حال، نه کشتن او و نه کشته شدن، با اهداف مبارزاتی مؤمنان سازگار نخواهد بود.

---

1- . الکافی، ج 8، ص 70.

نصر بن مزاحم نقل کرده است: در ماجرای صفین، دو تن از یاران امیر مؤمنان، علی علیه السلام _ حجر بن عدی و عمرو بن حمق _ با صدای بلند از اهل شام برائت می جستند. حضرت کسی را نزد آنان فرستاد که چنین مکنید. هر دو نزد امام آمدند و پرسیدند: آیا ما بر حق نیستیم؟ حضرت فرمود: هستیم. گفتند: آیا آنها باطل نیستند؟ فرمود: هستند. گفتند: پس چرا ما را از برائت جویی از آنها و ناسزاگویی بازداشتی؟ امام فرمود: دوست ندارم لعن کننده و فحش دهنده و بیزاری جوینده باشید، ولی اگر اعمال بد آنها را وصف کنید، برای مثال بگویید سیره شما این و این است و اعمال شما چنین و چنان، این بهتر است و حجت را بر آنها بیشتر تمام می کند. به جای این حرف ها بگویید که خداوند جلوی خون ریزی ما و شما را بگیرد و میان ما و شما اصلاح فرماید و شما را از گمراهی به هدایت آورد و... این را بیشتر دوست دارم و برای شما بهتر است. آنان گفتند: یا امیرالمؤمنین! نصیحت شما را پذیرفتیم و ادب شما را به کار می گیریم. (1) شبیه همین نقل در نهج البلاغه نیز آمده است. (2)

در کشف الغمه آمده است که گروهی از مردم عراق نزد امام زین العابدین علیه السلام آمدند و درباره ابوبکر و عمر و عثمان مطالبی گفتند. امام فرمود: آیا شما از مهاجران اولیه هستید که در قرآن درباره آنها آمده است: «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيارِهِمْ وَأَمَوَالِهِمْ يبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَاناً وَينصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ.» (حشر: 8) گفتند: نه. فرمود: آیا شما از کسانی هستید که خدا درباره آنها فرمود: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوْا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يحِبُّونَ مَنْ هاجَرَ إِلَيهِمْ وَلاَ يجِدُونَ فِى صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ

---

1- . نصر بن مزاحم، وقعه صفین، ص 103؛ بحارالانوار، ج 32، ص 399.
2- . نک: نهج البلاغه، خطبه 206.

كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ.» (حشر: 9) گفتند: نه. فرمود: گفتید که از هیچ کدام از این دو گروه نیستید و من گواهی می دهم شما از کسانی هم نیستید که خداوند درباره آنها فرمود: «وَالَّذِینَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ یقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونَا بِالْإِیمَانِ وَلاَ تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّکَ رَؤُوفٌ رَحِیمٌ» (حشر: 10) از نزد من بروید، خداوند با شما آن کند که باید. (1)

ب) نگرش تاریخی به لعن

لعن و اهانت یک شخص یا گروه به شخص و گروه دیگر، در شرایط زمانی خاصی وجود دارد و با پایان یافتن آن شرایط، لعن و توهین نیز پایان می یابد. برای مثال، دو کشور در حال جنگ، از رسانه های مختلف، انواع اهانت ها را به یکدیگر می کنند، ولی با پایان یافتن جنگ، این توهین ها نیز متوقف می شود.

معاویه و جانشینان او تا زمان عمر بن عبدالعزیز، یعنی حدود هفتاد سال، گستاخانه، امام علی بن ابی طالب علیه السلام را بر منبرها دشنام می دادند. امیر مؤمنان و شیعیان حضرت نیز به طور طبیعی مقابله به مثل می کردند. ابومعقل المزنی نقل می کند که امام علی علیه السلام نماز مغرب را با مردم خواند و در قنوت نمازش، معاویه، عمروعاص، ابوموسی اشعری و

---

1- . علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج 2، ص 79. ترجمه آیات: نیز غنایم از آنِ مهاجران فقیری است که از سرزمینشان رانده شده اند و آنها در طلب فضل و خشنودی خدایند و خدا و پیامبرش را یاری می کنند، اینان راست گویانند و کسانی که پیش از آمدن مهاجران در دیار خود بوده اند و ایمان آورده اند، آنهایی را که به سویشان مهاجرت کرده اند دوست می دارند و از آنچه به مهاجران داده می شود، در دل احساس حسد نمی کنند و دیگران را بر خویش ترجیح می دهند، هرچند خود نیازمند باشند. آنان که از بخل خویش در امان مانده باشند، رستگارانند، کسانی که از پس ایشان آمده اند، می گویند: ای پروردگار ما، ما و برادران ما را که پیش از ما

ایمان آورده اند، بیامرز و کینه کسانی را که ایمان آورده اند، در دل ما جای مده. ای پروردگار ما، تو مشفق و مهربان هستی. (حشر: 8 _ 10)

ابوالاعور سلمی (1) را لعنت کرد. (2) بسیاری از لعن هایی که در متون روایی دیده می شوند، مربوط به همین دوران است. در حال حاضر، چنین شرایطی وجود ندارد و این لعن و اهانت ها، حوادث تاریخی تلقی می شوند که زمان آن به پایان رسیده است. در یک دوره خاص، یک گروه، گروه دیگر را لعن کرده و طرف مقابل نیز مقابله کرده است، ولی ادامه لعن و نفرین تا زمان کنونی، دلیل جدید می خواهد. هرگاه یک طرف، از اهانت و لعن دست برداشت، طرف دیگر نیز باید چنین کند و به جای لعنت به تاریکی های گذشته، چراغی فراروی آینده بیفروزد. البته این امر هرگز نباید به دست کشیدن از بیان حقایق و استدلال برای روشن شدن واقعیت ها تفسیر شود؛ زیرا این دو نه تنها با یکدیگر تفاوت دارند، بلکه متضاد نیز هستند. لعن و نفرین سبب جدایی و دشمنی است، درحالی که دفاع منطقی و با دلیل از حقایق، سبب نزدیکی و دوستی است.

کسانی که آثار علامه سید مرتضی عسکری را مطالعه کرده اند، از دفاع پرحرارت او از مکتب اهل بیت آگاهند. ایشان درباره دست کشیدن از لعن و اهانت، اظهار می دارد:

همه این مسائل در گذشته وجود داشته است و برخی از آنها رنج آور است، مانند آنچه میان برخی شیعیان رواج داشته که آنان برخی از صحابه را لعن می کردند. من به شما بگویم که لعن را

---

1- . ابوالاعور عمر بن سفیان سلمی، از مشرکان مکه بود که در نبرد احد، در لشکر مشرکان حضور داشت. او از دوستان آل سفیان و از دشمنان امام علی علیه السلام بود. در نبرد صفین در کنار معاویه قرار داشت و در حمله عمرو بن عاص به مصر که به شهادت محمد بن ابوبکر انجامید، هم دست و یاور عمرو بن عاص بود. (علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج 1، ص 413)

2- . بحارالانوار، ج 33، ص 196.

معاویه از سال 40 هجری آغاز کرد و امام علی بن ابی طالب علیه السلام بر روی منابر مسلمین، در خطبه های نماز جمعه لعن می شد... در همه این مدت آیا گمان می کنید شیعیان علی و خاندانش مقابله به مثل نکردند؟ ولی اکنون چه ربطی به ما دارد؟ ما باید دست از این اختلاف (لعن) و اختلاف های دیگر برداریم. (1)

دکتر قرضاوی، از علمای اهل سنت نیز لعن و اهانت را مسئله ای تاریخی دانسته که طومار آن پیچیده شده است. او می گوید:

خداوند به گذشتگان به تناسب اعمالشان جزا می دهد، اما ما باید امروز به مسائل امروزی بپردازیم. (2)

سید محمدحسین فضل الله، مرجع دینی شیعه در لبنان نیز لعن مقدسات اهل سنت را تحریم کرده است. (3) ایشان در مصاحبه با صحیفه المدینه السعودیه، موانع وحدت شیعه و سنّی را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم و یکی از موانع درونی را توهین به مقدسات اهل سنت معرفی می کند و این عمل را حرام می خواند. وی می افزاید:

همان گونه که امام علی علیه السلام، با آنکه حکومت را حق خود می دانست، با خلفا تعامل داشت، ما نیز باید چنین باشیم. (4)

کاشف الغطا هم عمل برخی شیعیان در اول ربیع را که به «عید الزهرا» معروف است، مجاز نمی دانست و تلاش می کرد این مراسم را براندازد.

---

1- . سید مرتضی عسکری، اندیشه وحدت اسلامی در عصر حاضر، ترجمه: احمد امیری شاد مهری، به نقل از: سایت دار التقریب www.taghrib.ir.
2- . یوسف القرضاوی، مبادی فی الحوار و التقریب بین المذاهب الاسلامیه ww.alwhdah.com .
3- . الشیخ الصفار، انبعاثا لتیار سلفی شیعی و لابد من معالجه جرینه لمسئله اللعن. شبکه راصد www.alwhdah.com 5/3/2007.
4- . ایشان مانع درونی را کمبود فکرهای بلند در میان مسلمان، اعم از شیعه و سنّی دانسته، نقشه استکباری امریکا برای ایجاد دشمنی میان

مسلمانان را عامل بیرونی معرفی کرده است. (صحیفه المدینه السعودیه، 23/2/2007http:alwhdah.com .

ایشان در سخنرانی در حرم امام علی علیه السلام، خطر این گونه اعمال را به مردم یادآور شده بود. (1) این عالم شیعی در عین حال از علمای اهل سنت می خواست در این زمینه به چند نکته توجه داشته باشند:

یک _ جواز لعن و اهانت به خلفا و برخی اصحاب، عقیده همه شیعیان نیست و بسیاری از آنها با این اعمال موافق نیستند. در اخبار امامان شیعه نیز این عمل منع شده است. بنابراین، نباید با کل شیعه به خاطر عده ای از آنها دشمنی کرد.

دو _ به فرض که کسی خلفا را لعن کند، این عمل، کفر نیست (2) و نهایت آن است که مرتکب آن، گناهکار باشد. گناهکار هم در همه مذهب ها وجود دارد، ولی گناه سبب قطع رابطه برادری با گناهکار نمی شود.

سه _ اگر جواز لعن و اهانت به دلیل اجتهاد و اعتقاد باشد، گرچه مجتهد در اجتهادش خطا کرده باشد، سبب گناه و فسق هم نیست؛ زیرا در باب اجتهاد گفته اند: «للمخطیء اجر و للمصیب اجرین.» بر همین اساس هم، علمای اهل سنت گفته اند طلحه و زبیر و معاویه، در جنگ علیه امام علی علیه السلام اجتهاد کرده اند و این به عدالتشان آسیبی نمی رساند. اجتهادی که جان تعداد زیادی از مسلمانان را گرفت، خلاف عدالت نیست، چگونه اجتهاد برخی افراد برای اهانت به چند مقام محترم را نادیده نمی گیرید. پس بهتر است این هم نادیده گرفته شود. (3)

---

1- . نقل: از سایت دار التقریب www.taghrib.ir.
2- . قرضاوی از علمای اهل سنت نیز معتقد است لعن صحابه خطاست، ولی شبیه تأویل آیات و روایات است و کفر نیست. (یوسف القرضاوی، مبادی فی الحوار و التقریب بین المذاهب الاسلامیه، www.alwhdah.com 2006 .
3- . استاد فهمی هویدی، تجربه التقریب بین المذاهب www.alwhdah.com.

## ج) تفاوت لعن و فحاشی

### اشاره

در این توضیح ها، لعن و اهانت را به یک معنا گرفته ایم، ولی در قرآن کریم و سنت نبوی، لعن به معنای اهانت به کار نرفته است. در قرآن کریم، واژه لعن و مشتقات آن بیش از چهل بار به کار رفته است. گاهی خدای تعالی در کتابش، گروهی را لعن فرموده است که بیشتر بدین معناست که آنها به عذاب الهی گرفتار خواهند شد. برخی دیگر از آیات، گزارش لعن گروهی، از سوی انبیا یا مؤمنان است؛ یعنی آنان از خداوند خواسته اند گروه مخالفشان را از رحمت خود دور و گرفتار عذاب سازد که نوعی نفرین است. (1) لعن به معنای فحش و اهانت، آن گونه که در زبان مردم رایج است، در قرآن وجود ندارد. (2)

روایاتی وجود دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز کسانی را لعن کرده است. با توجه به این روایات می توان لعن در سنت نبوی را به چند مفهوم تفسیر کرد:

### یک _ بیان حرام بودن یک عمل

رسول خدا صلی الله علیه و آله ؛ رباخواران، کسانی که زکات اموال خود را نمی دهند، (3) یهود را به دلیل نادیده گرفتن احکام الهی در منع استفاده از پیه حیوانات، (4) زنی که به اموال شوهرش خیانت کند یا عفت خود را حفظ نکند، (5) مردی که به عورت زن نامحرم نگاه کند، (6) شراب خوار و هر کس که به هر

---

1- . نک: بقره: 88 ؛ احزاب: 33 و... .
2- . شیخ حسین الراضی، نویسنده عربستانی، در مقاله ای با عنوان «مفهوم اللعن فی القرآن و موقف الامام علی من السب و اللعن» به این مسئله پرداخته است www.alwhdah.com.
3- . مستدرک الوسائل، ج 7، ص 22.
4- . مستدرک الوسائل، ج 13، ص 73.
5- . مستدرک الوسائل، ج 13، ص 94.

6- . کافی، ج 5، ص 559.

شکل، زمینه رواج شراب خواری را فراهم سازد، (1) افراد زناکار یا واسطه های زنا و هم جنس بازان را لعن کرده است. (2)

این لعن ها بدین معناست که چنین اعمالی حرام است و مرتکبان این اعمال، خود را در معرض عذاب الهی قرار می دهند. چنین هشداری سبب می شد مرتکبان این اعمال از خلاف خود دست بردارند و دیگران نیز بدان نزدیک نشوند.

### دو_ بیان ناخشنودی از یک عمل

گاهی لعن، ناخشنودی رسول خدا صلی الله علیه و آله از عملی را نشان می دهد و هرچند از نظر شرعی، آن عمل حرام نیست، ولی بهتر است که مسلمانان آن را ترک کنند. برای مثال، روایت شده است که پیامبر خدا، کسی که توشه راهش را تنها بخورد و کسی را که در خانه تنها بخوابد یا تنها در بیابان سفر کند، لعن کرده است. (3) روشن است که هیچ کدام از این اعمال حرام نیست، بلکه فقط مکروه است.

بنابراین، لعن در قرآن و سنت به سه معناست. اگر از سوی خداوند باشد، یعنی کسانی که لعن شده اند، به عذاب الهی گرفتار می شوند و اگر از سوی مؤمنان باشد، به معنای نفرین است. گاهی نیز بیان عقیده یا حکم شرعیِ (حرمت یا کراهت) یک عمل، از سوی رسول خداست. بدین ترتیب، نه در قرآن و نه در سنت نبوی، لعن به معنای اهانت و توهین به دیگران وارد نشده است. بنابراین، کسانی که با عنوان لعن بر

---

1- . مستدرک الوسائل، ج 6، ص 398.
2- . مستدرک الوسائل، ج 5، صص 119 و 550.
3- . من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 277.

مخالفان، فحاشی می کنند و حرف های رکیک می زنند، به هوای نفس گرفتار شده اند، هرچند می پندارند که کاری دینی انجام می دهند.

## دسته دوم _ اختلاف های ناشی از بداخلاقی

### 1. بیان اختلاف

آدمی با خودکاوی خویش درمی یابد که بسیاری از اختلاف ها و

نزاع های او با دیگران، در خودخواهی ها و هوا و هوس های او ریشه دارد. علت اصلی مخالفت گروهی از مردم با پیامبران الهی نیز آن بود که سخن پیامبران برخلاف هوس های آنان بود. (1) در دوران رسول گرامی اسلام نیز برخی افراد به دلیل حسادت، به پیامبر ایمان نمی آوردند. (2)

اخلاق های ناپسند مانند تکبر، غیبت، دروغ، عیب جویی، به ویژه تبعیض و ستم و همانند آن، افزون بر مجازات اخروی، به دلیل ایجاد بی اعتمادی و بدگمانی در فضای جامعه، دل های مردم را از یکدیگر دور و پیوندهای اجتماعی را سست می کند. افراد چنین جامعه ای در کنار یکدیگر زندگی می کنند و حتی سخنان محبت آمیز به یکدیگر می گویند، ولی در عمل، در پی فریب دادن یکدیگر و آسیب رساندن به هم هستند. به تعبیر امیر مؤمنان، علی علیه السلام، همانند حیوانات وحشی، پیوسته در پی دریدن یکدیگرند و هر لحظه، فرصتی پیش آید، قوی تر، ضعیف تر را خرد می کند. (3)

### 2. ریشه اختلاف

---

1- . «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لاَ تَهْوَى أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقاً كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقاً تَقْتُلُونَ». (بقره:87)
2- . نک: تفسیر منهج الصادقین، ج 2، ص 194.
3- . نک: نهج البلاغه، نامه 31 «فان اهلها کلاب عاویه و سباع ضاریه...».

نادیده گرفتن مرزهای اخلاقی، گاه در بدفهمی ها ریشه دارد؛ یعنی برخی به دلیل ناآگاهی از زشتی برخی کارها، آنها را انجام می دهند و دیگران را از خود می رنجانند و سبب تفرقه می شوند، ولی بسیاری از اخلاق های ناشایست نیز در زیاده خواهی های آگاهان و عالمان ریشه داشته است. اینان، نه از سر نادانی، بلکه به دلیل بی توجهی به پی آمدهای سخت دنیوی و اخروی اعمال خود و به دلیل دنیاطلبی و حسادت، مرزهای اخلاقی را می شکنند و سبب اختلاف در جامعه می شوند که البته مقابله با آنها به مراتب، مشکل تر از مقابله با ناآگاهان است. بنابراین، نادانی و نشناختن رذایل اخلاقی از یک سو و غلبه هوا و هوس از سوی دیگر، سبب بداخلاقی و در نتیجه جدایی و تفرقه مسلمانان است.

### 3. راه حل

#### الف) رواج امر به معروف و نهی از منکر

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، به دلیل مبارزه با نادانی ها و هوا و هوس ها که دو عامل اصلی تفرقه مسلمانان هستند، نقش مهمی در ایجاد وحدت دارد. خدای تعالی در سوره آل عمران، پس از سفارش مسلمانان به وحدت و یادآوری اینکه نزاع های هلاک کننده آنان، به برکت ایمان و اسلام به برادری تبدیل شد، به آنان دستور می دهد زبانشان، زبان دعوت به خیر باشد و دیگران را به نیکی ها و پرهیز از بدی ها فرمان دهند. سپس با بیان اختلاف های امت های گذشته، به مسلمانان هشدار می دهد همانند آنها نباشند. (1) با پیوند این سه آیه می توان این گونه استنباط کرد که علت اختلاف در میان امت های گذشته، ترک امر به معروف و نهی از منکر بوده است و

---

1- . نک: آل عمران: 102 _ 105.

مسلمانان نیز اگر این مهم را ترک کنند، همانند آنها گرفتار اختلاف خواهند شد.

رذایل اخلاقی، آرامش روحی و درونی انسان ها را بر هم می زند و هم بستگی جامعه را نیز سست می کند. به همین دلیل، جامعه مؤمنان، باید در مقابل این ضربه که به پیکرش وارد شده است، واکنش مناسبی نشان دهد.

نزاع مؤمنان یا از سر نادانی یا از پی آمدهای اخلاق ناشایست است. خداوند در قرآن کریم از مسلمانان می خواهد به چنین پیشامدی بی توجه نباشند و هرگاه میان دو گروه از مؤمنان درگیری به وجود آمد، آنها را آشتی دهند و اگر یکی از آن دو، بر ادامه جنگ و نزاع اصرار داشت و آرامش جامعه را بر هم زد، همه مسلمانان در مقابل آن گروه بایستند و آنان را به تسلیم شدن در برابر امر الهی وادار سازند. این تسلیم، تسلیم فیزیکی است و بعد از آن باید ضرورت وجود آرامش و صلح در جامعه را به آنان گوشزد کرد. ازاین رو، در ادامه می فرماید بعد از تسلیم شدن گروه سرکش، مسلمانان باز هم باید بر اساس اصل مهم اخلاقی؛ یعنی عدالت، اختلاف آنان را حل و فصل کنند. در پایان نیز گروه صلح دهنده را به رعایت تقوای الهی سفارش می کند. (1)

چنین واکنش هایی در سیره نبوی و میان مسلمانان صدر اسلام نیز مشاهده می شود. آورده اند که قبیله بنی عامر بن عوف برای محله خود مسجدی ساختند. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز گاهی در آنجا اقامه جماعت می کرد. عموزادگان این قبیله، بر اثر حسد، بنای مخالفت با قبیله بنی عامر را گذاردند و در مقابل مسجد آنها مسجدی دیگر ساختند و گفتند ما در

---

1- . نک: الحجرات: 9 و 10.

جماعت آنها حاضر نمی شویم. منافقان از این اختلاف، به سود هدف های خود بهره بردند و برای در هم شکستن اتحاد مسلمانان، به تقویت این مسجد پرداختند. رسول خدا صلی الله علیه و آله از باب نهی از منکر فرمان داد آن مسجد را که به تعبیر قرآن مجید، (1) مکانی برای آسیب رساندن به مؤمنان و ایجاد تفرقه میان آنان بود، ویران کردند. (2)

چون پدید آمد که آن مسجد نبود

خ__ان_ه حیلت بُ__د و دام جهود

پس نبی ف__رم__ود کان را برکَنید

مطرحه خاشاک و خاکستر کنید (3)

روشن است نوع واکنش، متناسب با شرایط مکانی و زمانی، متفاوت خواهد بود، ولی در هر حال، این واکنش ها نباید سبب تقویت تفرقه باشد.

برخی مفسران نقل کرده اند که چون حضرت موسی علیه السلام برای مناجات به کوه طور رفت، برادرش، هارون را جانشین خود در قوم بنی اسرائیل کرد. سامری که در میان بنی اسرائیل، مردی عالم و معتبر بود، (4) به دلیل پیروی از هوا و هوس، آنان را گمراه کرد و به گوساله پرستی کشاند. هارون قوم را نصیحت کرد و از پی آمد کارشان ترساند، ولی آنان توجهی نکردند. وقتی حضرت موسی علیه السلام بازگشت، به برادرش اعتراض کرد چرا با گمراهی مقابله نکرده است. هارون اظهار داشت: ترسیدم اگر بیش از اندازه نهی از منکر کنم، میان مردم اختلاف شدت گیرد و بگویی به

---

1- . نک: توبه: 107.
2- . تفسیر منهج الصادقین، ج 4، ص 315.
3- . جلال الدین بلخی، مثنوی، دفتر دوم، بیت 3016.
4- . تفسیر منهج الصادقین، ج 6، ص 14.

توصیه من هنگام رفتن توجه نکردی. (1) حضرت موسی علیه السلام پیش از رفتن، به هارون گفته بود: «اخْلُفْنِی فِی قَوْمِی وَأَصْلِحْ و...» (اعراف: 142) و برداشت هارون از عبارت «اصلح» آن بود که اجازه ندهد میان قوم اختلاف افتد. (2) با آمدن حضرت موسی علیه السلام، اوضاع تغییر کرد و واکنش تندتر شد. موسی علیه السلام گوساله طلایی را که سامری ساخته بود، سوزاند و در آب دریا ریخت. (3)

یکی دیگر از مصداق های نهی از منکر، جلوگیری از تشکیل و گسترش فرقه ها و مذهب های جدید در میان مسلمانان است. اگر مسلمانان، در گذشته با قاطعیت، مانع پیدایش و رشد مذهب ها و فرقه های مختلف شده بودند، بی شک، امروزه شاهد این همه پراکندگی در میان مسلمانان نبودیم. گذشت آنچه گذشت و درباره گذشته اقدامی نمی توان کرد، ولی در حال حاضر لازم است مهندسان فرهنگی و مدیران اجرایی در همه کشورهای اسلامی، با اقدام های فرهنگی و حتی در صورت لزوم با اقدام های قضایی و قهرآمیز، مانع تشکیل و گسترش فرقه های مذهبی جدید شوند تا از تفرقه بیشتر، جلوگیری شود. با توجه به نقش بیگانگان در تشکیل این فرقه ها، لزوم این اقدام ها جدّی تر می شود.

### ب) آموزش اخلاق اعتراض

در رقابت دو نفر بر سر رسیدن به قدرت سیاسی، سرانجام یکی پیروز می شود و دیگری کنار می رود. اگر فرد کنار زده شده، پیروزی رقیب

---

1- . تفسیر آسان، ج 12، ص 61.
2- . تفسیر نمونه، ج 13، ص 283.
3- . نک: طه: 85 _ 97.

خود را نامشروع و محصول توطئه و فریب بداند و از طرفی، خود را از هر جهت، برتر و شایسته تر از رقیب پیروز ببیند، این احتمال می رود که او برای در هم شکستن رقیب خود، هر کاری بکند و در مشکلات و گرفتاری ها به او کمکی نکند تا ناتوانی های وی آشکار و پایه های قدرتش سست شود.

بر اساس روایت ها و تاریخ، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قاطعانه معتقد بود که به دلیل سفارش پیامبر و سابقه و شایستگی های فراوان دیگر، در امر خلافت بر هرکس دیگر برتری دارد، ولی ریاست جویی ها و تعصب های قومی و قبیله ای، شخص دیگری را جای گزین او کرده است. بر همین اساس، آن حضرت ابتدا حکومت جدید را به رسمیت نمی شناخت و چون او را به بیعت فرا خواندند، فرمود:

اَنَا اَحَقُّ بِهذَا الْامرِ مِنْکُم وَ لااُبایِعُکم وَ اَنْتُم اَوْلی بِالْبیعهِ لی اَخَذْتُم الْاَمرَ مِن الأنصارِ وَ تَاْخُذونَه مِنّا اَهلَ الْبَیتِ غَصْباً. (1)

من به امر خلافت ازشما سزاوارترم و شما به بیعت کردن با من شایسته ترید. شما خلافت را از انصار بازگرفتید و از ما نیز غصب کردید.

از سوی دیگر، جناحی که قدرت را به دست گرفته بود، با اصرار بر لزوم بیعت امام، به تهدید و خشونت روی آورد. حضرت با تحلیل دقیق از اوضاع جدید سیاسی و اجتماعی جامعه، سرانجام تصمیم گرفت حکومت ابوبکر را به رسمیت بشناسد و حتی در امور مختلف به او مشاوره دهد. بدون شک، لزوم حفظ وحدت جامعه اسلامی، یکی از عوامل مهم این تغییر نظر امام بود؛ زیرا می فرمود:

---

1- . بحارالانوار، ج 28، ص 354.

هیچ کس نیست که نسبت به وحدت و اتحاد امت محمد، از من حریص تر و انسش به آن، از من بیشتر باشد. (1)

پس از بیعت امام علی بن ابی طالب علیه السلام با ابوبکر، انصار ناراحت شدند و از صحنه اجتماع کناره گرفتند. قریش که این عمل انصار را به زیان خود می دید، به اعتراض و پرخاشگری پرداخت و انصار نیز تندی کردند. وقتی این خبر به امام علی علیه السلام رسید، ناراحت شد و با حضور در جمع انصار و پاسخ به شبهه ها و مسائل مربوط به آن، مانع جدا شدن آنان از پیکره جامعه اسلامی گردید. (2) این سیاست حضرت در دوران خلفای بعدی نیز ادامه یافت و هنگامی هم که خود به قدرت رسید، درباره پی آمدهای تفرقه هشدار می داد و می فرمود:

اِیاکُمْ وَالْفَرقهَ فَاِنَّ الشّاذَّ مِن النّاسِ لِلشَّیطانِ کَما اَنَّ الشّاذَ مِن الْغَنَمِ لِلذِّئبِ. اَلا مَنْ دَعا اِلَی هذا الشِّعارِ فَاقْتُلوه وَ لَوْ کَانَ تَحتَ عِمامتی هذِه. (3)

از تفرقه بپرهیزید که موجب آفت است. آن کس که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنان که اگر گوسفند از گله دور ماند، نصیب گرگ بیابان است. آگاه باشید هرکس که مردم را به تفرقه و جدایی بخواند، او را بکشید، هرچند زیر عمامه من باشد.

تهدید مرزهای سرزمین اسلامی از جانب نیروهای خارجی، مرتد شدن گروهی از مسلمانان، ظهور پیامبران دروغین و نگرانی از سستی مردم در دین داری، از دیگر دلایل ایشان برای بیعت و همکاری با خلفای سه گانه بود. حضرت در یکی از نامه ها، با ابراز تعجب از اینکه مردم کسی غیر از اهل بیت را به خلافت برگزیده اند، می فرماید:

---

1- . نهج البلاغه، نامه 78.
2- . احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، ج 2، ص 3.
3- . نهج البلاغه، خطبه 127.

چیزی مرا نگران نکرد و به شگفت نیاورد جز شتافتن مردم بر فلان از هر سو و بیعت کردن با او. پس دست خود را باز کشیدم تا آنکه دیدم گروهی در دین خود نماندند و از اسلام روی برگرداندند و مردم را به نابود ساختن دین محمد خواندند. پس ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم، رخنه ای در آن بینم که مصیبت آن بر من سخت تر از محروم ماندن از خلافت است... . (1)

البته این مدارا به آن معنا نبود که حضرت اعتراض خود را به اوضاع پیش آمده، آشکارا بیان نکند، بلکه به دلیل اخلاق کریمه علوی و به دور بودن از هر نوع خودخواهی و قدرت طلبی، اعتراضش را به گونه ای بیان می کرد که وحدت و انسجام جامعه اسلامی آسیبی نبیند. در مراحل بعد نیز با در نظر گرفتن سود جامعه، به خلفا صادقانه مشورت می داد. او هیچ گاه میان اعتراض به کنار زده شدن خودش از خلافت و کمک فکری به خلفا منافاتی نمی دید و آرامشی که از این رهگذر بر جامعه اسلامی حاکم شد، سبب پیروزی های بعدی مسلمانان در دیگر نقاط جهان گردید. حضرت در زمان خلافت خویش نیز وظایف مردم را در آن دوره، به آنان گوشزد می کرد و از طرح اختلاف های گذشته که سبب تفرقه می شد، منع می فرمود.

نقل است پس از سقوط مصر به دست سپاه معاویه و شهادت محمد بن ابوبکر، حضرت غمگین بود. در همین حال، برخی نظر امام را درباره ابوبکر و عمر از ایشان پرسیدند. امام این پرسش را نابه جا دانست و فرمود: شما به این مسائل مشغول می شوید، درحالی که مصر را گرفته و

---

1- . نهج البلاغه، خطبه 62.

یاران مرا به قتل رسانده اند. سپس در فرصتی مناسب، در پاسخ آنها نوشت برای حفظ اسلام سکوت کردم و در کارها به آنها مشورت دادم. (1)

در میان درگیری شدید صفین نیز مردی از بنی دودان از امام پرسید: چرا مردم شما را از خلافت دور کردند، درحالی که در نسب به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک تر بودی و بهتر از همه به کتاب و سنت آشنایی داشتی؟ حضرت به او فرمود: گرچه حق پرسیدن با توست و حق دامادی خانواده ما را نیز داری، ولی «انک لَقلِقُ الْوضین تُرسِلُ عَنُ ذی مَسدٍ»؛ یعنی در این شرایط نباید چنین سؤالی می کردی. البته امام، در فرصت مناسب پاسخ او را نیز داد. (2)

بنابراین، با توجه به سیره عملی امیر مؤمنان، علی علیه السلام نمی توان و نباید به بهانه لزوم وحدت، از بیان حق خودداری کرد؛ زیرا وحدتی که بر اساس نادیده گرفتن حقیقت و پوشاندن آن باشد، وحدتی استوار و جدّی نخواهد بود. حق را باید گفت، ولی به گونه ای که به انسجام جامعه آسیبی نرسد.

امام خمینی رحمه الله نیز با تمسک به سیره علوی، بدون اهانت به باورهای دیگران و حتی با بیان نکات مثبت رفتار آنان، از مبانی تشیع، قاطعانه دفاع می کرد. ایشان درباره عمر بن خطاب می گوید:

---

1- . بحارالانوار، ج 33، ص 569.
2- . بحارالانوار، ج 29، ص 483. وضین: ریسمانی که با آن زین اسب را محکم می بندند. بنابراین، معنی عبارت آن است که تو زین مرکبت را محکم نکرده ای؛ کنایه از شتاب و نابه جا سخن گفتن. در روایت دیگر، «ترسل فی غیر سدد» آمده است؛ یعنی عنان اسبت را رها کرده ای و بر آن کنترلی نداری که باز هم کنایه از سخن گفتن نابهنگام است.

وقتی که عمر می خواست برود به مصر، برای اینکه فتح کرده بودند مصر را و قدرتمند شده بود اسلام، همه جا را گرفته بودند، می خواست وارد بشود به مصر. یک شتر بود و خودش بود و یکی هم همراهش، سوار این شتر. یکی شان می نشست و آن یکی جلویش [را] می گرفت و می برد. آن که خسته می شد (قسمت کرده بودند)، این سوار می شد. آن وقتی که وارد (به حسب تاریخ) مصر شدند، نوبت آن غلام بود که سوار شود و آقای خلیفه جلو شترش را گرفته بود و داشت می بردش که مردم مصر آمده بودند به استقبال. خلیفه عبارت از این بود. ما عمر را قبول نداریم، اما این عمل، عمل اسلامی آن وقت بوده؛ یعنی نقش اسلام این بوده است، ولو خودش یک آدمی بوده که ما نپذیرفتیم او را، اما عملی که کرده است، این عملی بوده که نقش اسلام این بوده؛ یعنی پیغمبر هم این صورت بود. یعنی پیغمبر هم سوار یک الاغی می شده، یک کسی هم پشتش می نشسته و مسئله برایش می گفته، آن را تعلیمش می کرده، آن پشت سری را تعلیمش می کرده. شما در تمام این دموکراسی ها بیاورید که این جوری باشد که سلطان وقت،که سلطنتش چند مقابل ایران بوده است، چند مقابل فرانسه بوده، شما بیاورید یک سلطان دموکراتی که با غلام خودش این جوری رفتار بکند که آن سوار بشود، یک شتر باشد و چیزی بیشتر از این نه، آن جمال و جلال هیچ نباشد در کار. هر سلطان دموکراتی را که بیاورید، اگر بخواهد وارد یک مملکت شکست خورده بشود، ببینید چه جوری وارد می شود. آنها چه جوری وارد می شوند، این هم وارد شده در یک مملکتی که فتح شده است. سوار شتر غلام او _ خودش _ حالا نوبت او هست، خودش دستش را جلو گرفته و افسار شتر را دارد می کشد. آمدند اشراف مصر آنجا و همه هم تعظیم کردند، این تعلیم اسلام بوده. (1)

---

1- . صحیفه نور، ج 4، صص 325 و 326، 14/8/57.

بنابراین آنان که خواهان ایجاد وحدت در جامعه اسلامی هستند، باید با گسترش اخلاق انسانی، فضای دوستی را در جامعه به وجود آورند تا به فرموده خداوند در قرآن کریم، دشمنی ها و کینه ها به دوستی و محبت تبدیل شود. (1) هرچه از میزان اخلاق های ناشایست _ به ویژه نزد صاحبان قدرت _ کاسته شود، تفرقه و جدایی ها کم می شود.

### دسته سوم _ اختلاف های ناشی از مدارا و بردباری نکردن

#### 1. بیان اختلاف

هیچ انسانی در شکل و قیافه ظاهری، کاملاً شبیه دیگری نیست و همواره تفاوت هایی دارد. در جهان امروز، بیشتر مردم تفاوت های ظاهری انسان ها را پذیرفته اند و اختلاف در شکل و رنگ را در حقوق انسانی اثرگذار نمی دانند و معتقدند با این حالت می توانند با آرامش در کنار یکدیگر زندگی کنند. با این حال، اگر هر قوم و نژادی، خود را برتر از دیگران بداند و بخواهد این برتری خود را در عمل نیز نشان دهد، زندگی بر همه ناگوار می شود و فجایعی مانند جنگ جهانی رخ می دهد.

همچنین انسان ها به دلیل تفاوت در شرایط محیطی و استعداد درونی، از نظر اندیشه و باور نیز با یکدیگر یکسان نیستند. اگر کسانی اندیشه خود را برتر بدانند و بخواهند آن را به دیگران نیز تحمیل کنند، در این کار، توفیق چندانی به دست نمی آورند و فضای فکری و فیزیکی جامعه را نیز گرفتار جدایی ها و ناگواری های فراوانی خواهند کرد. در طول تاریخ، دین ها و مذهب های مختلفی وجود داشته است و هیچ کس حتی پیامبران نتوانسته اند همه مردم را در عقیده و فکر هم سو کنند و تنوع

---

1- . نک: فصلت: 34.

دین ها و مذهب ها همچنان ادامه یافته است. این تنوع ها هست، ولی وجود آنها لزوماً به معنای تنش و نزاع همیشگی میان افکار و ادیان و مذاهب نیست. افراد جامعه باید یاد بگیرند برای مخالفان فکری خود نیز جایگاه و حقی در جامعه قائل باشند. اگر بنای مذاهب بر پایه مدارا با یکدیگر استوار نباشد، تمام نیروی آنها برای دفع یکدیگر صرف می شود و هیچ کدام فرصتی برای خودانتقادی و عمق بخشیدن به باورهای خویش را نخواهند یافت.

خداوند در قرآن مجید، به رسول خود سفارش می کند با مخالفان اعتقادی اش به نیکویی و با مدارا رفتار کند که این روش، دشمنی دینی آنان را به دوستی و مهربانی دینی بدل خواهد کرد. (1) مدارا با مخالفان، سبب تشویق آنان به گفت وگو و رفت وآمد بیشتر با مؤمنان و زمینه ساز هدایتشان می شود، درحالی که خشونت نتیجه عکس خواهد داشت.

در زمینه اختلاف شیعه و سنّی، تردیدی نیست که این دو در مباحث اعتقادی و تشریفات دینی با یکدیگر اختلاف دارند، ولی این اختلاف ها بر خلاف آنچه بسیاری می گویند و می نویسند، نه در حد اختلاف نظر دو مجتهد، بلکه در بعضی موارد، در حدّ حق و باطل دانستن عقاید و درست یا نادرست بودن مراسم و اعمال مذهبی یکدیگر است. ممکن است پیروان یک مذهب، آنچه را برای پیروان مذهب دیگر مقدس تلقی می شود، نه تنها عادی، بلکه ضد تقدس بدانند. اینها در جای خود قابل بحث و بررسی است، ولی اکنون جامعه اسلامی دارای چندین مذهب و

---

1- . ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج 22، ص 59، ذیل آیه 34 فصلت.

فرقه با عقاید متفاوت است که هیچ کدام هم نمی توانند دیگری را حذف کنند و حتی در مواردی لازم است با یکدیگر تعامل نیز داشته باشند. بنابراین، باید این تکثر را بپذیرند. البته پذیرش تکثر به معنی صحیح دانستن همه عقاید و اعمال دیگران نیست، بلکه منظور، تأکید بر امور مشترک و مقابله با دشمن مشترک و گشودن پنجره ای برای بحث های علمی، با هدف دست یابی به حقیقت دین است.

### 2. ریشه های اختلاف

#### اشاره

اینکه برخی انسان ها با مخالفان مدارا نمی کنند و می کوشند با توسل به خشونت، عقایدشان را به آنها تحمیل کنند، ممکن است به چند دلیل باشد.

#### الف) احساس قیمومیت فکری

هر کسی حق دارد برای خود فکر، دین یا مذهبی داشته باشد و آن را درست و سعادت آفرین بداند. تا اینجای کار مشکل ساز نیست، ولی اگر افرادی، نسبت به دیگران احساس قیمومیت فکری داشته باشند و بخواهند عقاید خود را به آنها تحمیل کنند، اسباب جدایی و نزاع خواهد شد. این افراد با داشتن خوی خودبرتربینی، نه تنها حاضر به شنیدن سخن مخالفان نیستند، بلکه قتل و غارت آنان را امری دینی نیز می پندارند.

احساس قیمومیت فکری، گاهی در این باور درونی ریشه دارد که در آنچه فرد بدان معتقد است، احتمال حتی اندکی خطا و در عقاید دیگران، احتمال حتی اندکی درستی وجود ندارد، ولی واقعیت غیر از این است.

هر انسان غیرمعصومی باید پس از هر اظهارنظری بگوید «پس از جست وجو به این نظر رسیده ام و بیش از این تکلیفی ندارم، همان گونه که مخالفان نظر من بیش از جست وجو تکلیفی ندارند.» شافعی از امامان مشهور اهل سنت گفته است:

مذهبی صواب یحتمل الخطا و مذهب غیری خطا یحتمل الصواب. (1)

مذهب من درست است و احتمال خطا نیز در آن هست و مذهب دیگران خطاست [و] احتمال درست بودن هم دارد.

ابوحنیفه از دیگر امامان اهل سنت نیز می گفت: «کسی که دلایل مرا نمی شناسد، حق ندارد بر اساس گفته من فتوا بدهد.» از احمد بن حنبل هم نقل کرده اند که به فردی گفت: «نه از من و نه از غیر من تقلید مکن و احکام را از کتاب و سنت بگیر، همان گونه که آنها چنین کردند. لیس لاحد مع الله و رسوله کلام». (2)

اگر چنین اندیشه ای در جامعه اسلامی فراگیر شود، بی تردید، آتش بسیاری از نزاع ها فروکش خواهد کرد.

### ب) مشکلات ساختاری و تفاوت های فرهنگی

یکی دیگر از عوامل گرایش به خشونت، شیوه زندگی و مشکلات ساختاری حیات اجتماعی مسلمانان است. آنها به دلیل تولد و زندگی در نواحی مختلف جغرافیایی، رفتارها و و اندیشه هایی متفاوت دارند، چنان که مذهب بیشتر آنها نیز نتیجه بودنشان در یک محیط خاص است.

---

1- . ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج 22، ص 59، ذیل آیه 34 فصلت.
2- . شیخ محمد مدنی، «اسباب الاختلاف بین الائمه المذاهب الاسلامیه»، مجله رساله الاسلام، ش 31، صص 186 و 187.

این اختلاف اندیشه و رفتار ها، در امور غیر اعتقادی و مذهبی نیز ریشه دارد. به همین دلیل، هرگاه جامعه مسلمانان، رشد عقلی، اجتماعی و اقتصادی مناسب داشته باشد، کمتر دچار اختلاف های تاریخی و مذهبی می شود. بنابراین، جامعه ای که در زمینه رفاه عمومی به حدِ قابل قبولی رسیده و از نظر فکری، فرهنگی، سیاسی و علمی گام هایی به جلو برداشته باشد، به راحتی می پذیرد که ممکن است دیگران نیز حرف های شنیدنی داشته باشند و در مرحله بعد می پذیرد که دیگران، باورها و افکار او را نقد کنند، تا بتوانند بهترین ها را برگزینند. در این صورت، هر کس می تواند عقاید خود را ابراز کند و برای صحت آن دلیل آورد. در چنین جوامعی، علمای مذاهب که خود را در معرض پرسش دیگران می یابند، مجبور می شوند به خردورزی و استدلال رو آورند و بدین گونه مدارا و تسامح گسترش می یابد.

هرچه جامعه به سوی تفکیک ساختارها و فردگرایی پیش می رود، تحمل باورها و عقاید دیگران آسان تر می شود و به همین دلیل، مردم مناطق شهری از مردم مناطق روستایی تحمل پذیرترند. همچنین شرایط خاص زندگی شهری، روند فردگرایی را به جوامعی مانند جامعه ما نیز تحمیل خواهد کرد و در پی آن، مردم به وجود باورها و عقاید مخالف در جامعه عادت می کنند، ولی این عادت به معنای کم رنگ شدن باورها و غیرت دینی است که به دلیل سکولار بودن این روند، مؤمنان بر آن کنترلی ندارند. افزون بر این، در اندیشه سکولاریستی، دیگر محوری برای وحدت وجود ندارد. در چنین جوامعی، افراد بر سر مذهب با یکدیگر درگیر نمی شوند، ولی وحدتی هم ندارند.

در جوامع دارای ساختار فردمحور، در واقع ازدحام «تنها»هاست. این «تنها»ها شاید با هم برخوردی نداشته باشند، ولی نیروی واحدی نیز تشکیل نمی دهند که با آن بتوان راهی به سوی تکامل جامعه گشود. در چنین شرایطی، اگر خود مؤمنان تحولی در جامعه به وجود آورند و کنترل آن را در دست بگیرند، به نفع دین داری است. تحول مورد نظر، تقویت این اندیشه است که صاحبان دیگر اندیشه ها و عقاید نیز بندگان خدایند و ممکن است بهره ای از حقیقت داشته باشند و وظیفه ما نه دشمنی با آنان، بلکه نشان دادن حقیقت به آنهاست. در این صورت بدون خللی در دین داری، می توان با دیگران مدارا کرد.

### ج) ضعف استدلال

کسانی که برای افکار و باورهای خود، دلیلی محکم و محکمه پسند ندارند و می دانند در میدان گفت وگو ناتوانند، می کوشند با ناآرام کردن فضای جامعه، ناتوانی های خود را در پس سخنان و اعمال خشونت آمیز پنهان کنند. آنان که می توانند از باورهای خود دفاع عقلانی و منطقی کنند، خواهان فضایی آرام و صلح آمیزند و با دیگران مدارا می کنند. پیشوایان شیعه بر همین اساس، پیروان خود را به تعامل سازنده با مخالفان دعوت می کردند و یادآور می شدند که روابط نابسامان با مخالفان مذهبی، به سود آنان نیست و سبب منزوی شدنشان خواهد شد. (1) همچنین در اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان خود مشاهده می کردند مخالفان فکری و اعتقادی آنان که قدرت سیاسی نیز دارند، اهل مدارا و گفت وگو نیستند و در گام اول به زور متوسل می شوند. ازاین رو، به شیعیان اعلام می کردند که بنای جنگ با مخالفان اعتقادی خود را

---

1- . نک: بحارالانوار، ج 72، ص 426.

ندارند؛ (1) زیرا یک طبل بدصدا می تواند مانع رسیدن زیباترین نغمه ها به گوش دیگران باشد. بنابراین، تا حد امکان نباید گذاشت این طبل ها به صدا درآیند.

### 3. راه حل

#### الف) ارسال پیام های محبت

صاحبان اندیشه درست و استدلال استوار باید در مقابل کسانی که مدارا نمی کنند، ضمن دفاع قاطع، منطقی و همه جانبه از باورهای خود، برای مخالفان، پیام محبت آمیز بفرستند. اگر یک مذهب، چهره ای خشن داشته باشد و مبلّغ خشونت باشد، مردم از آن خسته می شوند و به زودی تنهایش خواهند گذاشت. مذهبی که با واقعیت های زندگی سازش داشته باشد، پیروانش را پیوسته از معنویت خود بهره مند می سازد و ماندگارتر است. بر همین اساس، پیشوایان شیعه با شیوه های گوناگون از جمله تربیت شاگرد، تشکیل کلاس و برپایی جلسه های مناظره و گفت وگو، از اعتقادات خود، دفاع و پیروانشان را به حفظ آرامش و مدارا با مخالفان سفارش می کردند.

عبدالله بن سنان می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: تقوا پیشه کنید و مردم را علیه خود نشورانید که خوار می شوید. خدای تعالی در کتابش فرمود: «قُولُواْ لِلنَّاسِ حُسْناً.» (بقره: 83) سپس حضرت به شیعیان سفارش کرد به عیادت بیماران اهل سنت بروند، در تشییع جنازه آنان شرکت کنند، نزد قاضی له و علیه آنان گواهی دهند و در مسجدهایشان

---

1- . نک: کافی، ج 2، ص 217.

با آنها نماز بخوانند. (1) حتی از شیعیان خواست به حضور در جماعت آنها بیش از خودِ آنها اهتمام ورزند و خیرخواه و خیرگوی آنان باشند. (2)

حفظ آرامش و اتحاد جامعه اسلامی نزد پیشوایان شیعه به اندازه ای مهم بوده که حضور شیعیان در جماعت اهل سنت را همچون حضور در صف اول جماعت رسول خدا شمرده (3) و برای تشویق آنان به این حضور، یادآور شده اند که به تعداد نمازگزاران آن محل، از گناهانشان کاسته می شود. (4)

این مدارای پیشوایان شیعه نه فقط در امور حقوقی و اجتماعی این دنیا، بلکه در امور اخروی نیز وجود داشت. پیشوای ششم شیعیان، به یارانش سفارش می کرد اگر کسی از دنیا رفته است و شما نمی دانید شیعه بوده یا نه، برای او این گونه دعا کنید: «خدایا اگر او خوبی را دوست داشت و اهل خیر بود، او را بیامرز و از گناهانش بگذر و اگر از افرادی بود که به دلیل نادانی، حقیقت را نمی شناخت، او را از باب شفاعت _ نه از باب ولایت _ بیامرز». (5)

یکی از یاران امام باقر علیه السلام به نام ثابت ابی مقدم نیز می گوید: حضرت همسایه ای غیر شیعه داشت که از دنیا رفت. همراه با ایشان در تشییع جنازه او شرکت کردیم و من نزدیک حضرت بودم و شنیدم که برای آن میت این گونه دعا می کرد:

خدایا! تو اینها را آفریده و میرانده ای و تو آنها را دوباره زنده می کنی. خدایا! تو به درون و بیرون او از همه آگاه تری و از همه حالات او خبر

---

1- . وسائل الشیعه، ج 8، ص 302.
2- . وسائل الشیعه، ج 8، ص 301.
3- . وسائل الشیعه، ج 8، ص 299.
4- . وسائل الشیعه، ج 8، ص 299.
5- . کافی، ج 3، ص 188.

داری. خدایا! این بنده توست و من از او شرّی سراغ ندارم و تو بهتر از همه می دانی. من بعد از مرگش به عنوان شفیع نزد تو آمده ام، اگر سزاوار شفاعت است، شفاعت مرا درباره او بپذیر و با دوستانش محشور کن. (1)

ب) در نظر گرفتن مصالح کلی

گاهی انسان در شرایطی قرار می گیرد که باید از دو امر مطلوب، یکی را انتخاب کند. در این حال، به حکم عقل باید از امر مهم بگذرد و مهم تر را نگه دارد، همان گونه که عموم مردم هنگام خطر، اموال خود را برای حفظ جانشان رها می کنند. در امور اجتماعی، سیاسی و دینی نیز گاهی آدمی مجبور می شود با در نظر گرفتن مصالح کلّی تر، از منافع و مصالح جزئی تر بگذرد. در جامعه اسلامی، وحدت مهم ترین چیزی است که باید حفظ شود و در صورت تعارض، لازم است از منافع دیگر چشم پوشید.

تاریخ شواهد فراوانی دارد که دشمنی و ستم بنی امیه را بر اهل بیت و پیروان آنها آشکار می سازد. حتی یکی از این ستم ها _ مانند حادثه کربلا _ می توانست دلیلی استوار بر دشمنی همیشگی اهل بیت و دوستان آنها با بنی امیه باشد که به سبب آن، از هیچ فرصتی برای آسیب رساندن به دستگاه دشمن روی نگردانند. با این حال، در صحیفه سجادیه می بینیم که حضرت برای مرزداران دعا کرده است، درحالی که آنان سربازان بنی امیه بودند. با وجود این، امام بنا به مصلحت بزرگ تر، یعنی حفظ مرزهای امت مسلمان، خواهان پیروزی آنها بود. امام صادق علیه السلام نیز هنگامی که می دید حاکمان بنی امیه با بیگانگان و غیر مسلمانان درگیرند، به یارانش اجازه می داد برای آنان امکانات جنگی بفرستند. حَکم سراج می گوید: به

---

1- . کافی، ج 3، ص 188.

امام صادق علیه السلام عرض کردم حکم کسی که زین اسب و ابزار آن را به شام می برد، چیست؟ فرمود: اشکال ندارد. شما مثل اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله هستید و اکنون زمان آرامش و آتش بس است. بنابراین، می توانید این ابزار را به آنجا ببرید، ولی اگر درحال جنگ بودیم، کمک به آنها حرام و در حدّ شرک بود. (1) همچنین به علاء بن رزین فرمود: ما با آنها در حال صلحیم. گم شده آنها را برگردانید، امانتشان را باز پس دهید، خونشان را محترم بشمارید، می توانید با آنها ازدواج کنید و ارث بدهید. (2) البته مدارا با کسانی ممکن است که تا اندازه ای از احترام و ادب را برای طرف مقابل نگه دارند، وگرنه اگر مدارا سبب وهن و تحقیر باشد، سزاوار نیست. به همین دلیل، در فتوای پیشوایان شیعه، حکم ناصبی _ کسی که به اهل بیت ناسزا می گوید و اهانت می کند _ جداست و ازدواج با آنها و نماز خواندن به امامت آنها جایز نیست. (3)

### ج) تقیه

اگر انسان در شرایطی قرار گیرد که جان و مال و آبروی او یا انسان های محترم دیگر با خطر جدّی روبه رو شده باشد، به حکم عقل سلیم باید کم هزینه ترین و آسان ترین راه برون رفت از خطر را بیابد و عملی سازد. بنابراین، اگر در شرایطی، اظهار فکر و اعتقاد، خطر جدّی برای انسان داشته باشد، از نظر عقلی و شرعی می تواند اعتقادات خود را پنهان یا خلاف آن را اظهار کند و از خطر برهد. این عمل که تقیه نام دارد، به ایمان قلبی انسان آسیبی نمی رساند؛ زیرا همان گونه که اظهار ایمان بدون ایمان قلبی از نظر معنوی سودمند نیست، اظهار بی ایمانی فقط به صورت

---

1- . کافی، ج 5، ص 113.
2- . شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 472.
3- . وسائل الشیعه، ج 8، ص 302.

زبانی، برای ایمان زیانی ندارد، بلکه بدان دلیل که نوعی دفاع از ایمان در مقابل هجوم دشمن است، امری پسندیده نیز هست. عمار یاسر که از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، به دست مشرکان شکنجه می شد تا از ایمانش به اسلام دست بردارد. او که شاهد شهادت پدر و مادرش به همین دلیل و روش بود، به زبان اظهار کفر کرد و رها شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله کار او را پسندید و تأیید کرد. (1)

تقیه فقط هنگام خطر جانی نیست. گاه کسی اعتقادی دارد و در صحت آن نیز هیچ تردیدی ندارد، ولی می بیند چنانچه باورهایش را به زبان آورد، مخاطبانش حرف او را نمی فهمند و از سر نادانی به دشمنی برمی خیزند و _ هرچند نتوانند به جان او آسیبی برسانند _ آرامش جامعه را برهم می زنند. از این رهگذر، نه تنها سودی حاصل نمی شود، بلکه دود آن به چشم هدایت خواهان نیز می رود. در این صورت نیز عقل حکم می کند که اعتقاد خود را اظهار نکند و بکوشد ابتدا زمینه فهم مردم را فراهم آورد و آنگاه سخن بگوید. بر همین اساس، گاهی امام صادق علیه السلام به تناسب اوضاع و احوال موجود، فتوای خود را تغییر می داد و می فرمود همواره به آخرین فتوا عمل کنید که سود من و شما در آن است. (2)

برخی گویندگان و نویسندگان، اعتقاد شیعیان به تقیه را نوعی نفاق تفسیر می کنند، درحالی که تقیه نوعی تدبیر و مدیریت فرهنگی است. تقیه بدین معناست که گوینده، با در نظر گرفتن ظرفیت فهم مخاطبان، از بیان مطالبی که ذهن آنان را آشفته می سازد، خودداری کند؛ زیرا در غیر این صورت، هم سخن گوینده تباه می شود و هم ممکن است به دلیل

---

1- . کافی، ج 2، ص 219.
2- . کافی، ج 2، صص 218 و 219.

شعله ور شدن آتش احساسات و به وجود آمدن تشنج اجتماعی، مخاطبان فرصت فهم سخن حق را در آینده هم از دست بدهند. بنابراین، تقیه ای که امامان شیعه سفارش کرده اند، نوعی فرصت آفرینی و محبت به مخالفان فکری نیز هست.

### د) عمل به منطوق اقوال

گاهی در یک مذهب، اعتقادی وجود دارد که اگر به صورت منطقی و کلامی تحلیل شود، نتایج آن برای خود پیروان آن مذهب هم پذیرفتنی نیست. دیگران نیز باید به باورهای منطوق (و نه مفهوم) آنها استناد کنند و بحث های علمی را به محافل علمی واگذارند. برای مثال، اگر در مذهبی این اعتقاد وجود دارد که خداوند در قیامت دیده می شود، نباید سریع نتیجه گرفت که چون بر اساس تحلیل عقلی، آنچه دیده شود، جسم و محدود است، پس پیروان این مذهب، خدا را جسم و دارای حد می دانند و در نتیجه، کافر و اهل دوزخند. درحالی که عالمان آن مذهب رؤیت را به گونه ای خاص تفسیر می کنند و به جسمانیت خداوند قائل نیستند.

مثال دیگر، مسئله قرآنی شفاعت است که گروهی از مسلمانان معتقدند افرادی به اذن خدا می توانند واسطه جلب رحمت الهی باشند. گروهی دیگر از مسلمانان این باور را هم سنگ شرک می پندارند، درحالی که گروه نخست به هیچ عنوان، نقش مستقلی برای شفیعان قائل نیستند. همچنین در موضوع تحریف قرآن، برخی علمای اهل سنت معتقدند که برخی آیات قرآن به دست ما نرسیده است. در برخی از روایات شیعه نیز چنین مطلبی آمده است، ولی در هیچ کدام از مذاهب، این امر مورد توافق همگان نیست و مخالفان جدّی دارد. البته معتقدان

به تحریف نیز همین قرآن کنونی را قبول دارند و آن را مستند احکام خود قرار می دهند؛ یعنی در سخن و عمل به دستورهای قرآن پای بندند و نباید آنان را به دلیل پذیرش یک نظریه، به کفر محکوم کرد.

تکفیر مسلمانی که به خدا و پیامبر ایمان دارد و رو به قبله نماز می گزارد، کار ساده ای نیست. تکفیر به دنبال خود، خشونت، منع ارث، فسخ زوجیت، نداشتن جواز دفن در قبرستان مسلمانان و... می آورد و سبب قتل و ویرانی می شود، چنان که برخی ارباب فتوا با متهم کردن شیعیان به کفر _ هرچند شهادتین بگویند و نماز و روزه و حج داشته باشند _ سبب کشته شدن بسیاری از مردم عراق و ویرانی حدود 140 (1) مرکز دینی شیعه در عراق شده اند. درحالی که بزرگانی چون غزالی و ابن تیمیه تکفیر را جایز ندانسته اند. امام محمد غزالی می گوید:

تا آنجا که ممکن است باید از تکفیر مسلمان جلوگیری شود؛ زیرا مباح دانستن خون و اموال نمازگزاران به سوی قبله و اقرارکنندگان به توحید خطاست و خطا در زنده گذاشتن هزار کافر، سبک تر از خطای ریختن خون یک مسلمان است (2).

ابن تیمیه نیز می گوید:

همه صحابه و دیگر ائمه مسلمین اجماع دارند کسی که سخنی می گوید، هرچند سخنش اشتباه و مخالف سنت باشد، نمی شود او را تکفیرکرد. (3)

---

1- . بر اساس آمارها تا پایان سال 1385، 56 مرقد از مرقدهای اهل بیت و 78 حسینیه به فتوای برخی از علمای اهل سنت سعودی تخریب شده است. شبکه الانباء المعلوماتیه، الاربعا 21شباط/ صفر 1428http://www.annabaa.org .
2- . عبدالله بن بیه، التکفیر الوجه الثانی للحرب عن الامه الاسلامیه. www.alwhdah.com 11/5/2006 .
3- . عبدالله بن بیه، التکفیر الوجه الثانی للحرب عن الامه الاسلامیه. www.alwhdah.com 11/5/2006 .

کاشف الغطا نیز در کنفرانس وحدت که سال 1350 ه_.ق در بیت المقدس برگزار شد، ضمن برحذر داشتن مسلمانان از تکفیر یکدیگر، گفت:

یاران پیامبر، به ویژه پس از رحلت آن حضرت، در بسیاری از مسائل با یکدیگر اختلاف داشتند، ولی وحدتشان به هم نخورد؛ همه پشت سر یک امام جماعت نماز می خواندند و هرگز گروهی، دیگری را متهم به کفر نمی کرد. به همین خاطر، اسلام در نیم قرن بر شرق و غرب جهان سایه افکند. (1)

ه_) داوری نکردن بر اساس باورهای عوام

گاه پیروان عامی یک مذهب، باورها و رفتارهایی دارند که با منابع اصیل و نظر عالمان آن مذهب سازگار نیست. این باورها، سینه به سینه، از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و با بهره گیری انگلی از دین یا مذهب واقعی، به حیات خود ادامه می دهد. این وابستگی گاه چنان شدید است که تنها از چشم نکته سنج کارشناس دین دور نمی ماند. کسی که در مقام داوری قرار دارد، باید بتواند این دو را تمیز دهد و حسابشان را از یکدیگر جدا سازد. بنابراین، نه می توان حکم ناصبی ها را به اهل سنت نسبت داد و نه حکم غلات را بر شیعه روا داشت. در این میان، وظیفه علمای مذاهب آن است که با زدودن خرافات و باورهای غیر اصیل از ذهن و اجتماع مردم، امکان لغزش داوران را کاهش دهند و راه وحدت را هموارتر سازند.

و) محور قرار دادن خوش گمانی

---

1- . به نقل از: سایت دار التقریب www.taghrib.ir.

اسلام تأکید فراوان دارد که مسلمانان به یکدیگر خوش گمان باشند و اعمال همدیگر را حمل به صحت کنند. بنابراین، پیروان هر مذهب، بدون داشتن دلیل حکم نباید اعمال مسلمانان دیگر را به لجاجت یا نفاق تفسیر کنند. برای مثال، گفتن «صدق الله العظیم» قاریان اهل سنت را نباید لجاجت و دشمنی با عقاید شیعه دانست و به گفته دکتر یوسف قرضاوی _ رئیس اتحادیه جهانی علمای مذاهب _ اهل سنت اعمال نیک شیعه را به تقیه تفسیر نکنند. (1) همچنین برای ایجاد فضای مناسب، در کنار بیان اختلاف ها و عیب ها باید از مشترکات و خوبی ها یاد کرد.

دسته چهارم _ اختلاف های ناشی از تفرقه افکنی بیگانگان

1. بیان اختلاف

در نظام سیاسی جهان، همواره برخی دولت ها به دلیل توانایی های اقتصادی و برتری های نظامی، در پی تسلط بر ملت های دیگرند. آنان برای حفظ قدرت و برتری خود، دیگران را ضعیف و عقب مانده نگه می دارند. اگر جمعیتی بخواهد قدرتی برای خود دست و پا کند، استعمارگران انواع فشارها را بر آنها وارد می کنند تا قدرتشان بشکند. برای این منظور، حمله نظامی به دلیل هزینه های بالای مادی، انسانی و حیثیتی، آخرین راه حل نظام های قدرت طلب است، ولی اختلاف افکنی در جامعه مورد نظر، به دلیل هزینه کمتر و سود بیشتر برای آنان، همراه در دستور کارشان قرار دارد؛ زیرا اختلاف در یک جامعه، نیروهای آن جامعه را بی حاصل می سوزاند و همان نتیجه ای که بیگانگان می خواهند،

---

1- . یوسف القرضاوی، مبادی فی الحوار و التقریب بین المذاهب الاسلامیه،www.alwhdah.com .

حاصل می شود. کشورهای اسلامی با وجود نیروی انسانی فراوان و ذخایر سرشار بالقوه می توانند نیرویی مطرح در سطح جهانی باشند، ولی به دلیل اختلاف های سیاسی، قومی و بیش از همه مذهبی، بیشتر ضعیف و زیر سلطه بیگانگان هستند.

### 2. ریشه اختلاف

محور اصلی فعالیت کشورهای قدرتمند و بیگانه در روابطشان با کشورهای دیگر، سودجویی و به دست آوردن منافع مادی بیشتر است. آنان به دلیل پایبندی به اصول انسانی و اخلاقی، برای رسیدن هدفشان حاضرند از هر ابزاری، از جمله ایجاد تفرقه در ملت های دیگر بهره گیرند. بیگانگان آنگاه در این راه موفق می شوند که مسلمانان از روی ناآگاهی، زمینه های رشد بذر تفرقه آفرین آنان را در میان خود نخشکانده باشند.

بنابراین، قدرت و اقتدار جوامع اسلامی، به سه شیوه از سوی بیگانگان تهدید می شود. گاهی قوای نظامی بیگانه به کشورهای اسلامی هجوم می آورند و سرزمین آنها را به کلی اشغال می کنند. گاهی کسانی در داخل کشور با حمایت مالی از سوی بیگانگان، به منافع آنان خدمت می کنند. گروه سوم، کسانی هستند که به دلیل نداشتن بینش کافی، با ایجاد تفرقه و تشنج در جامعه، ناخواسته به تحقق اهداف بیگانگان کمک می کنند و خدمت ناآگاهانه آنان به دشمنان خارجی، گاه سودمندتر از خدمت مزدوران رسمی آنهاست.

### 3. راه حل

#### الف) آمادگی نظامی

برای برطرف کردن تهدید اول، بنا بر آنچه در قرآن کریم آمده است، مسلمانان باید به اندازه ای نیرو و تجهیزات نظامی داشته باشند و به رخ دشمنان بکشند که آنان جرئت هجوم به مرزهای اسلامی را نداشته باشند. برای این آمادگی، آنها باید هزینه های لازم را بپردازند و اجازه ندهند به هیچ عنوان، قدرتشان به ضعف بدل شود.

وَأَعِدُّوا لَهُم مَااستَطَعْتُم مِن قُوَّةٍ وَمِن رِبَاطِ الْخَيلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لاَتَعْلَمُونَهُمُ اللّهُ يعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَى ءٍ فِى سَبِيلِ اللّهِ يوَفَّ إِلَيكُمْ وَأَنْتُمْ لاَتُظْلَمُونَ. (انفال: 60)

و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان _ که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد _ بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید، پاداشش به خود شما بازگردانده می شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

در تاریخ صدر اسلام می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از دریافت گزارش هایی درباره برخی فعالیت های خصمانه سپاهیان روم در مرزهای کشور اسلامی آن روز، لشکری به منطقه مُوتَه اعزام کرد. برخی از بزرگان صحابه، از جمله پسر عموی پیامبر _ جعفر طیار _ در این درگیری با رومیان به شهادت رسیدند. مدتی بعد نیز با وجود تلاش منافقان برای کودتا در مدینه، لشکری به فرماندهی خود پیامبر به مرزهای روم در تبوک رفت و پس از نمایش قدرت، بدون درگیری به مدینه بازگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله در واپسین روزهای حیات نیز نگران مرزهای اسلامی مجاور روم بود و بر اعزام لشکری به فرماندهی اسامه بسیار تأکید داشت. این سپاه در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل اختلاف های داخلی از اعزام بازماند، ولی اندکی بعد، به فرمان خلیفه نخست، به همان نواحی

اعزام شد. یکی از دلایل سکوت و گذشت امام علی علیه السلام در ماجرای خلافت که آن را حق خود می دانست، این بود که می دید اگر با حکومت ابوبکر درگیر شود، از آمادگی نظامی مسلمانان در برابر دشمن خارجی کاسته می شود و دشمنان فرصتی به دست خواهند آورد که نظام جامعه اسلامی را نابود سازند.

### ب) شناخت نقشه های اختلاف آفرین داخلی و مقابله با آنها

#### اشاره

شناخت نقشه های اختلاف آفرین، مهم ترین اقدام برای بی اثر کردن تهدیدهای نوع دوم است که در ادامه، به برخی از این نقشه ها اشاره خواهد شد.

#### یک _ بزرگ نمایی اختلاف

یکی از شیوه های دشمنان داخلی برای ضعیف کردن مسلمانان، بزرگ نمایی اختلاف های گروه های مسلمان است. آنان با بزرگ کردن این اختلاف ها، به آنها دامن می زنند. نقل است روزی مردی یهودی با اشاره به اختلاف های مسلمانان بر سر جانشینی پیامبر، در کلامی سرزنش آمیز به امام علی علیه السلام گفت: پیامبر خود را به خاک نسپرده، درباره اش دچار اختلاف شدید. حضرت که متوجه فتنه گری و تشدید اختلافِ نهفته در این سخن شده بود، به آن یهودی پاسخ داد:

ما درباره آنچه از او رسیده است، دچار اختلاف شدیم، نه درباره او، ولی شما پایتان از تری دریا خشک نشده، پیامبر خود را گفتید برای ما خدایی بساز، چنان که ایشان را خدایان است و او گفت شما مردمی نادانید. (1)

---

1- . نهج البلاغه، حکمت 317.

معلوم می شود یهودیان با بزرگ نمایی اختلاف مسلمانان، آن را دست مایه تحقیر اسلام و توهین به آن قرار داده بودند و امیر مؤمنان، علی علیه السلام با اشاره به نقطه اشتراک مسلمانان درباره خود پیامبر، خالصانه به پاسداشت وحدت مسلمان در برابر فتنه گران غیرمسلمان پرداخت.

### دو_ دوستی منافقانه

گاهی اختلاف افکنی فتنه گران در جامعه اسلامی به قدری زیرکانه و در قالب دوستی و دل سوزی صورت می گیرد که شناسایی آن برای بسیاری مشکل است. بنا بر گواهی تاریخ، ابوسفیان، فرمانده سپاه شرک، تا آخرین توان به مقابله نظامی با پیامبر و حکومت اسلامی مدینه ادامه داد و تنها پس از قطعی شدن سقوط مرکز حکومتش، ناچار به تسلیم شد.

او و یارانش در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله فرصت چندانی برای دشمنی نیافتند، ولی با مشاهده اختلاف امام علی علیه السلام و ابوبکر در ماجرای خلافت، با حیله گری تمام، همراه عباس، عموی پیامبر که در جامعه آن روز اعتباری داشت، نزد امام آمدند و خواستند با او بیعت کنند. مقصود ابوسفیان از بیعت، ایجاد جنگ داخلی در میان مسلمانان بود و خود او در این مجلس گفته بود آتشی که برپا شده است، تنها با خون فروکش می کند. به این منظور، برای تحریک احساسات قبیله ای، خطاب به فرزندان عبد مناف می گفت: چطور شما ریاست ابوبکر را بر خود تحمل می کنید؟ وی با ظاهری دل سوزانه اظهار می داشت که به علی و عباس ستم شده است و آنها زیردست گردیده اند. سپس به امام علی علیه السلام گفت: دست بگشا تا با تو بیعت کنم و همه جا را برای یاری ات، از اسب و مرد پر سازم. حضرت که دریافته بود ابوسفیان برای التیام بخشیدن زخم ها و

کینه هایی که از اسلام بر دل و جان دارد و به قصد دامن زدن بر اختلاف های مسلمانان چنین پیشنهادی داده است، با قاطعیت آن را رد کرد. (1)

در همین جلسه یا جلسه ای دیگر، که غیر از عباس و ابوسفیان کسان دیگری مانند زبیر نیز حضور داشتند، آنها به گونه ای سخن گفتند که از آن لزوم قیام و نبرد علیه ابوبکر فهمیده می شد. امام آنان را به صبر و تقوا دعوت کرد و فرمود: «امواج فتنه را با کشتی های نجات در هم بشکنید و از اختلاف دوری گزینید.» سپس با کنایه به آنان فهماند که یاوران شایسته و راستینی برای حضرت نیستند. بعد از این سخن، حضرت برخاست و به داخل منزل رفت و جمعیت پراکنده شدند. (2)

شیوه اختلاف افکنی ابوسفیان را بعدها فرزندش، معاویه نیز دنبال کرد. او با زیرکی تمام، مسلمانان شام را از دیگر مسلمانان جدا ساخت و میانشان دشمنی و جنگ ایجاد کرد، ولی امیر مؤمنان به منظور حفظ وحدت امت اسلامی می فرمود:

ما و مردم شام، خدا و دین واحد داریم، اختلاف ما در یک چیز و آن هم قتل عثمان است که ما در آن دخالتی نداشتیم و خودشان به او کمک نکردند. (3)

حضرت علی علیه السلام در ماجرای صفین نیز تا آنجا که ممکن بود، جنگ را به تأخیر انداخت تا اختلاف مسلمانان با ریخته شدن خونشان عمیق تر نشود و معاویه بود که خواستار جنگ بود.



---

1- . شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 222.
2- . نهج البلاغه، خطبه 5؛ شرح ابن ابی الحدید، ج 1، ص 218.
3- . نهج البلاغه، نامه 58.

گاهی دشمنان، هجوم به مرزهای اسلامی را به شیوه ای فرهنگی و با ظاهری دینی انجام می دهند. تشخیص و دفع این هجوم، به عهده مرزبانان فرهنگی و عالمان دینی است. دشمن، بیدار و منتظر غفلت مرزبانان فرهنگی جامعه اسلامی است، چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ نامَ لمَ یُنَم عَنْه؛ هرکه به خواب رود، دشمن او نخواهد خوابید». (1)

نمونه ای از این دست هجوم را در این روایت می توان نشان داد. ابراهیم بن ابی محمود می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم برخی اخبار در فضایل اهل بیت از مخالفان شما رسیده است که مشابه آنها را از زبان خود شما نشنیده ایم. آیا آنها را بپذیریم؟ حضرت فرمود:

... مخالفان ما سه دسته خبر در فضایل ما جعل و منتشر می سازند. در برخی از این اخبار و روایات، درباره مقام ما غلو می کنند. در پاره ای دیگر، ما را کمتر از آنچه هستیم، معرفی و در حق ما کوتاهی می کنند و در بعضی از روایات و اخبارشان، به دشمنان ما به روشنی اهانت شده است. وقتی مردم اخبار غلوآمیز را بشنوند، شیعیان ما را تکفیر می کنند که اهل بیت پیامبر را ربّ خود قرار داده اند. هرگاه اخباری که در آنها در حق ما کوتاهی شده را بشنوند به همان معتقد می شوند و وقتی اخبار حاوی اهانت آشکار به دشمنان ما را بشنوند، اسم ما را می برند و اهانت می کنند... . (2)

وجود چنین روایاتی از یک طرف سبب می شود سازندگان این روایت ها، از آنها همچون چماقی برای کوبیدن مخالفانشان استفاده کنند. از سوی دیگر، مؤمنان که از نیت های شوم سازندگان این روایت ها خبر

---

1- . نهج البلاغه، نامه 62.
2- . بحارالانوار، ج 26، ص 240.

ندارند، هرکدام با تمسک به بخشی از این اخبار، معتقدان به خبر دیگر را به بددینی و کفر متهم می کنند و بدین گونه تنور کینه و اختلاف داغ تر می شود. (1)

در متون اهل سنت نیز مدح و ستایش های بسیار مبالغه آمیزی درباره خلفا نقل شده که در انحراف مخاطبان از حقیقت نقش مهمی داشته است. از جمله ابن عساکر از مجاهد روایت کرده است: «این حدیث زبانزد همه ما بود که شیطان ها در عهد خلافت عمر، به زنجیر کشیده شده بودند (یعنی نمی توانستند کسی را فریب بدهند) و چون عمر _ به شمشیر ابولؤلؤ _ مجروح شد، رها و در میان مردم پراکنده شدند». (2)

همچنین همین نویسنده در کتابش آورده است که پس از فتح مصر به دست سپاه اسلام، روزی مردم این سرزمین نزد عمرو عاص که از طرف خلیفه، والی آن دیار بود، آمدند و گفتند: ای امیر! رود نیل را هر ساله عادت بر این است که چون یازده شب از فلان ماه از ماه های فارسی بگذرد، از جریان بایستد و تا برنامه معینی اجرا نشود آب رود جاری نگردد و آن برنامه این است که دختری باکره را انتخاب کنیم و جامه های گران بها و زر و زیور بسیار به وی بپوشانیم و پدر و مادرش را راضی کنیم که در پیش چشم آنها آن دختر را در رود نیل بیفکنیم تا آب رود به جریان افتد. عمرو گفت: اسلام اجازه چنین کاری را نمی دهد و هر آنچه را برخلاف قانونش باشد، نابود می سازد.

---

1- . داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان را به خاطر تعصب، می کشت در این خصوص خواندنی است. این داستان در دفتر اول مثنوی مولانا آمده است.
2- . ابن عساکر، تاریخ الخلفا، ص 134.

مردم مصر که از اجرای این برنامه باز مانده بودند، مدتی منتظر ماندند که کار به کجا می انجامد، ولی چون دیدند رود نیل همچنان از جریان باز ایستاده و حتی اندکی از آن هم جاری نمی شود، تصمیم گرفتند ترک وطن کنند و برای ادامه زندگی به جای دیگر و کشور دیگر پناه برند. استاندار چون وضع را چنین دید، ماجرا را در نامه ای به خلیفه خبر داد. خلیفه (عمر) در پاسخ، کار استاندار را تأیید کرد و تذکر داد که در میان نامه، نسخه ای است؛ آن را در میان رود نیل بیفکن که گره کار شما با این نسخه گشوده خواهد شد. چون نامه عمر به عمروعاص رسید و نسخه ای را که در میان نامه بود، گشود، دید نوشته است: «از طرف بنده خدا، عمر بن خطاب، امیرالمؤمنین، به نیل مصر: اما بعد، اگر تو به اختیار و اراده خودت جاری می شده ای، پس جاری شو و اگر خداوند تو را جاری می کرده، از خداوند واحد قهار می خواهم که تو را روان سازد.» عمروعاص آن نسخه را در میان رود نیل افکند و رود بی درنگ جاری شد و دیگر آن ماجرا تکرار نشد. (1)

### چهار _ تبدیل تفاوت به اختلاف

جامعه بشری از اقوام و نژادهای گوناگونی تشکیل شده است. این تفاوت ها به خودی خود، امری طبیعی و عادی است، ولی گاهی به دلیل خودخواهی های بی اساس و نادانی برخی افراد، به اختلاف و تنش قومی و نژادی تبدیل می شود. زمینه ساز این اختلاف ها، بیگانگانی هستند که منافع خود را در تفرقه میان مردم می یابند. استعمارگران با استفاده از افراد

---

1- . ابن عساکر، تاریخ الخلفا، ص 140.

مغرض یا نادان در جوامع اسلامی، تفاوت های قومی را به اختلاف های قومی تبدیل می کنند. تأکید بر پان عربیسم و پان ترکیسم و از این قبیل و ترویج اهانت اقوام دیگر به یک قوم یا منطقه در قالب شوخی و مزاح، از برنامه های مخفی استعمارگران است. امام خمینی رحمه الله سال ها پیش درباره این گونه نقشه ها هشدار داده و فرموده است:

... نقشه های قدرت های بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که قشرهای مسْلِم را که خداوند تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده است و مؤمنان را به اخوت یاد فرموده است، از هم جدا کنند و به اسم ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب، ملت فارس، از هم جدا، بلکه با هم دشمن کنند و این درست برخلاف مسیر اسلام و مسیر قرآن کریم است. تمام مسلمین با هم برادر و برابر [هستند] و هیچ یک از آنها از یکدیگر جدا نیستند و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند. (1)

برای کاهش این اختلاف ها لازم است دست اندرکاران فرهنگی و سیاسی در جوامع اسلامی به چند نکته توجه ویژه داشته باشند:

اول ـ میان اقوام تبادل فرهنگی صورت گیرد. تقویت زمینه های گردشگری، تبادل دانشجو و استاد از اقوام گوناگون و همانند آن، در این مورد بسیار کارساز است. اقلیت های قومی و مذهبی در یک کشور، بیشتر اوقات تصور می کنند که اکثریت حاکم، به دلیل دشمنی با قوم یا مذهب آنان، منطقه محل سکونتشان را محروم تر از دیگر نقاط کشور نگه داشته است. بیگانگان نیز این اندیشه را تقویت می کنند. با تقویت گردشگری و

---

1- . صحیفه نور، ج 12، ص 122. کسینجر، از نظریه پردازان امریکایی، بعد از جنگ 33 روزه لبنان، به دولت های غربی توصیه کرد به اختلافات شیعه و سنّی دامن بزنند و تنها در این صورت است که خطر مسلمانان برای غرب کاهش می یابد. با همین نگاه، خطر محوریت شیعه را به اهل سنت القا می کنند. نک: http://shiah2.mihanblog.com/post15.aspx .

اطلاع رسانی از وضع دیگر مناطق، اقلیت ها متوجه باطل بودن این تصور خواهند شد و این سلاح دشمن، خطر خود را از دست می دهد.

دوم _ حقوق اقلیت ها رعایت شود. اگر حقوق اقلیت های قومی و مذهبی در جامعه ای به شایستگی پرداخت نشود و آنها شهروند درجه دو تلقی شوند، برای ماندگاری خود، بر تعصب های قومی و مذهبی خویش می افزایند و راه خود را از بقیه مردم جدا می کنند. درحالی که اگر با آنها نیز همانند بقیه مردم رفتار شود، تفاوت ها و فاصله های مذهبی کاهش خواهد یافت. ازاین رو، برای ایجاد وحدت، رفع هرگونه تبعیض از اقلیت ها امری ضروری است. البته باید توجه داشت که رفع تبعیض، به تبعیض وارونه تبدیل نشود؛ زیرا گاهی به منظور جبران تبعیض های گذشته برای یک اقلیت، امتیازهایی برای آنان در نظر گرفته می شود که ابتدا سودمند به نظر می رسد، ولی از آنجا که این رفع تبعیض، تشریفاتی و مصنوعی است، سبب ترفیع غیرواقعی آن اقلیت می شود. این ترفیع بی اساس، از یک سو، خود آن گروه را در راه رسیدن به لیاقت واقعی متوقف می سازد و از سوی دیگر، دیگران را که احساس کرده اند به آنها ستم شده است، به واکنش منفی و تحقیر گروه اول وامی دارد. بنابراین، رفع تبعیض، تنها با فراهم ساختن زمینه های پیشرفت واقعی افراد و اقوام امکان پذیر است.

ص:103

## فصل پنجم: وظیفه رسانه ها برای تقویت انسجام اسلامی

### اشاره

نقش بسیار پررنگ و مؤثر رسانه های نوشتاری، دیداری و شنیداری در شکل دهی به اندیشه و فرهنگ مردم در جهان امروز بر همگان آشکار است. کار رسانه ها تنها یک خبررسانی ساده نیست. آنها، هم می توانند برای ملت ها صلح و دوستی به ارمغان آورند و هم سبب نفرت و دشمنی شوند.

در این فصل، پاره ای از کارکردهای رسانه ها به ویژه رسانه ملی صدا و سیما و وظایف دست اندرکاران آن برای ایجاد و تقویت وحدت و انسجام مسلمانان بیان می شود.

### 1. یادآوری پی آمدهای اختلاف

#### اشاره

بسیاری از اوقات، افراد یا گروه ها متوجه پی آمدهای مثبت یا منفی گفتار و رفتار خود نیستند و چه بسا اگر متوجه شوند، با دل گرمی بیشتر به کار مفید خود ادامه دهند یا رفتارهایی را که پی آمد منفی دارد، ترک کنند. رسانه می تواند با یادآوری پی آمدهای منفی اختلاف در جوامع اسلامی، مسلمانان را به دوری از تفرقه تشویق کنند. برخی از این پی آمدها عبارتند از:

الف) از دست رفتن عزت و شوکت مسلمانان

مسلمانان صدر اسلام به دلیل اتحاد و پیوند ناشی از ایمان، توانستند با سرعت صاحب نام و عظمت شوند و در مناطق مختلف جهان حضور مقتدرانه یابند. از وقتی میان آنان اختلاف افتاد و هر مذهب، نیروی خود را صرف مقابله با مذهب دیگر کرد، عظمت آنان از دست رفت و دیگران به چشم حقارت به آنان نگریستند.

در کتاب های سیره آورده اند که علت شکست مسلمانان در نبرد احد، غفلت کمان داران و چشم داشت آنها به غنایم و در نتیجه، سرپیچی از دستور مؤکد رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ماندن در محل تنگه بود. خداوند در قرآن کریم با اشاره به این واقعه تاریخی می فرماید:

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِى الْأَمْرِ وَعَصَيتُم مِن بَعْدِ مَا أَرَاكُم مَا تُحِبُّونَ مِنكُم مَن يرِيدُ الدُّنْيا وَمِنكُم مَن يرِيدُ الآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيبْتَلِيكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنكُمْ وَاللّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ. (آل عمران: 152)

و [در نبرد احد] قطعاً خدا وعده خود را با شما راست گردانید، آنگاه که به فرمان او، آنان را می کشتید؛ تا آنکه سست شدید و در کار [جنگ و بر سر تقسیم غنایم] با یکدیگر به نزاع پرداختید و پس از آنکه آنچه را دوست داشتید، [یعنی غنایم را] به شما نشان داد، نافرمانی کردید. برخی از شما دنیا و برخی از شما آخرت را می خواهند. سپس برای آنکه شما را بیازماید، از [تعقیب] آنان منصرفتان کرد و از شما درگذشت و خدا نسبت به مؤمنان، باتفضل است.

برخی مفسران گفته اند مقصود از «تنازعتم فی الامر» در این آیه، نزاع کمان داران بر سر این مسئله بوده است که در محل خود بمانند یا آنجا را ترک کنند. خدای تعالی می فرماید: «پس از این اختلاف بود که خداوند پیروزی را

نصیب شما نکرد، درحالی که ابتدا و تا وقتی با هم بودید، خداوند یاری تان کرد و پیروز شدید». (1)

در تفسیر گازر، اختلاف مسلمانان در ماجرای احد، علت شکست آنان معرفی و اشاره شده است که اگر مسلمانان با شکیبایی جلو اختلاف ها را می گرفتند، هرگز شکست نمی خوردند. (2) امام علی علیه السلام نیز در خطبه معروف قاصعه _ با توجه به همین واقعیت _ بعد از سفارش مردم به پند گرفتن از آنچه بر امت های گذشته رفته است، می فرماید:

بنگرید آنها چگونه بودند هنگامی که جمعیتشان متحد، خواسته ها متفق، قلب ها و اندیشه ها معتدل، دست ها پشتیبان هم، شمشیرها یاری کننده یکدیگر، دیده ها نافذ و عزم ها و مقصودهاشان همه یکی بود. آیا آنها مالک و سرپرست اقطار زمین نگردیدند؟ آیا زمامدار و رئیس همه جهانیان نشدند؟ از آن طرف به پایان کار آنان نیز بنگرید آن هنگام که پراکنده شدند، الفتشان به پراکندگی گرایید، اهداف و دل ها اختلاف پیدا کرد، به گروه های متعدد تقسیم شدند و در عین پراکندگی، با هم به نبرد پرداختند. در این هنگام، خدا لباس کرامت و عزت را از تنشان بیرون کرد و وسعت نعمت را از آنان گرفت... . (3)

حضرت سپس به مسلمانان هشدار می دهد که آنها نیز شیوه تفرقه را در پیش گرفته اند و اگر این مسیر را ادامه دهند، دست یاری خداوند از آنها برداشته خواهد شد.

ب) هدر رفتن امکانات و توانایی های مسلمانان

---

1- . تفسیر منهج الصادقین، ج 2، ص 364.
2- . ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی، تفسیر گازر، ج 4، ص 6.
3- . نهج البلاغه، خطبه 192.

شرکت هایی که کالاهای مختلف، به ویژه کالاهای تجملی و مصرفی تولید می کنند، با تبلیغات پیش از تولید، ذهن مردم را برای خرید آن کالاها آماده می سازند. این شیوه در امور سیاسی نیز اجرا می شود. بر همین اساس، دستگاه های تبلیغاتی کشورهای استعمارگر، ابتدا افکار عمومی مردم خود و دیگر ملل جهان را برای پذیرش دخالت ستمگرانه خویش در امور کشورهای دیگر، با خویش همراه می سازند. یکی از این شگردهای تبلیغاتی، بزرگ نمایی دشمن یا حتی دشمن تراشی است. پیش از سقوط شوروی، غربی ها به ویژه سیاست مداران امریکا، به بزرگ نمایی دشمنی این کشور با خود می پرداختند. پس از سقوط شوروی، اکنون جهان اسلام را دشمن فرض کرده اند و پیوسته افکار عمومی دنیا را علیه مسلمانان می شورانند. سپس خود را قهرمان مبارزه با این دشمن معرفی و اهداف اقتصادی و غارتگرانه خود را پشت این قهرمان بازی ها پنهان می کنند. به همین دلیل، در حال حاضر، نه یک کشور، بلکه جهان اسلام با خطری جدّی روبه روست. مسلمانان با داشتن نیروی انسانی کافی و امکانات مادی و معنوی فراوان بالقوه می توانند به راحتی این خطر را از سر بگذرانند، ولی تفرقه و نزاع های مذهبی و قومی، امکان بهره وری مناسب از این امکانات و توان مندی ها را از آنان گرفته است. این منابع و سرمایه های سرشار که باید راه را بر بیگانگان و استعمارگران ببندد و فقر را از جوامع مسلمان بزداید، متأسفانه یا در نزاع ها و اختلاف های مذهبی و قومی می سوزد و از میان می رود، یا به شکل مسابقات تسلیحاتی میان کشورهای اسلامی، به حساب کارخانه های اسلحه سازی غرب سرازیر می شود. آمارها نشان می دهند توان و

امکاناتی که مسلمانان به دلیل اختلاف های داخلی از دست داده اند، به مراتب، بیشتر از خسارت هایی است که دشمنان خارجی به آنها وارد کرده اند. روزنامه الاهرام مصر به نقل از مرکز مطالعات استراتژیک نوشت:

در پنجاه سال گذشته، تعداد مسلمانانی که در حمله های اسرائیل به شهادت رسیده اند، دویست هزار نفر بوده است، درحالی که تعداد مسلمانانی که در اختلاف های داخلی مسلمانان کشته شده اند، دو میلیون و پانصد هزار نفر بوده است. همچنین آنان در نبرد با اسرائیل، سیصد بلیون دلار خسارت مالی دیده اند، ولی در اختلاف های داخلی 2/1 تریلیون دلار خسارت متحمل شده اند. (1)

### ج) ناتوانی درتصمیم گیری مناسب

وجود اختلاف و نزاع دینی، در شرایط عادی شاید چندان مشکل ساز به نظر نیاید، ولی هنگام پیدایش خطر و هجوم دشمن مشترک، قدرت تصمیم گیری را از رهبران جامعه اسلامی می گیرد. در چنین شرایطی، هر گروه می کوشد خواسته های خود را به دیگران تحمیل کند. این پراکندگی عقاید، موضع دشمن را تقویت و سرانجام، سود نهایی را نصیب آنان خواهد کرد. در ماجرای نبرد صفین، به دلیل اختلافی که میان سپاهیان امام علی علیه السلام پیش آمد، قدرت تصمیم گیری از اختیار آن حضرت خارج شد و برتری جویی های قبیلگی برخی افراد در تعیین حکم، سرانجام ماجرا را به نفع لشکر مقابل ورق زد. ازاین روست که امام علی علیه السلام می فرمود: «الخلاف یهدم الرای؛ اختلاف، تصمیم گیری را نابود می کند». (2)

---

1- . مرتضی علی الباشا، مذاکرات فی التقریب و الوحده بین المسلمین، http://alwhdah.com/1754 29/3/2007
2- . نهج البلاغه، حکمت 251.

## 2. برنامه ریزی وحدت محور

### اشاره

رسانه ها به ویژه رسانه ملی، باید برنامه های خود با محوریت کاهش تفرقه و افزایش هم دلی و وحدت میان جوامع اسلامی تنظیم کنند. برخی از راهکارهای این روش عبارتند از:

### الف) ملی ماندن رسانه ملی

برخی رسانه ها متعلق به گروه های خاصی هستند و دیدگاه های آنها را اعلام می کنند، ولی رسانه ملی باید به گونه ای عمل کند که همه مردم، آن را متعلق به خود بدانند. به همین منظور این رسانه باید ابتدا امکان استفاده عادلانه همه گروه های قومی و غیره را از برنامه هایی که پخش می شود، فراهم آورد. برای مثال، اگر فرصتی برای ترویج زبان و فرهنگ ترکی در برنامه های سراسری فراهم می شود، فرصت های عادلانه و متناسب با جمعیت دیگر اقوام، مانند کرد و لر و غیره نیز برای آنان فراهم آید. همچنین هنگام تبلیغ باورها، به ویژه باور های دینی و مذهبی یک گروه، به مقدسات مذاهب دیگر اهانت نکنند.

### ب) افزایش امید به امکان تحقق وحدت اسلامی

بشر وقتی به شدنی بودن یک کار امید داشته باشد، در فراهم آوردن مقدمات آن کوشاتر می شود و این کوشش، بر سرعت رسیدن او به هدف می افزاید. شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که نشان می دهد تبادل اندیشه و علم میان دانشمندان سنی و شیعی بسیار بوده است، ولی به دلیل کاستی های فرهنگی و رسانه ای، بسیاری از مسلمانان از آنها بی خبرند. معرفی این دانشمندان در رسانه ها و انتشار دیدگاه های وحدت آفرین آنان، مسلمانان را به امکان پذیر بودن وحدت امیدوار

می کند. وقتی آنها بدانند شیخ مفید و شیخ طوسی _ از عالمان برجسته شیعه _ پای درس استادان سنی مذهب می نشستند و شاگردانی از اهل سنت پای درس آنها حاضر می شدند و شیعه و سنّی بودنشان، مانعی برای تبادل دانش میان آنان نبوده است، (1) به گفت وگو و وحدت بیشتر تشویق می شوند.

همچنین انتشار رسانه ای فتواهای وحدت محور عالمان دینی از فرقه های مختلف اسلامی، عامل مؤثری در نزدیکی مسلمانان به یکدیگر است. برای مثال، برخی از علمای معروف اهل سنت اجازه می دهند مسلمانان بدون توجه به اینکه امام جماعت پیرو کدام یک از مذاهب اسلامی است، در نماز به او اقتدا کنند. از جمله ابن تیمیه می گوید:

همه مسلمانان در جوازِ خواندنِ نماز پشت سر یکدیگر اتفاق نظر دارند، همان طور که اصحاب و تابعین و ائمه اربعه پشت سر یکدیگر نماز می گزاردند و هرکس منکر چنین حکمی باشد، بدعت گذار و گمراه و مخالف قرآن و سنت و اجماع مسلمانان به شمار می آید. (2)

مفتی اعظم مصر، دکتر نصر فرید واصل نیز درباره حکم اقتدا به امام جماعتی که پیرو مذهب اهل بیت است، می نویسد:

بسم الله الرحمن الرحیم

هر مسلمانی که به خداوند ایمان داشته باشد و شهادت به وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بدهد و منکر ضروریات دین نشود و به طورکامل، عالِم به ارکان اسلام و نماز و شرایط آن باشد، امامت جماعت او برای دیگران و امامت دیگران نسبت به او، هنگامی که شرایط ذکر شده را دارا باشد، صحیح است. اگرچه امام و مأموم

---

1- . ابن جوزی، البدایه و النهایه، 12/15 برگرفته از: سخنرانی آیت الله سبحانی در http:/moballegh.net/fa/up/vahdat/vahdat/56.htm.
2- . یوسف قرضاوی، دیدگاه های فقهی معاصر، ج 1، ص 309.

اختلاف مذهبی داشته باشند و شیعه اهل بیت هم شامل همین مطلب است. ما همراهی می کنیم با آنها (شیعیان اهل بیت) درباره خداوند و رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت او و صحابه او و اختلافی بین ما و آنها در اصول و مبانی شریعت اسلامی و ضروریات قطعی دینی نیست. زمانی که خداوند افتخار حضور در دولت اسلامی را به ما عطا فرمود، در شهرهای تهران و قم ما پشت سر آنها [نماز خواندیم] و آنها نیز پشت سر ما نماز جماعت خواندند .از خداوند خواستاریم که وحدت را بین امت اسلامی محقق سازد و هرگونه دشمنی، درگیری و اختلاف را از آنان دور گرداند و اختلاف در برخی فروعات فقهی، مذهبی را مرتفع سازد.

والله المؤید والهادی الی سواء السبیل

16 شوال المکرم 1421 ه_.ق (1)

دکتر نصر فرید واصل

مفتی کشور مصر

در سال 1340 ه_.ق، علامه شرف الدین، از علمای بزرگ شیعه، به همراه پادشاه وقت عربستان، ملک حسین، در مراسم غبارروبی کعبه مکرمه شرکت کرد و به درخواست ملک حسین، نماز جماعت به امامت شرف الدین برگزار شد و شیعه و سنّی به او اقتدا کردند. (2)

امام خمینی رحمه الله، مرجع بزرگ شیعه نیز به حجاج سفارش می کرد:

لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها، از اعمال جاهلانه که موجب تفرقه صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهایی مخالف رویه اجتناب نمایند. (3)

---

1- . http://www.taghrib.ir/tmain_fa.aspx?mode=artartid=750&lng=fa.
2- . مصطفی قلی زاده، شرف الدین چاووش وحدت، ص 144.
3- . صحیفه نور، ج 10، ص 61، 29/6/1358.

همچنین می فرماید:

در وقتی که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند. (1)

در مسائل حج نیز می فرمود:

در وقوفین، متابعت از حکم قضات اهل سنت لازم و مجزی است، اگرچه قطع به خلاف داشته باشید. (2)

برخی از شیعیان تصور می کنند که دعوت به وحدت، تنها از سوی جهان تشیع صورت می گیرد و طرف مقابل به این دعوت پاسخ مناسبی نمی دهد. ازاین رو، این دعوت را نوعی باج دهی تفسیر می کنند. ادامه یافتن این پندار، به کم رنگ شدن نظریه وحدت گرا می انجامد، ولی رسانه با انتشار تلاش های وحدت محور عالمان اهل سنت می تواند این تصور باطل را اصلاح کند.

### ج) تقویت هویت اسلامی

#### اشاره

تعهد و وابستگی انسان ها به گروه، بخشی از هویت آنها را می سازد و با وجود برخی اختلاف های فکری و جغرافیایی با دیگر اعضای گروه، احساس پیوندی عمیق با آنها می کنند. اتحادیه اروپا تا حدودی موفق شده است هویت اروپایی را میان مردم کشورهای این قاره ترویج کند و گام هایی نیز برای تحقق اروپای واحد برداشته است. در میان برخی اندیشمندان و سیاست مداران قاره افریقا نیز چنین اندیشه ای مطرح شده است. بدون شک، مسلمانان بر اساس سنت اسلامی، بیش از آنکه به هویت جغرافیایی خود دل بسته باشند، به هویت اسلامی شان وابسته اند. رسانه ها باید با تأکید بر هویت اسلامی و نشان دادن نقاط قوت آن، حس

---

1- . مناسک حج، ص 257
2- . صحیفه نور، ج 10، ص 62، 29/6/1358.

مشترک مسلمان بودن و افتخار به این هویت را تقویت کنند. تقویت هویت دینی، به تقویت همکاری های اقتصادی و سیاسی خواهد انجامید و مسلمانان را هرچه بیشتر نیازمند یکدیگر خواهد ساخت. این نیازها نیز سبب پیوند بیشتر می شود. رسانه ها همان گونه که در تبیین ماجرای دهکده جهانی نقش کلیدی دارند، در تقویت هویت اسلامی مسلمانان و نزدیکی آنان به یکدیگر نیز می توانند نقشی اثرگذار داشته باشند. برای تقویت هویت اسلامی، از شیوه های متنوعی می توان بهره برد که در اینجا به دو شیوه اشاره می شود:

### یک _ برگزاری مراسم مشترک

هرگاه گروهی از مردم به دلیل باورهای مشترک خود گرد هم می آیند، احساسات مشترکی پیدا می کنند که برای آنها هویتی مشترک می سازد. هویت مشترک نیز اعضا را به یکدیگر پیوند می دهد و در مقابل هر هجومی به این هویت جمعی، مقاومت می کنند. در دنیای ورزش، مسابقه های منطقه ای و جهانی برگزار می شود و ورزش کاران و ورزش دوستان از سراسر جهان در آن شرکت می کنند. به همین دلیل، گروه های ورزشی چنان استحکام و قدرتی یافته اند که مسئولان رده بالای سیاسی کشورها، برای به دست آوردن محبوبیت، گاهی در جمع حامیان ورزش حضور می یابند و بیش از بخش های دیگر برای آنها امکانات فراهم می آورند.

اسلام برای تقویت پیوند مسلمانان، مراسم وحدت آفرین حج را واجب کرده است. بی تردید، این مراسم باید حفظ و تقویت شود، ولی از آنجا که شرکت در این مراسم، به دلیل محدودیت های مختلف، تنها برای گروه خاصی امکان پذیر است، شایسته است کشورهای اسلامی هر منطقه، در مناسبت های مشترک مذهبی، مانند میلاد یا بعثت پیامبر اسلام،

به نوبت میزبان گردهم آیی مشترک منطقه ای مسلمانان مذاهب مختلف باشند. این گونه برنامه ها، یخ های موجود میان پیروان مذاهب اسلامی را ذوب خواهد کرد. در حاشیه چنین مراسمی، مسلمانان می توانند دستاوردهای فرهنگی و اقتصادی خود را به صورت بازار مشترک، در معرض تماشا و حتی فروش بگذارند که از این رهگذر، تعداد بیشتری در مراسم اصلی نیز شرکت خواهند کرد. این گونه گردهم آیی ها، معامله های اقتصادی، بانکی و تجاری مسلمانان را تقویت می کند و به آنان به عنوان مسلمان، هویت و شخصیتی برجسته و کارآمد می بخشد.

### دو_ تشکیل دادگاه اسلامی

در قرآن کریم به مسلمانان اجازه داده نشده است که اختلاف های خود را نزد داور غیرمسلمان ببرند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيکَ وَمَا أُنْزِلَ مِن قَبْلِکَ يرِيدُونَ أَن يتَحَاکَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يکْفُروا بِهِ وَ يرِيدُ الشَّيطَانُ أَن يضِلَّهُمْ ضَلَالاً بَعِيداً (نساء: 60)

آیا ندیده ای کسانی را که می پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده اند، [با این همه] می خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته اند که بدان کفر ورزند، و [لی] شیطان می خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد.

ازاین رو، لازم است دادگاهی با حضور قاضیان باتجربه و منصف و باوجدان از کشورهای مختلف اسلامی تشکیل شود و به اختلاف های سیاسی، مرزی و اعتقادی کشورهای مسلمان یا طوایف و مذاهب اسلامی، رسیدگی کند. این امر از یک سو، گروه های تندرو و فتنه گر را در میان

مسلمانان، منزوی خواهد کرد و از سوی دیگر، با تقویت هویت مسلمانان، به هم گرایی بیشتر آنان کمک می کند. (1)

### د) تأسیس رسانه های مشترک

در این جهت باید رسانه هایی تأسیس کرد که حوزه فعالیتشان جهان اسلام باشد و مسائل گوناگون سیاسی، اقتصادی، ورزشی و دیگر مسائل جهان اسلام را از طریق خبرنگاران، گزارشگران، مجریان، کارشناسان و مدیرانی که ملیت کشورهای مختلف اسلامی را دارند، بر روی آنتن برد تا حس هم بستگی و یکی بودن در امت اسلامی تقویت شود.

### ه_) ترویج و تقویت اخلاق انسانی

بسیاری از دشمنی های افراد و گروه ها با یکدیگر، به دلیل پای بند نبودن آنان به اصول اخلاقی است. رسانه های جمعی باید با تأکید بر فرامرزی و فرامذهبی بودن اخلاق انسانی که مورد تأیید اسلام نیز هست، به بهبود روابط پیروان همه مذاهب کمک کنند. در این زمینه، با توجه به مشترک بودن بسیاری از احادیث اخلاقی در منابع مهم شیعه و سنّی، برنامه سازان و مجریان برنامه ها می توانند با ذکر سند، این احادیث اخلاقی را به صورت گفتاری یا نوشتاری به مخاطبان منتقل کنند.

### و) ترویج اندیشه بردباری و مدارا

رسانه ها باید این اندیشه را میان مخاطبان خود رواج دهند که هر انسانی به صرف انسان بودن، حقوقی دارد که دیگران باید آنها را محترم

---

1- . یکی از دوستان آزاده نقل می کرد: روزی از طرف صلیب سرخ، از اردوگاه اسرای ایرانی بازدید کردند و بازگشتند. یکی از افسران عراقی به مرحوم حاج آقا ابوترابی گفت: چرا از وضع بدی که برای شما به وجود آورده ایم، به صلیبی ها شکایت نکردید؟ حاج آقا گفت: اسلام به ما سفارش کرده است، شکایت مسلمان را نزد غیرمسلمان نبریم. آن افسر عراقی با تعجب گفت: تو که این گونه ای، پس خمینی چگونه است!

بشمارند. یکی از این حقوق آن است که پیروان همه مذاهب _ به ویژه مذاهب رسمی و اسلامی _ می توانند عقیده و شعایر دینی خاص خود را داشته باشند و از نظر شرعی و قانونی هیچ کس نباید مانع آنها در این زمینه شود. همان گونه که در روابط بین الملل، ما هرگز شرط روابط حسنه دیپلماتیک با دیگر کشورها را دست برداشتن آنها از عقاید دینی شان قرار نمی دهیم و با وجود اختلاف فکری و عقیدتی و حتی سیاسی، با نگاه به نیمه پر لیوان و تأکید بر مشترکات، با آنها گفت وگو و معامله می کنیم. در برقراری روابط دوستانه با پیروان دیگر مذاهب نیز نباید از آنها انتظار داشته باشیم عقاید و مراسم خاص خود را نادیده بگیرند.

تبلیغ اندیشه تکثرگرا با مسئله وحدت تضادی ندارد؛ چراکه مقصود از وحدت، یکسان کردن همه مذاهب نیست و چنین امری شدنی هم نیست، بلکه مقصود آن است که مسلمانان با عقاید مختلف، شکوه گذشته خود را بازیابند و در روابط بین الملل نقشی مثبت داشته باشند. به گواهی تاریخ، وقتی مسلمانان، با نفوذ در دل ها، شرق و غرب عالم را در اختیار گرفته بودند، مذهب های مختلف داشتند و به فتواهای گوناگون عمل می کردند. بنابراین، با داشتن مذاهب مختلف هم می توان پیروز و سرافراز بود. (1)

### ز) جلوگیری از تشکیل مذهب های جدید

یکی از موانع وحدت، وجود مکتب ها و فرقه های گوناگون در میان مسلمانان است. شیعه و سنّی به فرقه های متعدد با عقاید مختلف تقسیم می شوند. مذهب ها و فرقه های موجود را نمی توان حذف کرد، ولی همه

---

1- . نک: سید جعفر شهیدی، مقاله «خطوات نحو التقریب»، فصلنامه رساله التقریب، ش 1، صص 50 _ 56.

مسلمانان باید از شکل گیری شاخه های جدید در مذهب خودشان جلوگیری کنند و در برابر حرکت های احتمالی در این جهت قاطعانه بایستند و ریشه های آن را بخشکانند. این امر از تفرقه بیشتر میان مسلمانان جلوگیری می کند. رسانه ملی باید با شناسایی فرقه های تازه تأسیس و معرفی ماهیت واقعی آنها به مردم، مانع گسترش و رونقشان شود تا به انسجام امت اسلامی کمک کند.

### ح) ترویج گردشگری

یکی دیگر از گام های بلند برای تحقق وحدت میان مسلمانان، ترویج گردشگری است. وقتی مسلمانی به کشورهای اسلامی دیگر سفر کند و با شهرها، نام ها و آداب و رسوم آنجا آشنا شود، به سرنوشت و اخبار آن کشور و مردمش توجه بیشتری نشان می دهد و مرزبندی های جغرافیایی نزد او کم رنگ می شود. هرچه این آشنایی بیشتر و طولانی تر باشد، پیوندهای عاطفی محکم تر خواهد شد. چنان که اگر بشنود شهر یا کشوری که به آنجا سفر کرده و با مردمش آشنا شده، به بلای طبیعی یا غیرطبیعی گرفتار شده است، بدون شک، کمکی که برای رفع مشکل آنها خواهد کرد، به مراتب بیشتر از محلی است که هرگز به آنجا سفر نکرده است. ازاین رو، لازم است رسانه ها ابتدا گردشگری داخلی، به ویژه مسافرت به مناطقی را که پیروان دیگر مذاهب اسلامی در آنجا بیشتر حضور دارند و در مرحله بعد، گردشگری در کشورهای دیگر را با نشان دادن مراکز جذب گردشگر، ترویج کنند. این عمل، هم دلی مسلمانان را هرچه بیشتر تقویت خواهد کرد.

مسلمانان در گذشته به امر گردشگری اهمیت بیشتری می دادند، ولی از چند قرن گذشته تاکنون، این امر با موانعی روبه رو شده است. فقر اقتصادی شهروندان برخی کشورهای اسلامی، نبود روابط دیپلماتیک مناسب میان این کشورها از موانع اصلی به شمار می روند، ولی ناآگاهی و فقر فرهنگی از همه این عوامل مهم تر است، وگرنه چگونه است که بسیاری از مسلمانان، کشورهای غربی _ نه کشورهای اسلامی _ را برای گردشگری انتخاب می کنند؟

ازاین رو، بر عهده رسانه هاست که با معرفی مراکز گردشگری کشورهای اسلامی و دیگر برنامه های تشویقی، گردشگری در کشورهای اسلامی را ترویج کنند. با افزایش تقاضا برای گردشگری، حاکمان کشورها نیز به ناچار تسهیلات بیشتری به این امر اختصاص می دهند.

### ط) رفع اختلاف های بی اساس

برخی از اختلاف های مذاهب اسلامی تنها یک توهم است و واقعیت ندارد. رسانه ها می توانند با نشان دادن توهمی بودن این اختلاف ها، به گسترش وحدت کمک کنند. برای مثال، کشورهای اسلامی در اعلام آغاز و پایان ماه رمضان اختلاف دارند. برخی می پندارند این اختلاف لزوماً نوعی اختلاف مذهبی است. رسانه ها باید به مردم آگاهی بدهند که بخشی از این اختلاف، به دلیل اختلاف افق است و هرکس باید از افق منطقه خود پیروی کند؛ یعنی برای مثال، همان گونه که شیعیان عربستان باید اعمال مذهبی خود را با افق همان جا تنظیم کنند، اهل سنت ایران نیز باید تابع افق کشور خود باشند. اعلام عید بر اساس افق عربستان، برای

یک ایرانی اهل سنت باید همان قدر بی معنا و بی دلیل باشد که یک تهرانی ساکن در مکه بر اساس افق تهران نماز بخواند.

یکی دیگر از اختلاف های غیرواقعی آن است که کسی گمان کند شیعیان به دلیل اعتقاد به امامت امام علی علیه السلام، در پایان قرائت قرآن، «صدق الله العلی العظیم» می گویند، درحالی که اهل سنت کلمه «العلی» را نمی آورند.

تجلیل از شخصیت های علمی و دینی مذاهب دیگر و تشکیل میزگرد های علمی با حضور صاحب نظران مذاهب مختلف برای تشخیص و رفع موانع انسجام اسلامی، از دیگر وظایف رسانه ها در جهت ایجاد وحدت است. بیشتر اختلاف ها از اختلاف های جزئی آغاز شده است که گویندگان و نویسندگان با طرح این اختلاف ها، به تدریج بر عمق و گستره آنها افزوده اند. به همین نسبت، رفع اختلاف نیز نیازمند برنامه ریزی و کار مداوم و عمیق است، وگرنه پرداختن به چنین مسئله پیچیده و مهمی در وقت خاصی از سال _ مثلاً هفته وحدت _ چندان گره گشا نیست.

## کتاب نامه

### الف) کتاب


1.ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی، 1404 ه_ .ق.

2.ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکرم الشیبانی، الکامل فی التاریخ (9 جلد)، محقق: مکتب التراث، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، 1994م.

3.ابن سیار منقری، ابوالفضل، نصر بن مزاحم، وقعه صفین، قم، انتشارات کتاب خانه آیت الله مرعشی، چاپ دوم، 1403 ه_ .ق.

4.ابن عربی، قاضی ابوبکر، العواصم من القواصم فی تحقیق مواقف الصحابه بعد وفاه النبی، مکه، 1374.

5.ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ الخلفا، بیروت، دار التعاون، مکه المکرمه.

6.ابوزهره، محمد، تاریخ المذاهب الاسلامیه (2 جلد)، القاهره، دار الفکر العربی، 1971 م.

7.اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، (2 جلد)، تبریز، مکتبه بنی هاشم، 1381.

8.بروجردی، سید ابراهیم، تفسیر جامع (7 جلد)، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم،1341.

9.بلاغی، سید عبدالحجه، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر (10 جلد)، قم، حکمت، چاپ اول، 1345.

10.الجرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، تفسیر گازر، (10 جلد)، قم، حکمت، چاپ اول، 1345.

11.حر عاملی، وسائل الشیعه (29 جلد)، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، 1409 ه_ .ق.

12.دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1377.

13.سبحانی تبریزی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم، اداره الحوزه العلمیه، 1372.

14.سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، امیر کبیر، 1376.

15.شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، کتاب الملل و النحل، تخریج: محمد بن فتح، مصر، مکتبه الانجلو، چاپ سوم، بی تا.

16.شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، 1413 ه_ .ق.

17.طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، 1362.

18.طبرسی طوسی، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (27 جلد)، ترجمه: سید ابراهیم باقری، تهران، فراهانی، چاپ اول، 1360.

19._____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (10 جلد)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1379.

20.فضل الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن (25 جلد)، بیروت، دارالملاک للطباعه و النشر، چاپ دوم، 1419.

21.قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج ابوالحسین، صحیح مسلم (5 جلد)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

22.قلی زاده، مصطفی، شرف الدین؛ چاووش وحدت، تهران، سازمان تبلیغات، چاپ اول، 1372.

23.کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین (10 جلد)، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ دوم، 1344.

24.کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1365.

25.مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، (110 جلد)، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404.

26.مشکور، محمدجواد، فرهنگ فِرَق اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، 1372.

27.مطهری، مرتضی، انسان کامل، قم، صدرا، 1373.

28._____، یادداشت های استاد، تهران، صدرا، 1386.

29.معروف الحسنی، هاشم، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه: محمدصادق عارف الحسنی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ سوم، 1379.

30.مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه (27 جلد)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1353.

31.موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، 1370.

32._____، مناسک حج، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، 1373.

33.مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، محقق: نیکلسون، تهران، نشر محمد، چاپ اول، 1371.

34.نجفی، محمدجواد، تفسیر آسان (15جلد)، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، 1364.

35.نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل (18 جلد)، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، 1408.

36.واعظ کاشفی، کمال الدین حسین، تفسیر مواهب علیه (4 جلد)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، 1317.

37.یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی (2 جلد)، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، 1342.

ب) نشریه

1.شهیدی، سید جعفر، «خطوات نحو التقریب»، فصلنامه رساله التقریب، شماره 1، اسفند 1371 و http://www.taghrib.org/arabic.

2.صاحبی، محمدجواد، «سید جمال الدین اسدآبادی؛ بنیان گذار جبهه اتحاد اسلامی»، مجله تقریب نت، شماره 5، بهمن 1383.

3.مدنی، شیخ محمد، «اسباب الاختلاف بین الائمه المذاهب الاسلامیه»، مجله رساله الاسلام، شماره 31.

ج) پایگاه اینترنتی

http://taghrib.ir/persian/?=7dcid=31320.1

2.ابن بیه، عبدالله، التکفیر الوجه الثانی للحرب عن الامه الاسلامیه، 11/5/ 2006، www.alwhdah.com.

3.راضی، شیخ حسین، مفهوم اللعن فی القرآن و موقف الامام علی من السب و اللعن www.alwhdah.com.

4.شیخ صفار، انبعاثا لتیار سلفی شیعی و لابد من معالجه جرینه لمساله اللعن، شبکه راصد، 5/3/2007، www.alwhdah.com.

5.عسکری، سید مرتضی، اندیشه وحدت اسلامی در عصر حاضر، ترجمه: امیری شاد مهری، www.taghrib.ir.

6.قرضاوی، یوسف، دیدگاه های فقهی معاصر، سایت مجمع تقریب مذاهب اسلامی، استفتائات علمای شیعه و سنی در مورد شرکت در نماز جماعت سایر مذاهب اسلامی.

7._____، مبادی فی الحوار و التقریب بین المذاهب الاسلامیه، قاهره، مکتبه وهبه، چاپ اول، 2006، www.alwhdah.com.

8.هویدی، فهمی، تجربه التقریب بین المذاهب، www.alwhdah.com.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109